

((سلسله درس های عقیده))

عالم

پس از مرگ

تدوین و تقدیم :

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
فصل اول :	
۹	ایمان به آخرت
۹	اثبات آخرت
۱۰	استدلال قرآن
۱۳	دلایل عقلی
۱۶	آثار شوم انکار آخرت
۱۷	آثار ایمان به آخرت
فصل دوّم :	
۲۰	مرگ
۲۱	منکرین مرگ در برابر استدلال قرآن
۲۲	سکرات موت
۲۳	فرشته مرگ
۲۴	احوال آدمیزاد پس از مرگ
۲۶	عذاب قبر
۲۷	عالم برزخ
۲۸	فضیلت یاد مرگ

۳۰	روش یاد مرگ
۳۳	زیارت قبور

فصل سوّم :

۳۶	پایان عالم هستی
۳۶	علائم نزدیک بودن ساعت موعود
۳۹	فضل عبادت در آخر زمان
۳۹	علائم ساعت موعود
۴۸	وقوع ساعت موعود
۵۱	دمیدن در صور
۵۲	کلام خداوند متعال در آن روز
۵۳	دمیدن در صور برای بار دوم

فصل چهارم :

۵۷	حشر آدمیان
۵۹	نامه اعمال
۶۳	سیمای مجرمان در روز قیامت
۶۸	تأخیر در محاکمه و محاسبه
۷۱	آغاز محاکمه و محاسبه
۷۶	فضیلت مساکین
۷۷	صفت میزان
۸۰	قصاص
۸۲	پل صراط

۸۳	ورود به دوزخ
۸۴	روز فصل و جدایی
۸۵	شفاعت
۸۶	کرم خداوند نسبت به موحین
۸۶	محاكمه آخرین فرد
۸۷	رؤیت خداوند متعال

فصل پنجم :

۹۰	ورود نیکوکاران به بهشت
۹۲	درجات بهشت
۹۳	حوضهای بهشت
۹۴	کاخها و اتاقهای بهشت
۹۶	نهرهای بهشت
۹۷	درختان و میوه های بهشت
۹۹	اوصاف اهل بهشت
۱۰۲	عروسهای بهشت
۱۰۵	غلامان بهشت
۱۰۶	غذاهای بهشت
۱۰۶	نوشابه های بهشت
۱۰۸	جواهرات و لباسهای بهشت
۱۰۸	خیمه های بهشت
۱۰۹	کشاورزی در بهشت
۱۰۹	وسایط نقلیه سواری

- ۱۱۰ بازارهای بهشت
- ۱۱۱ اکثریت اهل بهشت امت محمد می باشند
- ۱۱۲ بهشت سرای امنیت و آسایش
- ۱۱۴ رضایت خداوند

فصل ششم :

- ۱۱۶ آتش جهنّم
- ۱۱۷ طبقات دوزخ
- ۱۲۲ اوصاف دوزخ
- ۱۲۳ اوصاف اهل دوزخ
- ۱۲۷ غذا و نوشیدنیهای اهل دوزخ
- ۱۲۹ گفتگوی دوزخیان با مستکبران
- ۱۳۰ گفتگوی اهل بهشت با دوزخیان
- ۱۳۱ استغاثه و استمداد اهل دوزخ
- ۱۳۳ خاتمه
- ۱۳۵ منابع و مآخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَ
اتَّبَاعِهِ أَجْمَعِينَ....

ایمان به زندگی پس از مرگ ، یکی از مهمترین اصول و ارکان عقیده ی اسلامی است و علم و آگاهی از مراحل مختلف قیامت ، همراه با ایمان بدان ، منشأ تحرک و پویایی و عامل ایجاد تغییر در مسیر زندگی انسان خواهد بود .

مسلمانان عصر نزول قرآن ، از لابلای کلام خداوند متعال و احادیث پیامبر (ص) به تماشای مناظر قیامت پرداختند ، و این مشاهده در حواس و شعور و قلبهای آنان ریشه داوند و آنان را متأثر ساخت و در آنان بینش و نگرشی نو ایجاد کرد ، و این بینش و نگرش در نفس ها ، زندگی و دنیای آنان و دیگران انقلاب بزرگی بوجود آورد. بی شک مرگ به سراغ ما می آید !! همچنانکه می بینیم هر روز در پیرامون ما ، از بزرگ و کوچک ، آشنا و نا آشنا ، مستکبر و مستضعف ، نیکوکار و بدکار ، از جمع ما می رباید ... شیخ مرگ مافوق تصور آدمی است و همین هم سبب شده است تا به آسانی آن را احساس ننماید و زندگی دنیوی را همیشگی بپندارد .

یکی از اهداف بسیار مهم پیامبران در طول تاریخ ، آگاه کردن مردم از مرگ و بیدار کردن دلها و ترساندن آنها از عواقب شوم غفلت از آخرت و غرق شدن در لذایذ زودگذر دنیوی و بهره گیری از دنیا به عنوان مزرعه آخرت بوده است و ایمان به روز آخرت از چنان اهمیتی برخوردار است که پس از ایمان به خداوند در رأس همه ی امور قرار گرفته است .

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُؤْاُ وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوٰی

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا...^(۱)

اینکه (به هنگام نماز) چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید ، نیکی (تنها همین) نیست بلکه نیکی (کردار) کسی است که بخدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد ، و مال (خود) را با وجود علاقه ای که بدان دارد به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد ، و در راه آزاد سازی بردگان صرف کند و نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد ، و وفا کنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند ...

همچنانکه می بینیم بعد از ایمان به خدا و قبل از ایمان به سایر امور و آن همه نیکی ها ، ایمان به روز آخرت مطرح می شود ، زیرا ایمان به آخرت و اثرات آن است که آدمی را از لجنزار جاهلیت بیرون کشیده و به اوج انسانیت می رساند ، و از او ابر مرد تاریخ می سازد ، همچنانکه اعراب جاهلی را از دل جاهلیت بیرون کشید و از آنان مردانی ساخت که مسیر تاریخ دنیای آن روز را دگرگون ساختند .

در سایه ی عنایت پروردگار این نوشته هم در پی آن است تا با الهام از قرآن و احادیث پیامبر (ص) روزه ای به دنیای دیگر بگشاید و دلها را از تنگی دنیا به عالم پهناور آخرت و سرای خوشبختی واقعی متوجه گرداند. و نهال شوق و اشتیاق بدان ، در دلها بکار د. امید است خواننده گرامی از آن بهره گرفته و ما را از دعای خیر خود محروم ننماید . و بر بی بضاعتی ما به دیده ی اغماض بنگرد و خطاها را هدیه نماید .

« و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب »

^۱ - بقره/ ۱۷۷

فصل اول :

ایمان به آخرت

اثبات آخرت

استدلال قرآن

تفکر در رستاخیز نباتات

دلایل عقلی

اثر انکار آخرت

اثر ایمان به آخرت

ایمان به روز آخرت

بعد از توحید و ایمان به وحی و نبوت ، یکی دیگر از ارکان عقیده ی اسلامی ، ایمان به روز آخرت می باشد. بدین معنی که ما انسانها بعد از مرگ، دوباره زنده شده و در صحرای محشر در دادگاه عدل الهی حضور یافته ، مورد محاکمه و محاسبه قرار خواهیم گرفت و در نهایت نیکوکاران به پاس نیکیهایشان به بهشت می روند و بدکاران به سزای بدیهایشان روانه ی دوزخ می شوند...

اثبات آخرت

ذهن کنجکاو آدمی ، او را به حال خود وا نمی گذارد ، بلکه بر او الزام می نماید که هرچیزی را با ارائه ی دلیل و برهان بپذیرد . همچنانکه ذهن پیامبرانی چون ابراهیم و عزیز (علیهما السلام) هم به منظور فهم این امر مهم ، آنها را هم به کاوش و جستجو و تحقیق وادار نمود ...

حال ما با وجود ایمان به حقانیت قرآن ، و وجود این خبر مهم درآن ، و با ملاحظه ی این نکته که آخرت جزو امور غیبی است ، لازم است برای فرو نشاندن عطش ذهن کنجکاو ، روش فهم و پذیرش و ایمان به آخرت را به صورت مستدل برخورد و دیگران آسان گردانیم ؟

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره اسری از زبان منکرین زندگی پس از مرگ می فرماید: ... أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا وُفُفًّا أَءِذَا لَمَبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۴۹﴾

آیا هنگامی که ما استخوانی (پوسیده) و تکه های خشکیده (و از هم پاشیده) شدیم ، دیگر باره آفرینش تازه ای خواهیم یافت ؟

باری ابی بن خلف یکی از سران مشرکین قریش ، استخوان پوسیده ای را آورد و در مقابل پیامبر(ص) پودر نمود و بر آن فوت کرد و در هوا پراکنده ساخت و گفت : مَنْ

يُنْحِي الْعِظَمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿۵۰﴾ چه کسی می تواند این استخوانها را که پوسیده و فرسوده اند زنده گرداند؟

استدلال قرآن

۱- یادآوری خلقت اولیّه :

قرآن به ابی بن خلف و امثال او ، خلقت اولیه ی آنها را یاد آوری می نماید و می فرماید : يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿١﴾ کسی آنها را زنده می گرداند که نخستین بار آفریده است . و او بر همه ی آفریدگان بس آگاه است .

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٢﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٣﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٤﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٥﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٦﴾ انسان باید بنگرد و دقت کند که از چه چیزی آفریده شده است. او از آب جهنده ی ناچیزی آفریده شده است. آبی که ازمیان استخوان پشت (پدر) و استخوانهای سینه (مادر) بیرون می آید . بیگمان خداوند متعال قادر است که باردیگر انسان را (پس از مرگ به زندگی) برگرداند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٨﴾ ما انسان را از عصاره ای از گل آفریده ایم. سپس او را به صورت نطفه در آورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای می دهیم.

آدمی از مواد غذایی موجود در طبیعت استفاده می نماید و بدنش رشد می کند و دستگاههای اسپرمساز^(۴) و تخمک ساز^(۵) ، بر خلاف سایر سلولهای بدنی که در هنگام رشد و تقسیم ، سلولهای کامل همچون خود بوجود می آورند ، دستگاههای سازنده ی سلولهای جنسی نر و ماده بجای تولید سلول کامل ، نصف سلول می سازد چون اگر سلول کامل بسازد هرگز انسانی بوجود نخواهد آمد ، چون دو سلول کامل باهم ترکیب نمی شوند . اولین مرحله خلقت آدمی با ترکیب نصف سلول پدر و نصف سلول مادر و بوجود آمدن یک سلول که قطر آن حدود یک هزارم میلیمتر است و در حالی

۳- مومنون/۱۳-۱۲ -۴- اسپرم : سلول جنسی مرداست.

۱- یس/۷۹ -۲- طاریق/۹-۵

۵- تخمک : سلول جنسی زن است .

که با چشم دیده نمی شود ، آغاز می شود و همین یک سلول بدون بهره گیری از علم و دانش و حکمت ، کلیه ی دستگاههای مختلف و اسرار آمیز بدن را همچون قلب و گردش خون ، مغز و اعصاب ، گوارش ، کلیه ، شش ، کبد ، مجاری ادرار ، چشم ، گوش ، زبان ، و ... و بیش از دویست استخوان در اندازه های معین و مشخص و در قالب دقیق می آفریند ... راستی یک سلول چگونه توانایی ساختن این همه دستگاه های عظیم دارد در حالیکه انسان با این همه علم و دانش از کشف اسرار این دستگاهها عاجز و ناتوان است چه جای آنکه بخواهد یکی از این دستگاهها را بسازد؟

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٦٠﴾ آدمی باید دقت کند و بنگرد که از چه چیزی آفریده شده است.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿٦١﴾ سپس نطفه را به صورت لخته خونی ، و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده ای ، و این تکه گوشت جویده را بسان استخوان ضعیفی در می آوریم ، وبعد بر استخوان ، گوشت می پوشانیم و از آن پس ، او را آفرینش تازه بخشیده (با دمیدن روح به کالبدش) پدیده ی دیگری خواهیم کرد والا مقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است.

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾^(۱)

او است که شما را در رحمهای (مادران) هر آنگونه که بخواهد شکل می بخشد ...

سؤال : من یحیی العظام و هی رمیم؟ چه کسی استخوانهای پوسیده را دوباره زنده می گرداند؟

جواب : يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ آنکه بار اول آنها را آفرید دوباره آنها را زنده می گرداند.

۱ - مومنون/ ۱۴^۲ - آل عمران / ۶

۲- تفکر در رستاخیز نباتات:

قرآن به منظور آماده سازی قلب به پذیرش یقینی ایمان به آخرت ، آدمی را به تفکر در رستاخیز نباتات فرا می خواند :

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ . و از نشانه های (قدرت)

خدا این است که تو زمین را خشک و برهوت می بینی اما هنگامی که آب بر آن فرو می فرستیم ، به جنبش در می آید و آماسیده می گردد . آن کس که این زمین خشک و برهوت را زنده می کند ، هم او مردگان را نیز زنده می گرداند . چرا که او بر هر چیز توانا است .

﴿ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى ﴾ ^ط سُخْرِجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَمِيتِ وَخُزِجُ الْمَمِيتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ ... ^ط (۲) این خدا است که دانه و هسته را می شکافد ، زنده را از مرده و مرده را

از زنده بیرون می آورد (از قبیل آفریدن انسان از خاک و تولید شیر از حیوان) این خدای شما است ...

معمولاً با شروع فصل سرما فعالیت حیاتی گیاهان و درختان متوقف می شود و به خواب زمستانی (در واقع نوعی مرگ موقت) فرو می روند ... دانه ی گندم یا جو ، مرده ای بیش نیست اما همین مرده را در فصل بهار در دل خاک قرار دهید تا حیات مجدد او را با چشم خود ببینید ، حیات مجدد آدمی هم همانگونه خواهد بود .

فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣﴾ به آثار (باران) رحمت الهی بنگر که چگونه زمین

را پس از مردنش زنده می کند . آن کس (که زمین مرده را این چنین پس از نزول باران زنده می کند) زنده کننده ی مردگان (در رستاخیز) است.

به تازگی علم پرده از راز بسیار مهمی بر داشته است و آن اینکه در درون آخرین استخوان ستون مهره های آدمی دو سلول زنده وجود دارد و این سلولها در برابر تمام

۱- فصلت/ ۳۹ ۲- انعام/ ۹۵ ۳- روم/ ۵۰

مواد شیمیایی موجود مقاوم هستند و هیچ ماده شیمیایی قادر به نابودی آنها نیست ، گرچه تمام بدن آدمی بپوسد اما این دو سلول همچنان زنده باقی می ماند ... راستی آدمی در ابتدا جز یک سلول (نصف سلول پدر و نصف سلول مادر) و فراورده های خاک (گیاه) چیز دیگری است ؟ حال اگر این سلول همچون بذر در دل خاک قرار گیرد ، و خداوند آنگونه که شرایط رشد دانه را فراهم ساخته ، شرایط رشد او را هم فراهم نماید ، در فصل بهار چگونه نباتی سر از دل خاک بیرون خواهد آورد !؟

... وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ

رَوْحٍ بِهِجٍ ﴿٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّ الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧﴾

(۱) تو زمین را خشک و خاموش می بینی اما هنگامی که (در فصل بهار) بر آن آب می بارانیم ، حرکت و جنبش بدان می افتد و رشد و نمو می کند و انواع گیاهان زیبا و شادی بخش را می رویاند. آن بدان خاطر است که (بدانید) خدا حق است و او مردگان را زنده میگرداند و وی بر هر چیزی توانا است.

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: « لیس من الانسان شیء إلا یبلی إلا عظماً واحداً و هو عجب الذنب و منه یرکب الخلق یوم القیامه » (۲) تمامی اعضای بدن انسان به خاک تبدیل می شود جز آخرین استخوان ستون مهره ها که در روز قیامت دوباره انسانها از آن استخوان آفریده خواهند شد.

دلایل عقلی

منظور از عقل ، نیروی قلب (۳) یا قدرت تفکر و استدلال است ، که با بهره گیری از دستاوردهای علم تجربی و تمرکز بر این یافته ها از رهگذر استدلال ، به امور پنهان و خارج از دایره ی حواس پی می برد. مثلاً با مشاهده ی مخلوقات و نظم حاکم بر جهان هستی با الهام از تفکر و تعقل، به وجود آفریننده ی هستی پی می برد. اگر دایره تفکر و تعقل را در مورد زندگی اخروی گسترش دهیم ، یقین بر وجود آن

۳- قرآن از نیروی دزاکه به قلب تعبیر کرده است.

۲- رواه الشیخان

۱- حج/۶-۵

حاصل می شود ، اما اگر آن را محدود نمائیم ، نتیجه ای جز انکار آخرت نخواهد داشت زیرا:

۱- عدم علم موجب انکار حقایق است .

الف : اگر به کسی گفته شود که کره زمین با سرعت ۳۰ کیلومتر در ثانیه در حال گردش و حرکت است (با توجه به عدم علم فرد به این حقیقت) چون حواس او چنین حرکت و گردشی را احساس نمی نماید ، قطعاً این حقیقت را نخواهد پذیرفت .
ب: فرض کنید در کره ی مریخ هیچ درختی وجود نداشته باشد و به ساکنان آن کره گفته شود اگر یک گردو را در زیر خاک دفن کنید از آن، یک درخت بسیار تنومند خواهد روید و هزاران گردو همچون گردوی اوّل ، ثمر خواهد داد ... آیا سکنه مریخ با توجه به عدم آگاهی از کشاورزی و تجربه آن ، به آسانی سخن شما را خواهند پذیرفت (اینکه یک گردو منشأ پیدایش هزاران گردو شود) یا به شما نسبت جنون و جهل خواهند داد؟ بنابراین عدم علم به آخرت هم موجب انکار آن می شود.

۲- دانش ناقص منجر به برداشت نادرست می شود.

رحم مادر را به عنوان یک شهر فرض کنید در این شهر همه ی شهروندان از طریق بند ناف تغذیه می کنند و جز بند ناف رازق دیگر و راه دیگری برای رسیدن غذا و هوا به بدن سراغ ندارند حال (در هنگام تولد) از این شهر کسی با بند ناف خارج می شود ، اما بعد از لحظاتی اهل آن دیار می بینند بند نافش قطع شد ! از نظر مردمان این شهر سرنوشت فرد خارج شده به کجا انجامید؟
... قطعاً جز مرگ صد درصد سرانجام دیگری ندارد ، چون به نظر آنها دیگر به او نه هوا می رسد و نه غذا !...

از دیدگاه ما که در اثر دانش ناقص خود آدمی را فقط جسم می پنداریم و علم و دانش ناقصی نسبت به عالم برزخ داریم و یا چندان علمی نداریم ، خروج یک فرد را از سرزمین خود به عالم برزخ چگونه می پنداریم ؟

میزان اعتبار تصورمردمان شهر رحم در ارتباط با شخص خارج شده به چه میزان است ، تصور ساکنان کره ی خاکی هم به نسبت عالم برزخ به همان اندازه اعتبار دارد.

۳- جهان سیرتکاملی دارد و همه چیز در حال تکامل است.

- شریعت و احکام ابتدایی حضرت آدم و انسانهای اولیه تا شریعت و احکام کامل خاتم و این عصر.

- وسایط نقلیه باری و سواری از حیوان و گاری گرفته تا ناوگان و هواپیما و سفینه فضایی .

- سایر وسایل و امکانات ابتدایی و امکانات مدرن امروز و فردا...

همه در حال پیمودن مراحل ترقی و تکامل خود هستند ، اما آیا ابزار سنجش و ارزشگذاری حقایقی همچون عقل، فکر، نیت ، عشق ، نفرت ، وجدان ، اراده ، بخل ، حسد و سایر امور غیر مادی در این جهان وجود دارد ؟ آیا عدم وجود آنها دلیل بر نقص نظام فعلی نیست و آیا همه گیری قانون ارتقا نباید شامل آنها هم بشود؟ راستی کی و کجا این ابزارهای سنجش و اندازه گیری به ارزشگذاری خواهند پرداخت ؟ بی شک عقل ، ارزش گذاری این ابزار را قطعی و یقینی می داند و آن جز در جهان آخرت نخواهد بود ...

۴- در جهان برای امور اخلاقی قوانین معین وجود ندارد.

الف: مبارزان حق طلب که قبل از رسیدن به هدف (نابودی ستمگر و بدست گرفتن قدرت) جان خود را فدا می نمایند، کی و کجا پاداش جهاد و تلاشهای خود را دریافت خواهند کرد؟ ثبت نام آنان در تاریخ و ساختن مجسمه های آنان و نصب در میدان شهر، چه فایده ای به حال آنان دارد؟ راستی اگر زندگی همین زندگی دنیوی است چرا باید او بمیرد تا دیگران بهتر و بیشتر بچرند ؟ سبب این برتری چیست؟

ب: گاه پاداش صداقت ، گل باران و گاه پاداش آن ، سنکسارشدن است ...! راستی اگر برای امور اخلاقی قوانین عالمانه و حکیمانه و عادلانه ی اخروی وضع و اجرا نشود ، به گور رفتن سنگسار صادق و مبارز حق طلب برای وی چه سودی دارد؟

ج: ستمگران و جلادان که هزاران کس را کشته اند و بی خان و مان کرده اند و ما قدرت انتقام گیری از آنها را نداریم کجا باید تاوان پس بدهند؟ به فرض هم توانستیم انتقام بگیریم مگر او جز یک جان و پرداخت حق یک فرد ، بیشتر دارد ؟ پس حق دیگران چه می شود ؟

بنابراین عجز و ناتوانی احکام دنیوی در اجرای عدالت ، دادگاه عدل الهی را اقتضا می نماید ...

امام محمد غزالی (رح) گوید : هرگز چیزی از شگفتیهای آخرت را با قیاس به دنیا انکار مکن . چون اگر شگفتیهای دنیا را نمی دیدی و آنگاه به تو عرضه می شد . بی شک به شدت آنها را انکار می کردی . چون آدمی طبیعتاً با هر چیز که مأنوس نباشد ، انکار می نماید . اگر تولد انسان را مشاهده نکرده بود و به او گفته می شد از این آب کم و ناچیز و پست ، آدمی ساخته می شود که دارای صورت و سیما و عقل و قوهٔ تکلم و سایر دستگاههای اسرار آمیز است . به شدت آن را انکار می نمود .^(۱)

مراحل مختلف زندگی خود را پیش رو دار . تو جنین بودی مُردی و از مرده ی تو نوزادی دیده به جهان گشود ، می دانی آن نوزاد کجا رفت ؟ آن نوزاد هم عمر خود را سپری نمود و رفت و کودکی به جایش آمد ، کودک هم رفت ، جای خود به نوجوانی داد ، نوجوان هم عمر خود را سپری کرده و رفت و میدان به میان سال سپرد ، او هم به بزرگسال و سالخورده واگذار کرد و سالخورده هم رفت و ... راستی می دانی این نوزاد ، کودک ، نوجوان ، جوان ، میانسال ، بزرگسال و سالخورده که همه مردند و رفتند ، همه تو بوده و خواهی بود . در هر حال روح و روان تو ثابت، اما قالبهای جسمانی متفاوت بوده اند . پس قالبهای جسمانی ظاهری را معیار و ملاک قرار مده ، چون هر لحظه در اثر مرگ سلولهای بدنت در حال تعویض کردن قالب هستی ، پس به یقین بدان که با مرگ هم به قالب دیگر و مراحل دیگری از زندگی همچون عالم برزخ ، صحرای محشر و بهشت یا دوزخ قدم خواهی نهاد ...

آثار شوم انکار آخرت

منکرین حیات اخروی می گویند : **إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ** ^(۲) حیاتی جز حیات این جهان وجود ندارد که (گروهی از ما) می میریم (و گروه دیگری از ما جای آنها را می گیریم) و زندگی می کنیم . و ما هرگز (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم .

آثار و عواقب شوم این بینش بر رفتار فرد :

^۲ - مومنون/ ۳۷

^۱ - احیاء علوم الدین

- ۱- غنیمت دانستن عمر برای بهره مندی از لذاذذ از هر طریق ممکن و شیوع فساد اخلاقی ، چون عامل جلب لذت و منفعت است .
- ۲- عدم ترس و واهمه از محاکمه و محاسبه .
- ۳- تجاوز و تعدی به جان و مال و ناموس دیگران به منظور لذت جویی بیشتر .
- ۴- متوسل شدن به هزاران مکر و نیرنگ و فریب در بدست گرفتن قدرت و سلطه ، چون قدرت ، وسیله رسیدن به لذت است .
- ۵- عدم بکار گیری نیروها و استعدادهای انسانی در جهت نیکوکاری . چون احسان و نیکی ، سبب خسران مال و تقلیل لذت می شود .
- ۶- عدم همکاری متقابل اجتماعی مگر در صورت جلب منفعت و اقتضای مصلحت.
- ۷- محروم شدن از لذاذذ و نعمتهای جاوید بهشت .
- ۸- گرفتار شدن به عذاب دائمی دوزخ .

آثار ایمان به آخرت

- ۱- تقویت ایمان بخدا و احساس نظارت او .
 - ۲- پرهیز از گناه و معصیت (ظلم ، دروغ ، خیانت و ...) بخاطر ترس از عذاب اخروی.
 - ۳- تمایل به انجام امور خیر به امید برخورداری از پاداش اخروی .
 - ۴ - ترک امور و کارهای بیهوده (مِنْ حُسْنِ الْإِسْلَامِ الْمَرْءُ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِي)^(۱) از نیکی اخلاق شخص مؤمن است ، ترک نمودن آنچه راکه در آن خیری نیست .
 - ۵- تخلق به اخلاق قرآنی:
- قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ : ^(۲)مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارند. آنان کسانی اند که :
- بایات رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ. به آیات پروردگار خود ایمان دارند .
 - بِرَبِّهِمْ لَا یُشْرَکُونَ. برای پروردگار شان، همتایی قرار نمی دهند

^۱ - رواه احمد و بیهقی

^۲ - مؤمنون و معارج

- فِي صَلَاتِهِمْ خُسْفَانٌ ﴿٦٠﴾ . در نمازشان خشوع و خضوع دارند .
- عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ . مواظب نمازهای خود می باشند .
- عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ . همیشه نماز خود را به موقع می خوانند .
- عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ . از سخنان و کاره ای بیهوده دوری می کنند .
- لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ . زکات اموالشان را می پردازند .
- لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ . عورت خود را می پوشانند .
- مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ . از عذاب پروردگارشان بیمناکند .
- مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ . از آنچه روزی آنها کرده ایم انفاق می کنند .
- عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . در کارها به پروردگارشان توکل می کنند .
- لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ . در امانتداری ، امین و در عهد خود ، بر سر پیمان باقی می مانند .

فصل دوّم:

مرگ

منکرین مرگ در برابر استدلال قرآن

سکرات موت

فرشته مرگ

احوال آدمیزاد پس از مرگ

عذاب قبر

عالم برزخ

فضیلت یاد مرگ

روش یاد مرگ

زیارت قبور

مرگ

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿١﴾ هر کسی مزه مرگ را می چشد سپس به سوی ما بازگردانده می شوید.

مرگ از جمله اموری است که برخلاف میل باطنی آدمی واقع می شود. و از اسراری است که انسان از درک حقیقت و چگونگی آن عاجز است و هیچ نیرویی قادر نیست در برابرش مقابله و مقاومت از خود نشان دهد. حقیقتی است غیر قابل انکار، که به همگان حمله ور می شود و تا قبض روح ننماید دست بردار نیست و از کسی باکی ندارد. خانه پادشاه و گدا، غنی و فقیر، ارباب و رعیت برایش یکسان است و هنگام وقوع لحظه ای تاخیر روا نمی دارد.

... فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَفْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^(۲). و هنگامی که اجل آنها سر رسید نه لحظه ای پس می اندازند و نه پیش می اندازند.

صائب حریف سیلی باد خزان نه ای پیش از خزان خود بفشان برگ و بار را

در تفسیر طبری آمده است هنگامی که، حضرت سلیمان در ایام کهولت بر اضعف و پیری در محراب معبدش بر عصایش تکیه زده بود و مشغول ذکر و عبادت خداوند متعال بود، ناگاه شخصی در مقابلش پدیدار می گردد. حضرت سلیمان هم با لحن تندى او را مورد خطاب قرار می دهد که چرا بدون اجازه وارد شده ای؟ او هم می گوید: من کسی نیستم که نیاز به اجازه داشته باشم، تو و غیر تو برای من یکسان است من ملک الموت و آمده ام تا جانت را بستانم ...

حضرت سلیمان با لحن متواضعانه ای می گوید: اگر ممکن است مرا لحظه ای رخصت ده تا امور مملکت به دیگری سپرده و با اهل خانه وداع نمایم. ملک الموت گوید: نه تنها اجازه این کارها را نداری، حتی اجازه نشستن هم نمی دهم بلکه باید ایستاده قبض روح شوی!!

^۱ - عنکبوت/ ۵۷ - ۲ - نحل/ ۶۱

حضرت سلیمان قبض روح می شود و در همانحال می ماند و دیگران می پندارند که او مشغول راز و نیاز است و کسی جرأت نمی کند به او نزدیک شود . تا بعد از مدتی موربانه عصایش را می خورد و آن حضرت نقش بر زمین می شود و می بینند که زمان بسیاری است که او فوت کرده است .

جهان ای پسر ملک جاوید نیست ز دنیا وفا داری امید نیست
 نه بر باد رفتی سحرگاه و شام سریر سلیمان علیه السلام
 به آخر ندیدی که بر باد رفت خنک آنکه با دانش و داد رفت^(۱)

منکرین مرگ در برابر استدلال قرآن

عده ای در اثر جهل و ناآگاهی ، قدرت خداوند را در مسأله ی مرگ منکر شده و مرگ را امری طبیعی و خارج از حیطه ی قدرت خداوند می دانند . خداوند مقتدر هم قدرت بی منتهایش را در مسأله ی مرگ به آنها یادآور می شود و با منطق متین و قاطع آنها را مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید:

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ ﴿٢٧﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٢٨﴾ وَخُنْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَنْكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٣٠﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿٢٧﴾ پس چرا هنگامی جان به گلوگاه می رسد . و شما در این حال می نگرید (و کاری از دستتان ساخته نیست) . ما به او نزدیکتریم از شما ، و لیکن شما نمی بینید . اگر شما مطیع فرمان (خداوند) نمی باشید . اگر راست می گوئید روح را بازگردانید..

قرآن احوال آنها را در لحظه ی آخر چنین تصویر می نماید : كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الرَّاقِيَ

﴿٣١﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٣٢﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٣٣﴾ وَالْتَفَتِ الْأَسَاقُ بِالْأَسَاقِ ﴿٣٤﴾ إِلَى رَبِّكَ

يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٥﴾ . ﴿٣٦﴾ چنین نیست که گمان می برند ... هنگامی که جان به گلوگاه برسد . گفته می شود آیا کسی هست (برای نجات او) افسون و تعویذی

^۲ - قیامت/ ۳۰-۲۶

۲- واقعه/ ۸۷-۸۳

^۱ - گلستان سعدی

بنویسد؟ و (شخص در حال مرگ) یقین پیدا می کند که زمان فراق فرا رسیده است . ساق پائی به ساق پائی می پیچد و پاها جفت یکدیگر می گردد . در آن روز سوق دادن به سوی پروردگارت خواهد بود.

عده ای از منکرین به سبب جهل خود ، در پی فرار از چنگ حتمی مرگ برآمده اند و با ساختن کاخهای مجلل و محکم و غیر قابل نفوذ و گماشتن نگهبانان زره پوش و محافظان ورزیده و استخدام پزشکان متخصص، خواسته اند از چنگال مرگ بگریزند . قرآن کریم آنها را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

... لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٠﴾

(۱) اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید ، این فرار سودی به حال شما نخواهد داشت.

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ﴿١٢﴾ هر کجا باشید مرگ

شمارا در می یابد ، اگر چه در برجهای محکم و استوار جایگزین باشید ...

... إِنْ الْمَوْتُ الَّذِي تُفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ

وَالشَّهَادَةِ ... ﴿١٣﴾ قطعاً مرگی که از آن میگریزید ، سرانجام با شما رویاروی میگردد و

شما را در می یابد ، بعد از آن به سوی کسی برگردانده می شوید که دانای پنهان و آشکار است ...

سکرات مرگ

صدای چاوشان مردن آید بگوش ناله ی جان کندن آید

رفیقان میروند نوبت به نوبت وای بر آن روز که نوبت بر من آید^(۴)

هر چیزی را عمری است که چون بسر آید باید صحنه را ترک نماید ، آدمی هم ، چون عمرش به پایان رسد ، ناچار باید دار فانی را وداع گوید و به سرای باقی رهسپار شود . اما وداع جسم ، با روح که در تمام عمر در کنار هم بوده اند ، و وداع آنان با وطن و خانه و اهل خانه و دیار، بسی سخت و دردناک است .

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ مَا كُنْتُمْ مِنْهُ تُحِيدُ ﴿١٤﴾ (سکرات مرگ) سرانجام

۱- احزاب/ ۱۶ - ۲- نساء/ ۷۸ - ۳- جمعه / ۸ - ۴- رباعیات باباطاهر عریان - ۵- ق/ ۱۹

فرا می رسد و) واقعیت را به همراه می آورد (و دریچه ی قیامت را به رویتان باز می کند) این همان چیزی است که از آن کناره می گرفتگی و می گریختگی.

از طرف دیگر، علاوه بر درد جانکاه فراق و جدایی ، بیرون کشیدن روح و جان از میان رگها ، عصبها ، عضله ها و استخوانهای بدن با هیچ درد و عذابی قابل مقایسه نیست .

دردی که پیامبر (ص) از آن به خدا پناه برده و می فرماید : « اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَاْخُذُ الرُّوْحَ مِنْ بَيْنِ الْعَصَبِ وَالْعَقَبِ وَالْاَنَامِلِ ، اَللّٰهُمَّ فَاَعِنِيْ عَلَى الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى »^(۱) پروردگارا ! همانا تو روح را از میان عصبها و رباطها و انگشتان بیرون می کشی .

پروردگارا ! مرا بر مرگ یاری کن و آن را بر من آسان و سبک گردان.

پیامبر(ص) در باره مرگ ناگهانی فرمود :

« مَوْتُ الْفَجْأَةِ رَاحَةٌ الْمُؤْمِنِ وَ اَسْفٌ عَلَى الْفَاجِرِ ».^(۲) مرگ ناگهانی برای مؤمن مایه ی آرامش و راحتی است(چون از درد جانکاه سکران راحت می شود) و برای بدکار مایه ی تاسف است (چون فرصت توبه و تدارک توبه را از دست می دهد).

مستحب است اطرافیان بر شخص در حال مرگ ، لا اله الا الله تلقین نمایند .

فرشته ی مرگ

قبض روح از جمله امورات غیبی است که کیفیت آن از محدوده ی علم انسان خارج است و کسی جز پروردگار عالمیان از حقیقت آن آگاه نیست آندم که اجل کسی فرا رسد فرشتگان مرگ بر بالین او حاضر شده ، جان او را می گیرند ... حَتَّىٰ اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُوْنَ»^(۳) و چون مرگ یکی از شما فرا رسد ، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می آیند و) جان او را می گیرند و (آنان در مأموریت خود) کوتاهی نمی کنند.

ملک الموت به عنوان فرمانده ی فرشتگان مرگ ، در رأس آنها قرار دارد. * قُلْ

يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿٥١﴾^(۴) بگو فرشته

۴- سجده ۱۱/

۳- انعام/ ۶۱

۲- رواه احمد ابن ابی الدنيا

مرگ که بر شما گماشته شده است ، به سراغتان می آید ، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید.

ناشطات فرشتگانی هستند که مأمور به گرفتن جان مؤمنان می باشند و معمولاً با سیمایی نورانی و نیکو و خندان بر مؤمن در حال احتضار، ظاهر شده و او را قبض روح می نمایند .

نازعات هم فرشتگانی هستند که مأمور به گرفتن جان کفار ، منافقان ، مشرکان و بدکاران می باشند و با سیمایی ترسناک و خشمگین و عبوس بر شخص در حال احتضار، ظاهر شده و او را در نهایت سختی قبض روح می نمایند ...

احوال آدمیزاد پس از مرگ

مرگ مسیری است خواه به اکراه و اجبار و خواه به رغبت و اختیار باید طی کرد. برای دل‌بستگان به دنیا دردِ فراق و جدایی از همگان، برآنها سخت عذاب دهنده است : جدایی از جسم ، از همسر ، از فرزندان ، از وطن ، از خانه و کاشانه ، از دوستان و اقوام ، از مال و ثروت ، از مقام و منزلت و ... کسی که جز به دنیا شاد نشود ، چون دنیا را از او بستانند و به دیگران بپارند باید چه حالی داشته باشد ! غم و حسرت از دست دادن آن همه بر او سایه می افکند . همگان تنهائیش می گذارند و رهائش می کنند در این میان ، یگانه همراه وفادارش اعمالش است و تا او را به مقصد نهایی نرساند تنهائیش نمی گذارد ...

مؤمن گرچه ممکن است از مرگ اکراه داشته باشد ، اما بعد از گذشت لحظاتی غم و اندوهش زدوده خواهد شد و هرگز تمایلی به بازگشت نخواهد داشت زیرا:

« إِنَّ مَثَلَ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَطْنِهَا بَكَى عَلَى مَخْرَجِهِ حَتَّى إِذَا رَأَى الضُّوْءَ وَ رَضَعَ لَمْ يُحِبْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى مَكَانِهِ وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَجْزَعُ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا أَفْضَى إِلَى رَبِّهِ لَمْ يُحِبْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا كَمَا لَا يُحِبُّ الْجَنِينُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى بَطْنِ أُمِّهِ » ^(۱) مثل مؤمن در دنیا همچون جنین است

^۱ -- ابن ابی الدنيا

در رحم مادرش . که چون از رحم خارج شود ، بر بیرون آمدن خود گریه می کند ، چون روشنایی ببیند و شیر بخورد دیگر دوست ندارد به جای اوّل خود برگردد . مؤمن هم از مرگ خود ناراحت و غمگین می شود ، امّا چون به لقای پروردگار رسد دوست ندارد که به دنیا برگردد، همچنانکه نوزاد دوست ندارد به رحم مادر برگردد...

جنین در سرزمین رحم از همه چیز و همه کس بی خبر است ولیکن با قدم نهادن به جهان ، از اشیاء و اشخاص و سایر امور آگاه می شود ، روح هم چنان حالتی دارد . پیامبر(ص) دربارهٔ مرگ می فرماید : «الْأَنَسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا إِنْتَبَهُوا»^(۱) . مردمان در خوابند ، چون بمیرند بیدار و آگاه می شوند ... با مرگ ، نیروهای سمع و بصر که به کمک آنها در خواب می بینیم و می شنویم ، از زندان قالب جسمانی آزاد شده و نسبت به نادیدنی و ناشنیدنیها ، بیناتر و شنواتر می شوند ...

«إِنَّ الْمَيِّتَ يَعْرِفُ مَنْ يَغْسِلُهُ وَ مَنْ يَحْمِلُهُ وَ يَدْفِنُهُ إِلَى قَبْرِهِ»^(۲) همانا مرده کسانی که او را غسل می دهند و به گورستان حمل میکنند و در قبر می نهند ، بخوبی می شناسد ...

«اذا وضعت الجنازه فاحتملها الرجال علی اعناقهم فان كانت صالحه قالت قدمونی قدمونی ... و ان كانت غیر صالحه ، قالت : یا ویلها این یدهبون بها ؟ یسمع صوتها کل شیء الا الانسان و لو سمعها الانسان لصعق»^(۳) . چون کسی بمیرد و مردان جنازه اش را بر دوشها (بسوی گورستان) حمل کنند، اگر فرد صالحی باشد گوید : مرا زودتر ببرید ، سریعتر ببرید ... و اگر ناصالح باشد گوید : ای وای کجا می برید ؟ همگان جز انسان صدایش را می شنوند و اگر انسان صدایش را بشنود ، خواهد مرد .

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَضَعَ فِي قَبْرِهِ وَ تَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ وَ أَنَّهُ لِيَسْمَعَ قَرْعَ نَعَالِهِمْ ، أَنَا هَـ مُلْكَانٌ فَيَقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ : مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ ؟ - المَحمَد(صلى الله عليه وسلم) - فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ : أَشْهَدُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ ، فَيَقَالُ لَهُ أَنْظِرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا . وَ أَمَّا

١ - - احیاء علوم الدین ٢ - رواه احمد ٣ - رواه بخاری ٤ - رواه بخاری و نسائی و احمد

الكافر أو المنافق فيقال له ما كنت تقول في هذا الرجل ؟ فيقول : لا أدري كنت أقول ما يقول الناس . فيقال : لا دريت و لا تليت و يضرب بمطارق من حديد ضربه فيصبح صيحة يسمعه من يليه غير الثقلين»^(۴) به تاکید هنگامی که شخص در قبرش قرار می گیرد و همراهانش بسوی خانه بر می گردند ، و او در آن حال صدای کفشهایشان را می شنود . دو فرشته به نزدش می آیند و او را می نشانند و به او می گویند : در باره این مرد - محمد(ص) - چه دیدگاه و تصویری داشته ای؟ پس اگر مؤمن باشد می گوید: شهادت می دهم که او بنده و فرستاده ی خدا است ، سپس به او گفته می شود بنگر به جایگاهت در آتش که خداوند آن را به آن جایگاه در بهشت تبدیل نمود ، پس او هر دو نشیمنگاه خود را (دردوزخ و بهشت) می بیند . و اما اگر فرد ، کافر یا منافق باشد به او می گویند : در باره این مرد- محمد(ص)- چه موضعی داشته ای ؟ او هم گوید: نمی دانم آنچه که مردمان می گفتند من هم همان چیزها را می گفتم . به او گفته می شود : حقیقت را درک نکرده ای و وظیفه ات را ادا ننموده ای و با گرز آهنین ضربه ی محکمی بر فرق او فرود می آورند ، و او چنان فریادی می زند که همگان جز جن و انسان می شنوند.

عذاب قبر

انس (رضی الله عنه) گوید: در خدمت پیامبر(ص) از کنار قبرستانی عبور کردیم ، آن حضرت صدایی از قبری شنید و پرسید: « متی مات هذا ؟ » این شخص کی مرده است؟

« فقالوا : مات فی الجاهلیه ». گفتند : در جاهلیت (قبل از بعثت) مرده است . « فسرّ بذلك و قال: لولا ألا تدافنوا لدعوت الله أن يسمعكم عذاب القبر»^(۱) پیامبر(ص) خوشحال شد (چون دانست قبل از بعثت مسئولیتی متوجه وی نیست) و فرمود: اگر بیم آن نداشتیم که اموات خود را دفن نکنید از خداوند طلب می نمودم که عذاب قبر را به شما بشنواند .

« إن الموتى ليعذبون فی قبورهم حتی ان البهائم لتسمع اصواتهم »^(۲).

^۱ - مسلم و نسایی ^۲ - رواه طبرانی

بی شک مردگان در قبرهایشان شکنجه می شوند و حیوانات صدای آه و ناله ی آنان را می شنوند .

همچنانکه خفته در خواب می بیند و می شنود و لذت می برد و عذاب می بیند ولیکن ما که از نزدیکترین کسان به او هستیم از وضع و حال او خبر نداریم و این عدم احساس ما نسبت به خوابهای شیرین یا پریشان خفته دلیل بر عدم صحت آنها نیست . در خواب مشکلی متوجه جسم انسان نیست ، اما عذاب جسم احساس می شود . و نمی دانیم دلیل آن چیست . پس نباید انتظار داشته باشیم که کیفیت عذاب قبر را احساس نماییم. عذاب قبر به روح انسان مربوط می شود و روح هم جزء اسرار است.

عالم برزخ

برزخ از نظر لغوی به معنی پرده و حایل می باشد، و در اصطلاح عالمی را گویند که میان دنیا و آخرت قرار دارد، و روح بعد از جدایی از جسم بدان عالم برده می شود، و تا قیام قیامت در همانجا باقی می ماند .

... وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۱﴾ و در پیش روی ایشان جهان برزخ است، تا روزی که برانگیخته می شوند.

روح مؤمنین در عالم برزخ دارای حیات ، درک ، شعور و معرفت است : وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۰۲﴾ . و کسانی که در راه خدا کشته میشوند ، مرده مشمار ، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می شود.

هنگامی که کسی می میرد و جنازه اش بسوی گورستان حمل می شود ، اگر نیکوکار باشد گوید: مرا زود ببرید . و اگر بدکار باشد ، هنگامی که او را از خانه بیرون می برند گوید: واحسرتا ! مرا کجا می برید ؟ غم و اندوه و حسرت و ندامت او را فرا می گیرد و از انس با عالم طیبه عاجز و ناتوان است .

^۱ - مؤمنون/ ۱۰۰ ۲ - آل عمران/ ۱۶۹

ارواح مؤمنین و غیر مؤمنین پس از سؤال وجواب قبر، هریک به مکان مخصوص خود در عالم برزخ برده می شوند . پیامبر (صلی الله علیه وسلم) عروج روح مؤمن را چنین تصویر می کنند :

« إِنَّ النَّفْسَ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَبِضَتْ تَلْقَاهَا أَهْلُ الرَّحْمَةِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ كَمَا يَتَلَقَّى الْبَشِيرَ فِي الدُّنْيَا ، يَقُولُونَ : أَنْظِرُوا أَخَاكُمْ حَتَّى يَسْتَرِيحَ فَإِنَّهُ كَانَ فِي كَرْبٍ شَدِيدٍ . فَيَسْأَلُونَهُ مَاذَا فَعَلَ فَلَانٌ ؟ وَ مَاذَا فَعَلْتَ فَلَانَةٌ ؟ وَ هَلْ تَزَوَّجْتَ فَلَانَهُ ؟ فَإِذَا سَأَلُوهُ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ قَبْلَهُ وَ قَالَ مَاتَ قَبْلِي . قَالُوا : «إِنَّا لِلَّهِ» ذَهَبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ الْهَآوِيَةِ ».^(۱) روح مؤمن چون قبض روح شود ، اهل رحمت از سوی پروردگار به استقبالش می آیند ، آنچنانکه برای مژده و بشارت در دنیا به استقبال کسی می رفتند . می گویند : به برادر خود لحظه ای فرصت دهید تا بیاساید ، او مرحله ی سختی را پشت سر نهاده است. پس از اومی پرسند : فلان مرد چه کرد ؟ و فلان زن چه کرد؟ آیا فلانی ازدواج کرد ؟ و چون از کسی پرسند که پیش از او مرده باشد و گوید ، قبل از من مرده است . گویند : « انا لله » او را به محل عذاب سخت برده اند ...

« الدُّنْيَا سَجَنُ الْمُؤْمِنِ ... ».^(۲) دنیا زندان مؤمن است .

مؤمن در سرزمین پاکان احساس غربت نمی کند ... و در میان پاکان احساس غم و اندوه نمی نماید ... آیا برای او مجلس بهتری از مجلس پیامبر(ص) ، اصحاب ، شهداء ، بزرگان و اولیاء الله وجود دارد؟

فضیلت یاد مرگ

« كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا ».^(۳) برای انسان موعظه کننده ای چون مرگ کافی است. پیامبر (ص) همیشه به یارانش سفارش می کرد و می فرمود : « اكثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ ».^(۴) نابود کننده لذتها (مرگ) را بسیار یاد کنید. همچنین می فرمود : « لَوْ أَنَّ الْبَهَائِمَ تَعْلَمُ مِنَ الْمَوْتِ مَا تَعْلَمُونَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْهَا سَمِينًا ».^(۵) اگر آنچه شما از مرگ می دانید چهارپایان می دانستند ، هرگز حیوان

^۱ - مسلم و نسایی ۲-رواه مسلم ، حاکم و ترمذی ۳- شعب الایمان ۴- رواه ترمذی ۵- بیهقی

فربه ای نمی یافتید که بخورید.

حضرت عایشه (رضی الله عنها) گوید: از پیامبر (ص) پرسیدم: چه کسی با شهدا محشور می شود؟ فرمود: « **من يذكر الموت في اليوم والليله عشرين مره** ». ^(۱)
هر کس در شبانه روز مرگ را بیست بار یاد کند.

« **أكثرُوا ذكر الموت فإنه يمحص الذنوب و يزهد في الدنيا** ». ^(۲) مرگ را زیاد یاد کنید مسلماً یاد مرگ سبب پاک شدن گناهان و زهد و پرهیزکاری در دنیا است .
امام محمد غزالی گوید: « مردمان بر اساس خوی و کردار خود از ذکر مرگ متاثر می شوند ، و در این راستا مردمان سه قسم اند : حریص ، تائب و عارف . حریص ، کسی است که بر دنیا حریص ، و در لذات و شهوات دنیوی غرق است و از ذکر مرگ اکراه دارد . و هرگز مرگ را یاد نکند و اگر کند برای آن باشد که بر دنیای خود تأسف خورد ، و به نکوهش مرگ مشغول گردد و سعی بر آن دارد که از آن بگریزد . خداوند متعال در حق آنان گفته است :

قُلْ إِنَّ أَلَمَوتَ الَّذِي تَفْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣﴾ ^(۳) بگو قطعاً مرگی که از آن می گریزید ، سرانجام با شما رویاروی می گردد و شما را در می یابد ، بعد از آن به سوی کسی برگردانده می شوید که دانای پنهان و آشکار است ...

و اما تائب: کسی است که مرگ را فراوان یاد کند تا دلش از خوف و خشوع لبریز گردد و به توبه ی خود وفا نماید ، این چنین شخصی از بیم کمی توشه و عمل مناسب ، از مرگ کراهیت دارد ، چون خود را شایسته دیدار معشوق نمی داند و همیشه مشغول آماده کردن خود برای سفر، به نحو احسن و شایسته است.

و اما عارف : کسی است که به مرحله شناخت حقیقی رسیده و همیشه و در همه حال مرگ را یاد کند ، و مشتاق دیدار دوست است و به شدت به لقای معشوق دلبسته ، و

۱- احیاء علوم الدین ۲- ابن ابی الدنیا ۳- جمعه/۸

به مقام تسلیم و رضا رسیده است و هر آنچه از سوی دوست (خدا) آید بدان راضی و خشنود است.»

یاد مرگ سبب تهذیب نفس، دل کندن از لذایذ زودگذر دنیوی، نرم شدن قلب، از بین رفتن قساوت آن، پاک شدن گناهان و دوری از گناه می شود...

روش یاد مرگ

گرگ اجل زین گله یکایک می برد وین گله را ببین چه آسوده می چرد
مرگ مسیری پرخطر، و سفری بدون بازگشت است و غفلت از آن جبران ناپذیر، لحظات عمر سرمایه، ایمان و عمل صالح توشه و کلید رستگاریند. پس بکوشیم و از طریق یاد مرگ عزم بر اندوختن توشه برای سفر پر خطر جزم نماییم، و از تاراج سرمایه جلوگیری کنیم.

۱- یکی از روشهای ذکر مرگ آن است که در گوشه خلوتی دل خود را از همه چیز فارغ گردانی و کلیه ی افکار و خیالات و شهوات را از دل خود بیرون کرده وبا تمام وجود متوجه یاد مرگ شوی، همچون مسافری که در بیابان پر خطری سفر می کند یا کسی که گرفتار امواج سهمگین دریای متلاطم است، که به چیزی جز آن خطر نیندیشد...

مرگ دوستان، یاران و احوال ایشان را بیاد آور، و بیندیش که چگونه صورت سرخ و زیبای آنها به زردی گرایید و چشمان شفافشان طعمه مارها و گوشه‌هایشان لانه عقربها و دیگر اعضا و جوارحشان جولانگاه حشرات و کرمها گردید، و جسم تنومندشان در گورها به اجزاء متفرق و پراکنده مبدل گشت و چگونه زنان را بیوه و فرزندان را یتیم و مالها را ضایع گذاشتند و برای همیشه مجالس و مساجد و منازل از ایشان خالی شد و آرزوهایشان ناکام و آثارشان منقطع گشت... پس خویشتن را در بستر، و ملک الموت را در مقابل خود تصور کن که آمده است تا جانت را بستاند و نه از تو و نه از کس دیگری کاری ساخته نیست، پس بدون کمترین مقاومتی جانت را تسلیم می کنی... پس جنازه ی خویشتن را بنگر که از خانه و کاشانه ای که سالهای سال برای بدست آوردنش زحمت کشیده ای بیرون می برند، و همه چیز را

برای دیگران بجا می گذاری و تنها چند متر پارچه ی سفید برتنت کرده و به تنهایی روانه ی گورت می نمایند... همگان بر می گردند و تو را بجا می گذارند ... بی کس و غریب و تنهایی گور ...

وای آن روزی که در گورم نهند تنگ به بالینم نهند خشت و گل و سنگ نه پای آنکه ازماران گریزم نه دست آنکه با موران کنم جنگ^۱ جسم نیرو و توانی ندارد و در تاریکترین و تنگ ترین و ترسناکترین زندان که امید هیچگونه رهایی از آن نیست ، گرفتار ، و روح هم در فراق جسم و جهان در اندوه و حسرت است ... دو مأمور می آیند ، از معبود و الگو و امام و قبله ات می پرسند؟ یکی از عرفا گوید: “ مقصود هر کس معبود اوست”. راستی مقصود و هدف من در دنیا ، که برای بدست آوردن آن ، و کسب رضایت خاطرش تلاش بسیار نموده ام چه چیزی بوده است ؟ پول! مقام! منزلت اجتماعی! شهوت ! یا چه کسی بوده است؟ زن! فرزند! دوست! حزب! قوم و عشیره ! ... اگر آنها مقصود و هدف من بوده اند پس معبودم هم همانها هستند . اگر در جواب ، یکی از اینها را بر زبان آورم ، چه خواهد شد ؟

راستی در زندگی دنیوی چه کسی اسوه والگوی من بوده است؟ و از چه کسی تقلید کرده ام ؟ از سیاستمدار مردم فریب! از آداب شرق و غرب ملحد! از آداب و رسوم موروثی ! از هنر پیشه ی سینما ! از خواننده ی بی حیا! از بازیکن فوتبال ! ... یا از پیامبر و مؤمنین الگو گرفته ام ، و آداب اسلامی را بر همه چیز ترجیح داده ام؟ قبله ام کجا بوده است؟ اگر روی ظاهر به خانه خدا (کعبه) و روی باطن (دل) به خدا کرده ام ، پس باکی نیست و لیکن اگر قبله ی ظاهر شرق و غرب و قبله ی باطنم شهوت و آرزوها بوده باشند ، پس وای به حال من!!!

۲- روش دیگر یاد مرگ ، روش پیامبران، عارفان و سلف صالح است. که به منظور تذکر و یاد مرگ و تهذیب و تأدیب نفس و دل کندن از لذایذ زود گذر دنیوی و دوری از گناه و تقویت ایمان، همیشه نزد اهل قبور رفته و دمی چند نزد آنان نشسته و به آینده ی خود اندیشیده اند، و از اعمال ناروای خود پشیمان گشته و توبه نموده ، و با

^۱ - رباعیات بابا طاهر عریان

خدای خود عهد و پیمان تازه کرده اند . به راستی در پیروی از روش انبیا و عرفا حکمت‌های فراوانی نهفته است . باباطاهر عریان در همین راستا و به منظور تشویق ما به یاد کردن مرگ گوید:

به دنیا دل نبنده هر که مرده که دنیا سر به سر اندوه و درده
به قبرستان گذر کن تا ببینی که دنیا با رفیقانت چه کرده

گذر کردم به قبرستان کم و بیش بدیدم حال دولتمند و درویش
نه درویشی به خاک بی کفن ماند نه دولتمند برد از یک کفن بیش

به گورستان گذر کردم صبحی شنیدم ناله و افغان و آهی
شنیدم کله ای با خاک می گفت که این دنیا نمی آرزد به کاهی.^(۱)

حضرت عمر (رض) باری به منظور یاد مرگ به نزد اهل بقیع رفت و خطاب به آنها گفت: ای اهل بقیع ، شما را خبر دهم که بعد از شما چه شد؟ زنانان به خانه شوی رفتند و نزدیکان مالتان را به یغما بردند و اثری از شما برجای نمانده است... قطعاً اگر شما هم می توانستید با من سخن بگوئید می گفتید ، ما هم خبر دهیم شما را از آنچه که بر سرتو خواهد آمد؟ همه ی تلاش و زحمت های دنیوی تو بر باد است و باطل ، و هیچیک به فریاد تو نمی رسند جز آنچه که بخاطر رضای خدا انجام داده باشی !؟

چیزی که در یاد مرگ تاثیر فراوان دارد ، کاستن از میزان آرزوهای دور و دراز دنیوی و نفسانی است ، چون آرزوهای دور و دراز، سبب مشغولیت ذهن و قساوت قلب و حب دنیا و فراموشی مرگ و آخرت شده ، از لطافت و نازکی قلب می کاهد. پیامبر (ص) در همین راستا به یارانش فرمود :

آیا کسی از شما دوست دارد وارد بهشت شود؟ یاران گفتند : آری ای پیامبر (ص) خدا. فرمود: از میزان آرزوهایتان بکاهید و اجل و مرگ خود را در مقابل دیدگان خود

^۱ - رباعیات باباطاهر عریان ۲- ابن ابی الدنيا

قرار دهید و از خداوند، آنچنانکه شایسته است شرم و حیا کنید... و دعا کرد و فرمود: «**اللهم اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ دُنْیَا تَمْنَعُ الْاٰخِرَةَ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ حَیَاةٍ تَمْنَعُ خَیْرَ الْمَمَاتِ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَمَلٍ یَمْنَعُ خَیْرَ الْعَمَلِ**»^(۲) بار الها! به تو پناه می برم از دنیایی که مرا از آخرت باز دارد، و به تو پناه می برم از حیاتی که مرا از بهترین مرگ باز دارد، و پناه می برم به تو از آرزویی که مرا از اعمال نیکو باز دارد.

پیامبر (ص) به یکایک امت توصیه فرمود: «**اِغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَ فَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَ حَیَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ**».^(۱) پنج چیز را قبل از (آمدن پنج چیز دیگر) غنیمت بدان: جوانی را پیش از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، توانگری را قبل از درویشی، فراغت را قبل از اشتغال و سرگرمی، و زندگی را قبل از مردن... می دانی بزرگترین آرزوی اهل قبور که فردا هم آرزوی من و تو خواهد بود، چیست؟ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۱۹﴾ لَعَلِّيْ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ۖ وَمِنْ وَرَآئِهِمْ بَرَزَخُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿۲۰﴾^(۳) زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد: گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) بازگردان، تا اینکه کار شایسته ای بکنم و فرصتی را که ازدست داده ام جبران نمایم، نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد) این سخنی است که او بر زبان می راند. در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می شوند...

زیارت قبور

از جمله آداب مستحب اسلامی، زیارت قبور و مخصوصاً زیارت قبور صالحان، عالمان، والدین، برادران، خواهران و دوستان است، زیرا زیارت قبور آنها سبب پند و عبرت و بیداری قلب و زدودن غفلت از دل است. پیامبر اسلام (ص) در این باره می فرماید: «**كُنْتَ قَدْ نَهَيْتَكُم عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فُزُورَهَا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِهَا تَذَكُّرَهُ لِلْآخِرَةِ غَيْرَ أَنْ لَا تَقُولَ هَجْرًا**»^(۳). قبلاً شمارا (بخاطر اعمال خلاف شرع) از

^۳-رواه ترمذی، نسایی، ابن ماجه و احمد

۲-مؤمنون/۱۰۰-۹۹

^۱-رواه حاکم

زیارت قبور نهی می کردم ، حال قبور را زیارت کنید که براستی در آن پند و اندرز و یادآوری آخرت است ، بشرطی که حرفهای ناروا ننیزید .

« **زوروا موتاکم فسلموا علیهم و صلوا علیهم فإنّ لکم فیهم عبره** ».^(۱) مردگان خود را زیارت کنید و آنان را سلام گوئید و برای آنان دعا و طلب مغفرت بنمایید ، مسلماً در این اعمال برای شما پند و اندرز نهفته است .

بر زائر قبور و رهگذرانی که از کنار قبور عبور می کنند ، لازم است ، بر اهل قبور سلام کرده و برای آنها آمرزش بخواهند و بگویند :

« **السلام علیکم یا دار قوم المؤمنین انشاء الله بکم لاحقون** ».^(۲)

درود و سلام خداوند بر شما باد ای سرای مؤمنین ، امید است خداوند متعال مارا به شما ملحق گرداند....

از پیامبر (ص) سؤال شد : داناترین و گرامی ترین مردمان کیست ؟ فرمود :
« **اکثرهم ذکراً للموت و اشدّهم استعداداً له** ... ».^(۳) آنکه مرگ را بسیار یاد کند و بیش از دیگران خود را برای مرگ آماده می نماید ...

^۱ - ابن ابی الدنیا ۲ - رواه مسلم ، ابی داود ، بیهقی و احمد ۳ - رواه ابن ماجه و ابن ابی الدنیا

فصل سوّم :

پایان عالم هستی

علائم نزدیک بودن ساعت موعود

فضل عبادت در آخر زمان

علائم ساعت موعود

وقوع ساعت موعود

دمیدن در صور

کلام خداوند متعال در آن روز

پایان عالم هستی

همچنانکه هر مخلوق و موجود زنده ای اجل و پایانی دارد ، روزی هم فرا خواهد رسید که تمام انرژیهای موجود ، مصرف شده و تمام قوانین و سنن موجود و حاکم بر جهان متزلزل خواهد شد ، و زنگ به آخر رسیدن عمر زمین به صدا در خواهد آمد . در قرآن از آن لحظه به عنوان ساعت موعود یاد شده است و زمان فرا رسیدن آن را کسی جز پروردگار عالمیان نمی داند . **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عَلَيْهَا عِنْدَ رَبِّي لَا تُحِيطُ بِلَوْقَتِهَا ...** ^(۱) راجع به قیامت از تو سؤال می پرسند و می گویند: در چه زمانی قیامت رخ می دهد؟ بگو تنها پروردگارم از آن آگاه است و کسی جز او نمی تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد .

علائم نزدیک بودن ساعت موعود

کسی جز الله از زمان فرارسیدن ساعت موعود آگاهی ندارد ، اما پیامبر (ص) از حوادث و اتفاقاتی یاد کرده است که قبل از وقوع ساعت موعود روی می دهد ، که بر نزدیک بودن زمان موعود اشاره دارند . از جمله ی آن علائم :

^۱-اعراف/۱۸۷

۱- قرار گرفتن افراد شرور بر مسند قدرت : « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَقْتُلُوا إِمَامَكُمْ بِأَسْيَافِكُمْ وَ يَرِثَ دُنْيَاكُمْ شَرَارِكُمْ ».^(۱) سوگند به کسی که جانم در قبضه ی قدرت او است ساعت موعود فرا نمی رسد تا شما رهبران دادگر خود را بکشید و شرورترین شما ، فرمانروا شوند ...

۲- فراوانی تعداد زنان و شیوع بی بند و باری : « إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَرْفَعَ الْعِلْمُ وَيُظْهَرَ الْجَهْلُ وَيَشْفُوا الزَّانَا وَ تَشْرَبَ الْخُمْرُ وَ يَكْثُرَ النِّسَاءُ وَ يَقْلُ الرِّجَالُ حَتَّى يَكُونَ لْخَمْسِينَ إِمْرَأَةً رَجُلٌ وَاحِدٌ ».^(۲) همانا از شروط وقوع ساعت موعود آن است که علم واقعی کنار نهاده می شود و مورد توجه و اهمیت قرار نمی گیرد و جهل و نادانی آشکار می شود و زنا و شرابخواری شایع می گردد و تعداد زنان افزایش و تعداد مردان کاهش می یابد بطوری که برای هر پنجاه زن یک سرپرست مرد وجود دارد ...

۳- فراوانی ثروت : « يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَمْشِي الرَّجُلُ بِصَدَقَةٍ فَلَا يَجِدُ مَنْ يَقْبَلُهَا... ».^(۳) زمانی فرا خواهد رسید که مردی با صدقه و زکات بیرون می رود اما کسی را نمی یابد که زکاتش را بپذیرد .

۴- کشف معادن بسیار : « قِيَامَتُ بَرِّ پَا نَمِي شُود تَا اَيْنَكِه مَعْدِنَهَاي زِير زَمِينِي زِيَادِي اسْتِخْرَاج شُود وَ بَر اَن جَز پَسْت تَرِين مَرْدَمَان سَكْنِي نَمِي گَزِينَد ».^(۴)

۵- توسعه علم و تکنولوژی : « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكَلَّمَ سَبَاعُ الْإِنْسِ وَ حَتَّى تَكَلَّمَ الرَّجُلُ عَذْبَهُ سَوْطَهُ وَ شَرَكَ نَعْلَهُ وَ تَخْبِرَهُ فَخْذَهُ بِمَا أَحْدَثَ أَهْلُهُ مِنْ بَعْدِهِ ».^(۵) سوگند به کسی که جانم در دست او است ساعت موعود فرا نمی رسد تا حیوان درنده با انسان سخن گوید ، و کمر بند و کفش و ران پای آدمی با او سخن گویند ، و به او خبر دهند که بعد از خروج او از خانه ، بر اهل خانه چه گذشته است ...

۶- جنگ سخت مسلمانان با یهود : از جمله حوادث مهم دیگری که در زمانهای نزدیک به ساعت موعود روی خواهد داد ، جنگ سختی است که بر اثر ظلم و خیانت

۱- ۲-رواه بخاري ، مسلم و ترمذي ۳- رواه بخاري ۴- رواه طبراني ۵- ترمذي

بیش از حد یهود نسبت به مسلمانان واقع می شود ، بطوری که جمادات هم نسبت به آن همه ظلم یهود ساکت ننشسته و زبان می گشایند:

« لا تقوم الساعة حتى يقاتل المسلمون اليهود فيقتلهم المسلمون حتى يختبئ اليهودي من وراء الحجر والشجر فيقول الحجر والشجر يا مسلم يا عبدالله هذا يهودي خلفي فتعال فقتله »^(۱) . ساعت موعود واقع نمی شود تا اینکه مسلمانان با یهود جنگ و مقاتله نمایند پس مسلمانان، یهودیان را بکشند و یهودی (از ترس جان) در پشت سنگ و درخت خویشتن را پنهان کند ، و سنگ و درخت به سخن آمده و گویند: ای مسلمان ! ای بنده ی خدا! این یهودی است خود را اینجا پنهان کرده است ، بیا و او را بکش.

۷- فراوانی فتنه ها و هرج و مرج :

از جمله ی حوادث و اتفاقات ، جنگهای سختی است که در میان انسانها روی می دهد بطوری که نسل آنها را تهدید به نابودی می نماید ، و کل جوامع بشری را در بر گرفته و متحمل زیان و ضرر می نماید .

« والَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ يَوْمٌ لَا يُدْرِي الْقَاتِلُ فِيمَ قَتَلَ وَالْمَقْتُولُ فِيمَ قُتِلَ . فَقِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: الْهَرَجُ، الْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ »^(۲) . سوگند به کسی که جانم در دست اوست ، دنیا پایان نمی یابد تا اینکه زمانی فرا رسد که قاتل نداند چرا دیگری را کشته و مقتول نداند چرا کشته شده است . یکی از یاران پرسید ؟ یا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) چرا چنین می شود ؟ فرمود: به سبب بروز فتنه ها ، قاتل و مقتول هر دو در آتش خواهند بود .

در آن ایام زندگی بر مردم چنان سخت می شود که زنده ها بحال مرده ها که در زمان بدون فتنه، زندگی کرده اند غبطه می خورند . « لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر رجل فيقول ياليتني مكانه »^(۳) . ساعت موعود فرا نمی رسد ، تا اینکه شخصی از کنار قبر کسی عبور کند و گوید: ای کاش من بجای او می بودم...

^۱ - رواه مسلم و ترمذي ^۲ - رواه مسلم ^۳ - رواه الشيخان

۸- نزدیک شدن فاصله ها و کم شدن کار و فعالیت و فراوانی فتنه ها:
**« لا تقوم الساعة ... حتى يتقارب الزمان و ينقص العمل و يلقى الشحّ و تظهر
 الفتن و يكثر الهرج »**^(۱) قیامت بر پا نمی شود تا زمان زود سپری شود ، و کار و
 فعالیت کم شود ، و بخل تبلیغ شود ، و فتنه ها و قتل و کشتار و بی نظمی بسیار
 شود .

فضل عبادت در آخر زمان

در سالهای نزدیک به وقوع ساعت موعود(آخرزمان) بتدریج شرم و حیا و عفت و
 پاکی ، از منزلت و ارزش و اعتبارش کاسته می شود ، و مردمان فحشاء و منکرات و
 بی حیایی را مایه ی مباهات خود می دانند ، و تقلید از گمراهان و فاسدان را افتخار
 می پندارند . به هر سو که می نگری گناه و گناهکار است که با تملق و چاپلوسی و
 چرب زبانی و آراستگی ، تو را بسوی خود می خواند ، و دوری از گناه و عبودیت
 پروردگار بر مؤمنین بسیار سخت و طاقت فرسا می شود ... پیامبر (ص) در این باره
 می فرماید: **« يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانُ الصَّابِرِ فِيهِمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى
 الْجَمْرِ »**^(۲) بر مردمان روزگاری خواهد آمد که دینداری و پای بندی بدان ، همچون
 ایستادن بر روی آتش (و یا در دست گرفتن پاره ای آتش) خواهد بود .
« العبادة في الهرج و المرج كهجرة إلى »^(۳) عبادت در زمان وقوع فتنه و
 نابسامانی همچون هجرت بسوی من است .

علائم ساعت موعود

حذیفه ی غفاری (رض) گوید : با عده ای از اصحاب سرگرم بحث و گفتگو بودیم
 که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر مجلس ما وارد شد و فرمودند : در چه موردی
 گفتگو می کنید ؟ گفتند : در مورد ساعت موعود پیامبر (ص) فرمود :
**« إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرَوْا قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ فَذَكَرَ الدَّخَانُ وَ الدَّجَالُ وَ الدَّابَّةُ وَ
 طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نَزُولُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ وَ ثَلَاثَةٌ**

^۱ - رواه الشيخان ^۲ - رواه ترمذي ^۳ - رواه ترمذي

خسوف ، خسف بالشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و آخر ذلک نار تخرج من الیمن تطرد الناس الى محشرهم»^(۱). ساعت موعود فرا نمی رسد تا قبل از آن ده آیه ببینید . پس آن نشانه ها را نام برد و فرمود: دود ، آمدن دجال، خروج عیسی ابن مریم ، آمدن یاجوج و ماجوج ، و سه بار فرو رفتن زمین ، فرو رفتگی در شرق و یکی در غرب و دیگری در سرزمین حجاز ، و آخرین نشانه ، پدیدار شدن آتشی است از یمن که مردمان را بسوی محشرشان جمع می نماید ...

۱- دخان :

در آیه دوازدهم سوره دخان می فرماید : فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾^(۲) منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری را پدیدار می کند. دودی که تمام مردم را فرا می گیرد ... این همان عذاب دردناک عظیم است . (مردم رو به درگاه خدا می کنند و می گویند : پروردگارا ! عذاب را از ما برطرف گردان ، ما ایمان آورده ایم) و به اشتباه خود پی برده ایم .

۲- خروج دجال :

دجال لقب شخصی است یهودی ، که ادعای الوهیت می نماید و پیروان زیادی دارد و اکثر پیروانش یهودی می باشند ، در احادیث پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در باره ی او آمده است : « إِنَّ الْمَسِيحَ رَجُلٌ قَصِيرٌ افحج جعد أعور مطموس العين ليس بناتئته ولا جحراء »^(۳). دجال مردی است کوتاه قد که لنگان لنگان راه می رود و موهایش جعد و پیچیده و چشم چپش علاوه بر کوری صاف است و زبری و گودی در آن (قسمت چشم چپ) موجود نیست.

« إِنَّ الدَّجَالَ يَخْرُجُ وَ إِنَّ مَعَهُ مَاءٌ وَ نَاراً فَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ مَاءً فَنَارٌ تَحْرِقُ وَ أَمَّا النَّاسُ يَرَاهُ نَاراً فَمَاءٌ بَارِدٌ عَذْبٌ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فليقع في الَّذِي يَرَاهُ نَاراً فَإِنَّهُ مَاءٌ عَذْبٌ طيبٌ »^(۴). دجال ظهور می کند و آب و آتشی به همراه دارد ،

۴- رواه الثلاثة

۳- رواه ابو داود

۲- دخان / ۱۲-۱۰

۱- رواه الشيخان

پس آنچه را که مردمان آب می پندارند آتش سوزان است ، و آنچه را که مردمان آتش می پندارند آب گوارا است ، پس هر کس از شما ظهور دجال را دید ، پس خویشتن را در آنچه که آتش می پندارد بیندازد ، همانا آن آبی پاک و گوارا است ...
« إِنَّ الدَّجَالَ يَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنِهِ كَافِرٌ يَقْرَأُ مِنْ كَرِهِ عَمَلُهُ »^(۱) درپیشانی دجال کلمه ی کافر نوشته شده است و هرکس مخالف اعمال و رفتار وی باشد آن کلمه را می خواند.

عبدالله ابن عمر(رض) از قول پیامبر (ص) بیان می دارد که آن حضرت فرمود :
« دجال در زمانی ظهور می کند که فتنه ها و جنگ های بسیاری واقع می شود ، همچون فتنه احلاس (جنگ و غارت و فرار) ، و فتنه ی سراء (ظهور پیشوای دروغگو و کذاب از اهل بیت پیامبر - ص) و شدت بی اعتمادی مردم در این زمان بطوری که با کسی بیعت می کنند اما بر بیعت خود پایدار نمی مانند ، و سپس فتنه دهیماء را نام برد که زمان زیادی طول می کشد و همگان را متحمل زیان و ضرر می نماید و مردمان در چنان وضع و حالی قرار می گیرند که فرد در حال ایمان صبح می نماید اما در غروب همانروز کافر می شود ... این وضع و حال ادامه می یابد تا اینکه مردم به دو گروه ایمان و نفاق کاملاً جدا از یکدیگر ، تبدیل می شوند . در این هنگام دجال ظهور می کند.»^(۲)

پیامبر (ص) در باره مکان ظهور دجال فرمود: **« إِنَّ الدَّجَالَ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا خَرَّاسَانٌ يَتَّبِعُهُ أَقْوَامٌ كَانُوا جَوْهَرَهُمُ الْمَجَانُ الْمَطْرَقَةُ »**^(۳). دجال از مکانی در قسمت مشرق بنام خراسان ظهور می کند و سیما و قیافه ی پیروانش همچون مروارید درخشان است .

« يَتَّبِعُ الدَّجَالَ مِنْ يَهُودٍ أَصْبَهَانَ سَبْعُونَ أَلْفًا عَلَيْهِمُ الطَّيَالِسَةُ »^(۴)
 هفتاد هزار نفر از یهودیان اصفهان که همگی عمامه برسر دارند، پیرو دجال می شوند.
« لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطُوهُ الدَّجَالُ إِلَّا مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ وَ لَيْسَ نَقَبٌ مِنْ أَنْقَابِهَا إِلَّا عَلَيْهِ الْمَلَأُكَةُ صَاقِينَ تَحْرُسُهَا فَيَنْزِلُ بِالسَّبْخَةِ فَتَرْجِفُ الْمَدِينَةُ ثَلَاثَ رَجَفَاتٍ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنْهَا كُلُّ كَافِرٍ وَ مُنَافِقٍ »^(۵) هیچ شهر و دیاری نیست مگر اینکه

^۱ - رواه مسلم و ترمذی ۲- رواه ابو داود و حاکم ۳- رواه ترمذی ۴- رواه مسلم ۵- رواه الشیخان

دجال به آن وارد می شود ، جز مکه و مدینه ، در تمام مسیرها فرشتگان به صف ایستاده و مانع ورود دجال می شوند ، پس دجال در مکانی سنگلاخی در نزدیک مدینه فرود می آید و در این حال شهر مدینه ، سه بار پیایی به لرزه در می آید و هر آنچه کافر و منافق در شهر است ، از شهر خارج شده و به نزد دجال می روند.

« ... فيخرج إليه يومئذ رجل هو خير الناس أو من خير الناس فيقول له : أشهد أنك الدجال الذي حدثنا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) حديثه . فيقول الدجال ، أرايتم إن قتلت هذا ثم احبيته اتشكون في الامر ؟ فيقولون : لا . فيقتله ، ثم يحييه . فيقول حين يحييه والله ماكنت فيك قطّ أشدّ بصيرة منّي الان . قال : فيريد الدجال أن يقتله فلا يسلط عليه » ^(۱) در آن روز ، مردی که بهترین مردمان یا از بهترین مردمان است از مدینه خارج شده و به نزد دجال می رود و خطاب به او می گوید : شهادت می دهم که تو همان دجالی هستی که پیامبر (صلى الله عليه وسلم) در باره ی تو سخن گفته است . دجال می گوید : (ای یاران من) اگر این مرد را بکشم و سپس او را زنده گردانم در الوهیت من شک می کنید ؟ پیروانش می گویند: خیر (شک نمی کنیم). پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود : دجال او را می کشد و دوباره زنده می گرداند ، آن مرد هنگامی که زنده می شود خطاب به دجال می گوید : سوگند بخدا اکنون بیش از هر وقت دیگری نسبت به دجال بودن تو یقین بیشتری دارم . پس دجال می خواهد او را بکشد اما موفق نمی شود و بر او تسلط نمی یابد .

اصحاب در مورد سرعت حرکت و قدرت و توانائیش سؤال کردند ، آن حضرت (ص) فرمود : « ... كالغيث استدبرته الريح . فيأتى على القوم فيدعوهم فيؤمنون به ويستجيبون له فيأمر السماء فتمطر و الارض فتنبت ... ثم يأتى على القوم فيدعوهم فيردّون عليه قوله فينصرف عنهم فيصبحون محلين ليس بأيديهم شيء من اموالهم و يمرّ بالخربة فيقول لها : اخرجى كنوزك فتتبعه كنوزها كيعاسيب النحل... » ^(۲) . سرعتش همچون باران همراه با باد شدید است ، او بر

^۱ -- رواه الشيخان ۲-رواه مسلم ، ترمذي و ابو داود

قومی فرود می آید و آنان را بسوی خود دعوت می کند و آنها هم به او ایمان می آورند و دعوتش را اجابت می کنند . دجال هم به آسمان امر به بارش می کند ، پس آسمان می باراند و زمین هم می رویاند(و نعمت ها فراوان می شود) ... سپس بر قوم دیگری فرود می آید و آنان را بسوی خود دعوت می کند اما آن قوم دعوتش را اجابت نمی کنند ، دجال هم آنان را به حال خود رها می کند و می رود ، اما آن قوم چون صبح می شود، می بینند که همه ی اموالشان از تصرفشان خارج شده است . همچنین دجال از کنار خرابه ای عبور می کند و خطاب به خرابه می گوید : گنجهای پنهانت را بیرون ریز، ناگاه گنج همچون زنبور بدنبال هم بسوی دجال به پرواز در می آیند.

۳- خلافت مهدی :

بنا به احادیثی به روایت امام ابوداود ، در سالهای قبل از وقوع ساعت موعود ، از اهل بیت پیامبر (ص) نوزادی بنام محمد ابن عبدالله پا به عرصه ی وجود می گذارد که ایام جوانیش با حوادث ناگوار و فتنه های بسیار قرین است ، سرانجام مسلمانان با توجه به شایستگی هایش او را به عنوان پیشوای خود برگزیده و با وی بیعت می کنند و او هم یک حکومت اسلامی جهانی تشکیل می دهد و جهان را پر از عدل و داد می نماید و مدت زمامداری وی هفت سال بطول می انجامد ، و سپس فوت کرده و مسلمانان بر وی نماز می خوانند ...

عبدالله ابن مسعود از پیامبر (ص) روایت کرده که آن حضرت (ص) فرمود: «لو لم یبق من الدّین الاّ یوم واحد لطوّل الله ذلک الیوم حتّی یبعث الله فیهِ رجلاً منی - او من اهل بیتی- یواسیء اسمه اسمی ، و اسم ابیه اسم ابی ، یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»^(۱) . اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی خواهد نمود تا فردی از پیروانم یا از خاندانم مبعوث شود که اسمش با اسم من و اسم پدرش با اسم پدر من یکی است ، جهان را آنچنانکه پر از ظلم و جور است ، پر از عدل و داد می نماید .

^۱ - رواه ابوداود و ترمذی

۴- نزول حضرت عیسی (ع) :

حضرت عیسی (ع) قبل از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبر اولوالعزمی است که در میان قوم بنی اسرائیل مبعوث شده است، و چون ندای توحید او مقام و منزلت اشراف یهود را به مخاطره انداخت ، نقشه قتل وی را کشیدند ، اما به اشتباه شخص دیگری را به دار آویختند ، و خداوند حضرت عیسی را از مکر یهود نجات داد، و بسوی خود بالا برد.

« إِنَّا قَتَلْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ... »^(۱) ما عیسی پسر مریم پیغمبر خدا را کشتیم ! درحالی که نه او را کشتند و نه بدار آویختند ، ولیکن کار بر آنان مشتبّه شد و کسانی که درباره او اختلاف پیدا کردند (جملگی) راجع به وی در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن میگویند و(باید بدانند که) یقیناً او را نکشته اند بلکه خداوند او را در پیش خود به مرتبه والایی رسانید ...

بنابراین حضرت عیسی زنده است و لیکن کسی از کیفیت حیات وی اطلاع ندارد ، پیامبر اسلام(صلی الله علیه وسلم) بر نزول و بازگشت ایشان به جهان خبر داده و درسوره نساء در این باره آمده است: « وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ... »^(۲) وکسی از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگ خود به عیسی ایمان می آورد .

پیامبر(ص) هم در باره ی بازگشت وی می فرماید : « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمًا مَقْسُطًا فَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَيَقْتُلُ الْخَنَازِيرَ وَيَضَعُ الْجُزْيَةَ وَيُفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ حَتَّى تَكُونَ السَّجْدَةُ الْوَاحِدَةُ خَيْرًا مِنَ الدُّنْيَا »^(۳) سوگند به کسی که جانم در قبضه ی قدرت او است نزدیک است عیسی پسر مریم بر شما فرود آید ، که حاکمی عادل و دادگر

۱- نساء/۱۵۸-۱۵۷ ۲- نساء/۱۵۹ ۳- رواه الشيخان و ترمذی

است و صلیب را می شکند و خوک را می کشد (و خوردنش را بر همگان حرام می کند) و بر اهل ذمه جزیه مقرر می نماید و چنان عدالت بر قرار می نماید و مال فراوان می شود که کسی یافت نمی شود که زکات و صدقات را بپذیرد و در آن ایام یک سجده ، از دنیا و آنچه در آن است بهتر و با ارزشتر است.

« إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) قال: ليس بيني وبين عيسى عليه السلام نبيٌّ وإنَّه نازل فإذا رأيتموه فاعرفوا: رجل مربوع الى الحمرة والبياض بين ممصرتين كأنَّ رأسه يقطر وإن لم يصبه بلل فليقاتل النَّاسَ على الاسلام فيدقَّ الصليب ويقتل الخنزير ويضع الجزية ويهلك الله في زمانه الملل كلها الا الاسلام ويهلك المسيح الدجال فيمكث عيسى في الارض اربعين سنة ثم يتوفى فيصلى عليه المسلمون ».^(۱) پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: در بین من و عیسی علیه السلام پیامبر دیگری نیامده است به یقین او فرود می آید ، پس وقتی او را دیدید او را بشناسید : مردی است چهارشانه سفید متمایل به قرمز ، با قد متوسط رنگ لباسش تا اندازه ای متمایل به زرد است و در اثر پاکی و لطافت انگار از سر و رویش قطرات آب می چکد در حالی که بر او باران نباریده است و خود بر دین اسلام است و در راه دعوت اسلامی با مردمان می جنگد و صلیب را می شکند و خوک را می کشد(گوشتش را حرام می نماید) و بر اهل ذمه جزیه مقرر می دارد و خداوند متعال در زمان او جز اسلام همه ی نظامها و مکاتب را نابود می گرداند و دجال را هلاک نموده و عیسی پس از چهل سال فوت می نماید و مسلمانان بر او نماز (میت) می خوانند .

۵- حیوان سخنگو :

در زمانهای نزدیک به وقوع ساعت موعود جنبنده ای ظاهر می شود که با مردمان سخن می گوید و مردمان هم سخنان او را فهمیده و با او گفتگو می نمایند . در آیه ۸۲ سوره نمل در این باره آمده است : ﴿ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنْ

^۱ - رواه ابوداود ، حاکم و احمد

الْأَرْضِ تَكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِغَیْبَتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ هنگامی که فرمان وقوع قیامت فرا می رسد ما جانوری را از زمین برای مردمان بیرون می آوریم که با ایشان سخن می گوید. (با این وجود) مردم به آیات خدا ایمان نمی آورند. پیامبر(ص) در باره ی این حیوان و پیشرفتهای علمی انسان، مخصوصاً در زمینه ی ابزار و وسایل تجسس و استراق سمع می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكَلَّمَ السَّبَّاحُ الْإِنْسُ وَ حَتَّى تَكَلَّمَ الرَّجُلُ عَذْبَهُ سَوْطَهُ وَ شَرَاكَ نَعْلَهُ وَ تَخْبِرَهُ بِمَا أَحْدَثَ أَهْلُهُ مِنْ بَعْدِهِ»^(۱) سوگند به کسی که جانم در دست او است ساعت موعود فرا نمی رسد تا اینکه حیوان وحشی و کمر بند و بند کفش آدمی با وی سخن گویند و قسمت رانِ پا بعد از خروج او از منزل آنچه بر خانواده اش گذشته به او خبر دهد

۶- خروج یاجوج و ماجوج :

یاجوج و ماجوج موجودات وحشی و جنایتکار بوده اند که در زمان ذی القرنین، قوم همسایه آنها از حملات وحشیانه و شبیخونهایشان به تنگ آمده وشکایت نزد ذی القرنین بردند. ذی القرنین هم سد محکمی میان آنها و یاجوج و ماجوج بنا کرد تا از حملات آنها جلوگیری نماید. هیچ کس از محل ساخت سد و محیط زیست یاجوج و ماجوج خبر ندارد، اما در دورانهای نزدیک به ساعت موعود سد را شکسته و به جهانیان حمله ور می شوند که در آیات ۹۳ الی ۹۸ سوره کهف به این حقیقت تاریخی اشاره شده است. و در سوره انبیاء در این باره می فرماید:

حَتَّىٰ ۚ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٧﴾ وَأَقْتَرَبَ ۚ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُتَوَلَّوْنَآ قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٨﴾ تا زمانی که یاجوج و ماجوج رها می گردند، و ایشان شتابان از هر بلندی و ارتفاعی می گذرند (در این هنگام) وعده راستین (

^۱ - رواه ترمذی ۲- انبیاء/۹۷-۹۶

خداوند که قیامت است) نزدیک می شود و بناگاه کافران (را وحشت فرا می گیرد و چشمهایشان از حرکت باز می ایستد (و گویند) ای وای بر ما ، ما از این (روز) غافل بودیم ، بلکه (در اثر کفر) به خود ستم کردیم.

« هنگامی که سد فرو می ریزد ، یاجوج و ماجوج به مردمان و کشتزارها حمله ور می شوند و در آن حال حضرت عیسی به تازگی از کشتن دجال فراغت یافته است که خبر خروج یاجوج و ماجوج به وی می رسد پس آن حضرت به جنگ با آنها رفته ، همگان را تار و مار و نابود می گرداند »^(۱)

۹ و ۸ و ۷- فرو رفتگی و حرکات طبقات زمین :

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در این باره می فرماید؛ « ثلاثه خسوف ، خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب »^(۲) قبل از وقوع قیامت سه زمین لرزه شدید و پی در پی و فراگیر ، در مشرق و مغرب و شبه جزیره عربستان روی میدهد و زمین مردمان بسیاری را به درون خود فرو می برد.

۱۰- آتش سوزی بزرگ :

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: « لا تقوم الساعة حتّی تخرج نار من أرض الحجاز تضيء أعناق الابل بصری ».^(۳) ساعت موعود فرا نمی رسد تا اینکه آتشی در سرزمین حجاز برافروخته شود بطوری که (در اثر شدت شعله های آن) گردن شتر (در شب تاریک) در بصره دیده می شود.

نسیم یمنی :

« إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ رِيحاً مِنْ الْيَمَنِ أَلَيْنَ مِنَ الْحَرِيرِ فَلَا تَدْعُ أَحَدًا فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا قَبِضَتْهُ ».^(۴) همانا خداوند نسیمی از یمن بر می انگیزد که از ابریشم نرمتر است و هر مؤمنی که به اندازه ی ذره ای ، ایمان در قلبش موجود باشد ، آن را استشمام نماید ، قبض روح می شود.

^۱ - رواه مسلم، ترمذی و ابوداود ۲- رواه مسلم ، ترمذی و ابو داود ۳- رواه الشیخان و ترمذی ۴- رواه مسلم

در این هنگام در روی کره ی زمین کسی را نخواهی یافت که کلمه « الله » را بر زبان آورد .

« لا يقال في الارض الله، الله... »^(۱) در زمین الله، الله ، گفته نمی شود (از میان آنان کسی نام خداوند را بر زبان نمی آورد).

« يبقى اشرار الناس يتهارجون تهارج الحمر فعليهم تقوم الساعة »^(۲) بدترین مردمان باقی می مانند و در کمال وقاحت و بی شرمی همچون الاغ بر روی هم می جهند . پس عذابهای سخت ساعت موعود بر آنان نازل می شود ...

وقوع ساعت موعود

کفار با حالت انکار می پرسیدند : وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٠﴾
قُلْ إِنَّمَا أَعْلِمُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢١﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَّتَ وُجُوهَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٣﴾ و می گویند اگر راست می گوئید ، این وعده ای که می دهید، کی خواهد بود؟ بگو: اطلاع و آگاهی (از آن) متعلق به خدا است و بس . من فقط بیم دهنده ی آشکاری هستم . هنگامی که این وعده ی الهی را از نزدیک مشاهده کردند ، چهره های کافران در هم و زشت می گردد ، و بدیشان گفته می شود . این همان چیزی است که خود می خواستید ... اولین نشانه ی وقوع ساعت موعود ، طلوع خورشید از مغرب است که پیامبر (ص) در این باره می فرماید:

« لا تقوم الساعة حتى تطلع الشمس من مغربها فإذا طلعت و رآها الناس آمنوا أجمعون فذلك حين لا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً »^(۴) ساعت موعود فرا نمی رسد تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند و در آن حال همه ی مردمان ایمان می آورند ولیکن اگر قبلاً مؤمن نبوده باشند ، ایمان آنها در آن حال سودی به حال آنها نخواهد داشت .

^۱ - رواه مسلم و ترمذی ۲ - رواه مسلم ، ترمذی و ابوداود ۳ - ملک / ۲۷-۲۵ ۴ - رواه الاربعه ۵ - الرحمن / ۳۷

پس از آن ، عذابهای سخت و پی در پی بر کفار نازل می شود و ترس و وحشت همگان را فرا می گیرد...

فَإِذَا أَشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ^(۵) بدانگاه که آسمان شکافته شود ، و گلگون گردد ، همچون روغن گداخته (شود) .

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿۱﴾ (تکویر/۱) هنگامی که خورشید در هم پیچیده می شود .

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ﴿۳﴾ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿۴﴾

هنگامی که ستارگان تیره و تار می گردند و فرو می افتند(تکویر/۲) . و هنگامی که ستارگان از هم می پاشند و پخش و پراکنده می شوند (انفطار/۲) . هنگامی که ستارگان محو و تاریک می گردند (مرسلات/۸) . إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ

سُجِّرَتْ ﴿۵﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿۶﴾ و هنگامی که دریاها سراسر برافروخته می گردند(تکویر/۶) . و هنگامی که دریاها شکاف بر می دارند و به هم می پیوندند و منفجر می شوند (انفطار/۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿۷﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ﴿۸﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ﴿۹﴾ ^(۱) هنگامی که زمین سخت به تکان و لرزه انداخته شود. و کوهها سخت درهم کوبیده می شوند و ریزه ریزه می گردند . و به صورت گرد و غبار پراکنده در می آیند.

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ^(۲) و کوهها به حرکت انداخته می شوند و یک سراب بزرگی را تشکیل می دهند.

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿۱۰﴾ وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ^(۳) . هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می شود. و زمین سنگینیها و بارهای خود (گنجینه ها و اموات) را بیرون می اندازد.

۱- واقعه/۶-۴ ۲- نبأ/۲۰ ۳- زلزله/۱-۲ ۴- حج/۲-۱ ۵

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَوْتَنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ واقعاً زلزله ی (انفجار جهان و فرو تبیدن ارکان آن در آستانه) رستاخیز ، چیز بزرگی است . روزی که زلزله ی رستاخیز را می بینید همه زنان شیردهی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده اند ، کودک خود را رها و فراموش می کنند. و جملگی زنان باردار سقط جنین می نمایند و مردمان را مست می بینی ، ولی مست نیستند بلکه عذاب خدا سخت است.

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٣﴾ روزی است که مردمان همچون پروانگان ، پراکنده (و سرگردان) می گردند...

وَإِذَا الْعِشَاءُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ و هنگامی که (با ارزشترین اموال از جمله) شترانی که ده ماه از آبستنی آنها گذشته است به دست فراموشی سپرده می شوند.

حیوانات هم به مانند آدمیان ، با ترس و وحشت بسیار بسوی درّه ها و دشتهای سرازیر شده و ترس از همدیگر و دشمنیها را فراموش می کنند و همه در کنار هم گرد می آیند تا لحظه ای از شدت هول و هراس خود بکاهند ...

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ و هنگامی که جانداران و حیوانات وحشی گرد آورده می شوند (و خوی درندگی را فراموش می کنند) .

يَوْمَ تَطْلُو السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكَتُبِ ﴿٦﴾ کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَعَلِينَ ﴿٧﴾ روزی ما آسمان را در هم می پیچیم به همان صورت که طومار نامه ها در هم پیچیده می شود . همانگونه که (نخستین بار) آفرینش را سر داده ایم ، آفرینش را از نو بازگشت می دهیم . این وعده ای است که ما می دهیم ، و ما قطعاً آن را به انجام می رسانیم .

هنگامی که انسان از کوههای در حال متلاشی و دشتهای در حال لرزش و رانش و آتشفشان و خسف ، و دریاهاى بر افروخته و آتشین و کره ی ماه و سایر کرات که در

حال درهم پیچیدن هستند نا امید می شود، گوید: يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَقَرُّ ﴿٤﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿٥﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿٦﴾ (۵) انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟ خیر! اصلاً گریز ممکن نیست و) هیچگونه پناهدگاهی وجود ندارد. در آن روز، قرار گاه در دست پروردگار تو است.

دمیدن در صور

صور شیپوری است در دست اسرافیل، یکی از فرشتگان مقرب الهی، که در آخر زمان بعد از وقوع تمام رویدادها و حوادث به امر خداوند در صور می دمَد و هر موجود زنده ای (جن و انسان و حیوان و فرشته و...) که در آسمانها و زمین موجود است، جز کسانی که خداوند بخواهد همه می میرند.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ... (۱) در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسی که خدا بخواهد.

پیامبر(ص) لحظه ی فرا رسیدن آن واقعه را اینگونه تصویر می نماید:

«وَلتَقُومَنَّ السَّاعَةُ قَدْ نَشَرَ رِجْلَانِ ثَوْبَهُمَا بَيْنَهُمَا فَلَا يَتْبَاعِيَانَهُ وَلَا يَطْوِيَانَهُ وَ لَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَ قَدْ انْصَرَفَ الرَّجُلُ بِلَبَنِ لِقَحْتِهِ فَلَا يَطْعَمُهُ وَ لَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ وَ هُوَ يَلِيطُ حَوْضَهُ فَلَا يَسْقَى فِيهِ وَ لَتَقُومَنَّ السَّاعَةُ فَرَفَعَ أَكْلَتَهُ إِلَىٰ فِيهِ فَلَا يَطْعَمُهَا» (۲) ساعت موعود در حالی فرا می رسد که دو نفر در حال معامله ی لباسند و آن را در بین خود پهن کرده اند، پس آن لباس نه به فروش می رسد و نه جمع می شود. و در حالی آن لحظه ی هولناک فرا می رسد که مردی لیوانی شیر در دست دارد و می خواهد از آن بنوشد پس هرگز از آن نمی نوشد. و در حالی آن حادثه روی می دهد که مردی در حال پاک نمودن حوض خانه اش است، اما هرگز از آب آن

۱- زمر/۶۸ ۲- رواد الاربعه ۳- قصص/۸۸ ۴- انبیاء/ ۱

نمی نوشد. و در حالی ساعت موعود فرا می رسد که مردی لقمه ی غذا به طرف دهانش بالا می برد اما هرگز آن را نمی خورد .

.... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ^(۳) جز او معبود دیگری وجود ندارد . همه چیز جز ذات او فانی و نابود می شود. فرماندهی از آن او است و بس ، و همگی شما به سوی او برگردانده می شوید .

بیشتر مردمان در غفلتند و ایمان به روز آخرت و ساعت موعود در دلها رو به ضعف نهاده است . مردمان به فکر تدارک وسایل خنک کننده و گرم کننده برای گرما و سرمای زمستان هستند ، اما متأسفانه به فکر گرمای سوزان و گدازان دوزخ و سرمای زمهریر آن نیستند ...

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ^(۴) (زمان) محاسبه مردمان بدیشان نزدیک است در حالی که آنان غافل (از هول و هراس آن) و رویگردان (از ایمان بدان) می باشند.

مردمان در فکر عیش و نوش و پر کردن اوقات فراغت خود با برنامه های سرگرم کننده و پوچ و بی ارزشند ، در حالیکه پیامبر (ص) می فرماید : « **كَيْفَ انعم و صاحب الصّور قد التقم القرن و جنی الجبهه و اصغى بالاذن متى يؤمر فينفخ** » ^(۱) چگونه شاد باشم در حالیکه اسرافیل به حالت آماده باش صور را در دست گرفته و پیشانی بالا گرفته و گوش فرا داشته که کی امر شود تا در صور بدمد .»

کلام خداوند متعال در آن روز

بعد از دمیدن در صور و نابود شدن همه ی موجودات زنده ، جهان فعلی به بیابان خشک و صاف و همواری تبدیل می گردد ، که خالی از انسان ، حیوان و حتی درخت و گیاه و حشرات است و سکوت مطلق آن را فراگرفته است . در آن حال خداوند جلّ جلاله که تنها ذات او است باقی و جاوید ، آن سکوت مطلق را در هم می شکند و جهان را مخاطب خود قرار داده و فرماید :

^۱ - ترمذی ۲ - رواه مسلم

« أُنَا الْمَلِكُ ، اَيْنَ الْجَبَارِينَ ، اَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ ، اَيْنَ الْمُلُوكُ ».^(۳) (ای زمین !)
 منم فرمانروا ! فرمانروایان دروغین کجایند ؟ ستمگران کجایند ؟ متکبران کجایند ؟
 پادشاهان و سیاستمداران و فرماندهان کجایند ؟ و ای زمین !
 « لَمَنِ الْمَلِكُ الْيَوْمَ » ؟ امروز مالک و صاحب جهان کیست ؟
 زمین: « اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ » . از آن خداوند یکتا و مقتدر است...
 یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو
 ... وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۸﴾ و همه ی آنچه در
 آسمانها و زمین است از آن خدا است و سرانجام همه را به ارث خواهد برد ، و خداوند
 از آنچه می کنید آگاه است .
 إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۲۰﴾ ما وارث زمین و همه کسانی
 هستیم که بر روی آن زندگی می کنند و (همگان) به سوی ما برگردانده می شوند.

دمیدن در صور برای بار دوم

بعد از آنکه همه ی آدمیان و کلیه ی موجودات زنده ، به امر خداوند هلاک شدند
 و حتی یک موجود زنده هم در قید حیات باقی نماند و انقلابات کیهانی هم پایان
 یافتند . سکون و سکوت مطلق بر جهان سایه می افکند . نه نعره و تهدید ستمگران
 به گوش می رسد و نه آه و ناله ی مظلومان ، نه پادشاه و فرمانروایی دیده می شود و
 نه لشکر و سپاهی ، نه دنیا پرستان مانده اند و نه دنیای رؤیایی آنها ، و نه از عشوه و
 ناز و آواز دلربایان خبری است و نه از رقص و پایکوبی آنان و ... ! کسی جز الله جل
 جلاله نمی داند این سکوت مطلق چندین سال به طول می انجامد ... پس از گذشت
 سالهای بسیار ، خداوند متعال بارانی بر زمین فرو می باراند ، اما این باران شکافنده
 دانه و هسته نیست ، بلکه شکافنده ی قبرهاست که با ریزش آن بهار مردگان آغاز

۴ - قیامه / ۴ - ۳

۳ - رواه الشیخان و ترمذی

۲ - مریم / ۴۰

۴ - آل عمران / ۱۸۰

می شود و همه مردگان ، همچون گیاهان ، سر از دل خاک بیرون آورده ، به صورت کالدهای بی روح و جان همچون سربازان ، به حالت خبردار روی زمین قرار می گیرند .
 «...يَنْزِلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَنْبُتُونَ كَمَا يَنْبِتُ الْبَقْلُ...»^(۳) از آسمان بارانی فرو می ریزد و آدمیان همچون سبزیجات ، از زمین می رویند .

أَتُحْسِبُ الْإِنْسَنُ أَنَّ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ۖ بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِيَ بَنَانَهُ ۚ^(۴)

آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای (پوسیده و پراکنده ی) او را گرد نخواهیم آورد؟ آری ما حتی می توانیم سر انگشتان او را همسان خودش بیافرینیم (و به حال اول بر گردانیم) .

به امر خداوند متعال ، اسرافیل زنده شده و برای بار دوم در صور می دمدم ناگاه همگان زنده شده و بسوی محشر رهسپار می شوند .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۚ^(۱) . (برای بار دوم)

در صور دمیده می شود و بناگاه همه ی آنان از گور بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ۚ^(۲) در

آن روز ما آنان را رها می سازیم تا برخی در برخی موج زنند و (آنگاه برای دومین بار) در صور دمیده می شود و ما ایشان را بگونه ی شگفتی (برای حساب و کتاب در یک جا) گرد می آوریم.

کفار چون این بازگشت را محال می پنداشته اند و به صورت ناگهانی با چنین وضعیتی مواجه می شوند ، می گویند : قَالُوا يَتَوَلَّوْنَآ مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا ۚ^(۳) ای وای

برما ! چه کسی ما را از خوابمان (بیدار کرد و) برانگیخت. پس از لحظه ای متوجه شده

و گویند : هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۚ^(۴) این همان چیزی

است که خداوند مهربان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند ...

^۱ - ۵۱/یس ۲- کهف/۹۹ ۳- یس/۵۲ ۴- یس/۵۲ ۵- معارج/۴۳-۴۴ ۶- طه/۱۰۴-۱۰۳

يَوْمَ تَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿١٣﴾ خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ ذَلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٤﴾ ^(٥) آن روزی که شتابان از گورها بیرون می شوند ، گویی که به سوی بتهایشان (ومعبودهایشان) می روند . در حالی که چشمانشان (از هول و هراس) به زیر افتاده است و خواری و پستی ایشان را فرو گرفته است . (بدیشان گفته می شود:) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٥﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٦﴾ ^(٦) آنان در میان خود آهسته به هم می گویند : جز ده شبانه روز (در دنیا) نبوده اند و نمانده اند. ما بهتر می دانیم که (آهسته چه می گویند) و کاملاً آگاهیم (از سخن کسی که راهش (در به تصویر کشیدن کوتاهی دنیا به حقیقت) نزدیکتر و بهتر است ، آنگاه که می گوید : شما تنها یک روز در دنیا بسر برده اید!

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿١٨﴾ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ﴿١٩﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٢٠﴾ لِكُلِّ أُمَرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٢١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٢٢﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٢٣﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٢٤﴾ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٢٥﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿٢٦﴾. ^(١) هنگامی که صدای هراس انگیز گوش خراش (صور دوم) برآید. در آن روز که انسان فرار می کند از برادر خود ! و از مادر و پدرش ! و از همسر و فرزندان ! در آن روز هر کدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می کند و از هر چیز دیگری باز می دارد . در آن روز چهره هایی شاد و درخشانند . خندان و مسرورند . و در آن روز چهره هایی غبار (غم و اندوه) بر آنها نشسته است . ابر تیره و سیاه آن رخساره ها را می پوشاند . آنان کافران بزهکار و بدکردارند...

^١-عبس/٤٢-٣٣ ^٢-مومنون/١٠١ ^٣-معارج/١٠

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ^(۲). هنگامی که (برای

بار دوم) در صور دمیده می شود ، هیچگونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی ماند و در آن روز از همدیگر نمی پرسند...

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا^(۳). هیچ دوست صمیمی و خویشاوند نزدیکی ، سراغ

دوست صمیمی و خویشاوند نزدیکی را نمی گیرد و از او نمی پرسد.

آنکه چند ایامی پیش از این ، بر مرگ و فراق برادر و قوم و خویش و دوست خود سینه ها چاک می کرد و خاکها بر سر می ریخت و چرخ گردون را متهم می ساخت و با آه درون از جدایی می گفت و می سرود ، امروز طاقت دیدار کسی را ندارد ، چون می ترسد حقی از او مطالبه کنند !

فصل چهارم :

حشر آدمیان

نامهٔ اعمال

سیمای مجرمان در روز قیامت

تأخیر در محاکمه و محاسبه

آغاز محاکمه و محاسبه

فضیلت مساکین

صفت میزان

قصاص

پل صراط

روز فصل و جدایی

شفاعت

کرم خداوند نسبت به موحدین

رؤیت خداوند متعال

حشر آدمیان

به امر خداوند متعال همگان لخت و عریان و پابرهنه در صحرای محشر جمع می شوند . حضرت عایشه (رض) گوید ، گفتم : « یا رسول الله (ص) النساء و الرجال جميعاً ينظر بعضهم الى بعض . قال: يا عائشه الامر اشد من أن ينظر بعضهم الى بعض ».^(۱) ای رسول خدا (ص) زنان و مردان با هم هستند بعضی همدیگر را می نگرند ! پیامبر (ص) فرمود : ای عایشه ، احوال (آن ساعت) شدیدتر از آن است که بعضی در فکر نگرستن و نظر کردن باشند ...

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ^(۲) در آن روز هر کدام از آنان گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می کند و از هر چیز دیگری باز می دارد . « إِنَّ أَوَّلَ الْخَلَاقِ يَكْسِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام »^(۳) اولین کسی که در روز قیامت بر او لباس پوشانده می شود ، حضرت ابراهیم علیه السلام است (و پس از او سایر مردمان لباس می پوشند) .

پیامبر (ص) در مورد اصناف مردمان فرمود: « يحشر الناس ثلاثة اصناف. ركبانا و مشاة و على وجوههم » . مردمان در روز قیامت بر سه گروه و صنف محشور می شوند : بعضی سوارند و بعضی پیاده و بعضی دیگر واژگون و بر سر و چهره می روند .

^۱ - رواه الشيخان ۲- عبس/ ۳۷ ۳- رواه الشيخان و ترمذي

یکی از اصحاب پرسید: ای رسول خدا (ص) چگونه بر روی و چهره راه می روند ؟
فرمود: « الَّذِي امشاهم على اقدامهم قادر على أن يمشهم على وجوههم ».^(۱)
آنکه ایشان را بر قدمهایشان روان کرد قادر است ایشان را بر رویهایشان روان گرداند .
در آن روز خورشید نزدیک و نزدیکتر شده و گرما و حرارتش چندین برابر می
شود و مردمان در سختی و عذاب گرفتارند و از پایان کار خود بیمناکند و سالهای
سال در صحرای محشر همچنان سرگردان باقی می مانند .

« يعرق النَّاسُ يوم القيامة حتى يذهب عرقهم في الارض سبعين ذراعاً و
يلجمهم حتى يبلغ آذانهم ».^(۲) مردمان در روز قیامت آنچنان عرق می ریزند که
گاه عرق آنان تا هفتاد ذراع در زمین جاری می شود و بعضی در عرق خود غرق
می شوند و عرق تا گوشهای آنها را فرا می گیرد .

« فيكون النَّاسُ على قدر اعمالهم في العرق فمنهم من يكون الى كعبيه و
منهم من يكون الى ركبتيه و منهم من يكون الى حقويه و منهم من يلجمه
العرق الجاماً ».^(۳) مردمان به قدر اعمال ناپسند خود ، در عرق خود غرق می شوند
پس بعضی تا قوزک پا و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی کاملاً در عرق ، غرق
می باشند

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤﴾ همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار
عالمیان (برای حساب و کتاب) بر پا می ایستند.

« يوم يجعل الولدان شيباً ».^(۵) روزی که کودکان را پیر می سازد.

در چنان روز سختی که مردمان در اثر شدت گرما و تشنگی و گرسنگی سالهای
بسیار در عذابند و کودکان پیر می شوند ، هفت گروه به سبب اعمال نیک خود در
پناه خداوند متعال محفوظ و در زیر سایه ی عرش الهی در آرامش و آسایش اند :
« سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل الا ظله : الامام عادل و شاب نشاء بعباده
الله و رجل قلبه معلق في المساجد و رجلان تحابا في الله اجتماعاً و تفرقاً و
رجل دعتة امرأه ذات منصب و جمال ، فقال : إني اخاف الله و رجل تصدق

۱ - رواه ترمذی ۲ - رواه الشيخان ۳ - رواه مسلم و ترمذی ۴ - مطففين/ ۶ ۵ - زميل/ ۱۷

بصدقه فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه و رجلاً ذكر الله خالياً ففاضت عيناه».^(۱) در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش خداوند نیست ، خداوند متعال هفت گروه را در سایه ی عرش خود قرار می دهد : پیشوای دادگر و جوانی که در عبادت خدا ایام جوانی را سپری کرده و مردی که قلبش معلق و وابسته به مساجد باشد و دوکس که بخاطر محبت خداوند دوست شوند و بخاطر خدا از هم جدا شوند و مردی که ، زن صاحب جمال و منصبی او را جهت گناه بسوی خود فرا خواند ، پس او بگوید: من از خداوند می ترسم . و کسی که مخفیانه در راه خدا اتفاق کند بطوری که دست چپش نداند که دست راست اتفاق کرده است ، و کسی که با اخلاص تمام خداوند را یاد کند و چشمانش را اشک فرا گیرد.

نامه اعمال

این جهان کوه است و فعل ما ندا باز گردد این نداها را صدا
گرچه دیوار افکند سایه ی دراز باز گردد سوی او آن سایه باز
از روزی که انسان به حد تکلیف شرعی (بلوغ) می رسد تا لحظه ای که جان می سپارد . دو فرشته مأموریت ثبت و ضبط اعمال او را به عهده دارند ، و هر آنچه گوید و شنود و نیت کند و انجام دهد در نامه ی اعمالش ثبت و ضبط می گردد .

وَأَنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ ۖ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿٢٠﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢١﴾^(۲) بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند . نگاهبانانی که (در پیشگاه خداوند) محترم هستند و پیوسته اعمال شما را) می نویسند. می دانند هرکاری را که می کنید .

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿٢٢﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾^(۳) بدانگاه که دو فرشته ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته اند و اعمال او را دریافت می دارند . انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر اینکه فرشته ای ، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿٢٤﴾ لَهُدُ مُعَقِّبَتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ حَافِظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...^(۴) کسی که از شما سخن را

^۱ - رواه الخمسه الا ابوداود

^۲ - انفطار / ۱۲- ۱۰

^۳ - ق / ۱۸- ۱۷

^۴ - رعد / ۱۱- ۱۰

پنهان می دارد ، و کسی که سخن را آشکار می سازد، و آنکه خویشتن را در شب مخفی می نماید ، و آنکه در روز (بدنبال کار خود) روان می گردد ، (برای خدا بی تفاوت و) یکسان می باشد . انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می شوند و) پیایی از روبرو و پشت سر به فرمان خدا از او مراقبت می نمایند.

از نظر علمی ثابت شده است که صدا از بین نمی رود بلکه در فضا منتشر می شود، همچنین آدمی در هر مکان که کاری انجام می دهد تصویری از خود بر جای می گذارد و احتمال اینکه انسان در آینده بتواند ابزاری بسازد و صداها و تصاویر پراکنده در فضا راضبط نماید . بسیار است.

نامه اعمال با مرگ شخص بسته می شود و جزا از طریق آنچه که پیامبر(ص) در دو حدیث زیر بیان فرموده ، چیزی به آن اضافه نمی شود :

« إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمُهُ وَنَشْرُهُ ، وَوَلَدُهُ صَالِحًا تَرَكَهُ . وَهُوَ مَصْحُفًا وَرَثَتُهُ وَهُوَ مَسْجِدًا بَنَاهُ وَبَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ وَنَهْرًا أَجْرَاهُ وَصَدَقَهُ أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلَحُّقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ »^(۱)

همانا آنچه از اعمال نیکو و حسنات که به مؤمن بعد از مرگش ملحق می شود : علمی است که تعلیم داده و منتشر کرده است و فرزند صالحی است که بعد از مرگ خود بجای گذاشته ، یا کتابی است که تألیف کرده و به ارث گذاشته یا مسجدی است که برای عبادت خداوند بنا کرده و یا خانه ای است که برای در راه ماندگان ساخته یا نهر و آبی است که جاری ساخته یا صدقه ای است که در زمان صحت و حیات خود از دارائیش خارج کرده است اینها بعد از مرگش به او (نامه عملش) ملحق می شوند.

« مِنْ سَنٍّ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةٌ حَسَنَةٌ فَعَمَلُ بِهَا بَعْدَهُ كَتَبَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْءٌ وَ مِنْ سَنٍّ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةٌ سَيِّئَةٌ فَعَمَلُ بِهَا بَعْدَهُ كَتَبَ عَلَيْهِ مِثْلَ وَزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا وَ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ »^(۲) هر کس در اسلام روش نیکویی ابداع کند و پس از او بدان عمل شود برای او اجر است همچون اجر عمل کننده ی بدان ، و چیزی هم از اجر عامل کم نمی شود . و هر کس سنت و روش بد و ناروایی در اسلام ابداع کند ، اگر بعد از او بدان عمل شود گناهی

^۱ - رواه ابن ماجه و بیهقی
^۲ - رواه ترمذی

همچون گناه ، گناهکار برایش ثبت می شود بدون اینکه چیزی از سزای گناهکار کاسته شود .

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ أَلَا سَاءَ

مَا يَزِرُّوْنَ ﴿١﴾ آنان که باید در روز قیامت بار گناهان خود را (به سبب پیروی

نکردن از پیغمبر) به تمام و کمال بر دوش کشند ، و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون آگاهی گمراه ساخته اند ، هان (بدانید) چه بار گناهان بدی را بردوش می کشند.

نامه های اعمال در نزد پروردگار نگهداری می شوند ، پس در آن روز مردمان دسته دسته برای دریافت نامه ی اعمال خود مراجعه می کنند :

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ ﴿٢﴾ در آن روز مردمان (از گورهای

خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می آیند (و رهسپار صحرای محشر می شوند) تا کارهایشان بدیشان نموده شود .

أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿٣﴾ کتاب (اعمال) خود را بخوان .

کافی است که خودت امروز حسابگر خویش باشی .

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا

وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا ... ﴿٤﴾ روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و

آماده می بیند دوست می دارد میان او و آنچه از بدی انجام داده فاصله ی زیادی می بود...

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ ﴿٥﴾ روزی خدا همگان را زنده می گرداند و آنان را از کارهایی که کرده اند ،

آگاه می سازد، کارهایی که ایشان آنها را فراموش کرده اند ، ولی خداوند آنها را شمارش کرده است . خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است .

١- نخل/ ٢٥ ٢- زلزلال/ ٦ ٣- اسری/ ١٤ ٤- آل عمران/ ٣٠ ٥- مجادله/ ٦

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَتَوَلَّاتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا^٢ وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا...^(١)

و کتاب (اعمال هر کسی در دستش) نهاده میشود و بزهکاران را می بینی که از دیدن آنچه در آن است ، ترسان و لرزان می شوند و می گویند: ای وای بر ما ! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را بر شمرده است، و آنچه را که کرده اند حاضر و آماده می بینند...

در آن روز مردمان دو دسته اند : گروهی نامه ی اعمال خویش را با دست راست تحویل می گیرند و گروهی دیگر نامه اعمال خویش را از پشت سر یا از ناحیه چپ تحویل می گیرند : فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ^٢ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَّةً^٣ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْكٌ حِسَابِيَّةً^٤ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ^٥ (٢) و اما هرکس که نامه ی اعمالش به دست راستش داده شود ، می گوید (ای اهل محشر) نامه مرا بگیرد و بخوانید. آخر من می دانستم که من با حساب و کتاب خود رویاروی می شوم. پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود.

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ^٦ فَيَقُولُ يَلِيَّتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَّةً^٧ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَّةً^٨ يَلِيَّتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ^٩ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةٌ^{١٠} هَلَكْتُ عَنِّي سُلْطَانِيَّةً^{١١} خُذُوهُ فَغُلُّوهُ^{١٢} (٣) و اما کسی که نامه ی اعمالش به دست چپش داده شود ، می گوید: ای کاش هرگز نامه ی اعمالم به من داده نمی شد. و هرگز نمی دانستم که حساب من چیست. ای کاش پایان بخش عمرم همان مرگ بود و بس. دارایی من مرا سودی نبخشید ، و به درد (بیچارگی امروز) من نخورد. قدرت من از دست من برفت. (خداوند به فرشتگان امر می فرماید :) او را بگیرد و به غل و بند و زنجیرش بکشید.

مکن کاری که بر پا سنگت آید جهان با این فراخی تنگت آید
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند تو کز کردار زشتت ننگت آید^(٤)

^١ - کهف/ ٤٩ ٢ - الحاقه/ ٢١- ١٩ ٣ - الحاقه/ ٣٠- ٢٥ ٤ - رباعیات باباطاهر عریان

سیمای مجرمان در روز قیامت

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ (بیاد آورید) روزی، روهای سفید و روهای سیاه می گردند، و اما آنان که روهایشان سیاه است (بدیشان گفته می شود): آیا بعد از ایمان خود کافر شده اید؟ پس به سبب کفری که ورزیده اید عذاب را بچشید! و اما آنان که روهایشان سفید است، در رحمت خدای غوطه ورنند و جاودانه در آن ماندگارند. يُعْرِفُ الْبَاجِرْمُونَ بِسِيئَتِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٢١﴾ گناهکاران با قیافه هایشان شناخته میشوند، و ایشان با سرها و پاها گرفتار می شوند (فرشتگان سرها و پاهایشان را می گیرند و می کشند).

سیمای سخن چینان: سخن چینان کسانی اند که میان مسلمانان آتش فتنه و دشمنی و عداوت بر می افروزند که خداوند با قیافه ی زشت و ناخوشایندی آنها را مبعوث و محشور می نماید:

« من كان له وجهان في الدنيا كان يوم القيامة لسانان من نار. »^(۳) هرکس در دنیا دو رو بوده باشد در روز قیامت دو زبان آتشین دارد.

سیمای ظالمان: آنانکه در دنیا بر مظلومین ظلم و ستم روا داشته اند و حیات دنیوی را بر آنها سخت و تنگ گردانده اند، اینان مورد خشم و غضب الهی اند و خداوند صحرای محشر را بر آنان سخت و تنگ می گرداند.

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٢٣﴾ (ای پیغمبر!) گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می کنند

^۱- آل عمران/ ۱۰۷-۱۰۶ ۲- الرحمن/ ۴۱ ۳- رواه ابوداود، ابن ماجه و بیهقی ۴- ابراهیم/ ۴۲

بی خبر است (نه بلکه مجازات) آنان را به روزی حواله می کند که چشمها در آن (از خوف و هراس) باز می ماند.

پیامبر(ص) فرمود : « من اخذ شبراً من الارض ظلماً فإنه يطوّقه يوم القيامة من سبعين ارضين ».^(۱) هرکس وجبی از زمین کسی را به ظلم تصاحب کند خداوند متعال این زمین را در روز قیامت هفتاد برابر گردانده و طوق گردنش می نماید .

سیمای غیبت کنندگان: آنانکه پشت سر ، رازها و اسرارو عیوب و آنچه را که دیگران از آشکار شدنش اکراه دارند ، آشکار و بر ملا می سازند ، خداوند متعال آنها را در روز قیامت به گونه ای محشور می نماید که همگان از روبرو شدن با آنان اکراه دارند، چون بوی دهنشان به شدت دیگران را می آزارد.

سیمای زنا کاران: خداوند متعال مؤمنین را به پاکدامنی و عفت و عصمت امر می نماید و عفت و پاکدامنی را از اوصاف مؤمنین قرار داده است:

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّيْفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢١﴾ و به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْروجهِم حَفِظُونَ ﴿٢٢﴾ و (مؤمنین کسانی هستند که) عورت خود را محافظت می دارند.

« در روز قیامت آلت تناسلی مردان زنا کار روی زمین کشیده شده و مار و عقربهای بسیاری بر آن هجوم آورده و مداوم او را نیش می زنند و وقتی که از فرط تشنگی ، آب درخواست می نمایند زرداب و خوناب سوزناک و داغی که از فرج زنان زناکار خارج می شود به آنها می خوراند که با خوردن آن روده هایشان پاره پاره شده و از مقدهایشان بیرون می ریزد . و شرمگاه زنان زناکار هم پر از آتش است ... » .

سیمای متکبران : وَلَا تُصَعِّرْ خَدَاكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ با تکبر و بی اعتنائی از مردم روی مگردان، ومغرورانه بر زمین

۱- رواه الشيخان و احمد ۲- اسري/ ۳۲ ۳- معارج/ ۲۹ ۴- لقمان/ ۱۸

راه مرو ، که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست نمی دارد.

« يحشر المتكبرون يوم القيامة أمثال الذر في الصور الرجال يغشاهم الذلّ من كل مكان فيساقون الى سجن في جهنم يسمّى بولس تعلوهم نار الانيار يسقون من عصاره اهل النار طينه الخبال »^(۱). متکبران در روز قیامت ، مانند مورچه های ریز اما در شکل آدمیان محشور می شوند و هرجا که باشند زیر پای اهل محشرند ، سپس آنان را بسوی زندان بولس دردوزخ می رانند که گرداگرد آن را آتش فرا گرفته است. و به آنان از خونابه ی زخمها و چرکهای دوزخیان خورانده می شود . متکبر برای همیشه از بهشت محروم می شود : « لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال ذره من كبر »^(۲). هر آنکه در قلبش به اندازه ذره ای کبر موجود باشد، داخل بهشت نمی شود .

سیمای حریصان مال اندوز: حرص و طمع از صفات نکوهیده ای است که آدمی را از ذکر و یاد خدا و کمک به نیازمندان باز می دارد ، بطوری که او همیشه و در هر حال در یاد پول و ثروت ، و به مال اندوزی مشغول است، اینان گرچه ممکن است ثروتمند شوند ، اما در عین حال بیچاره ترین مردمانند ، چون حاصل فکر و ذکر و رنج و مشقت دهها سال آنها فقط نصیب دشمنانش (وارثین) که بی رحمانه مالش را تقسیم کرده و با ولع بسیار می بلعند ، می شود ، زیرا خود فرصت خوردن و استفاده از آن را هر گز پیدا نمی کنند.

گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور

... وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِئْسَ لَهُمْ بَعْدَ ابْتِلَائِهِمْ يَوْمَ تَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۵﴾ و کسانی که طلا و

۳- توبه/۳۵-۳۴

۱- رواه ابوداود ۲- مسلم و ترمذی

نقره رانده می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند ، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده . روزی (فراخواهد رسید که) این سکه ها در آتش دوزخ تافته می شود و پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان با آنها داغ می گردد. بدیشان گفته می شود : این همان چیزی است که برای خویشتن انداخته می کردید ، پس اینک بچشید مزه ی چیزی را که می اندوختید.

سیمای مردان غیر منصف : کسی که اقدام به ازدواج مجدد می نماید قبلاً باید درباره ی توانایی خود نسبت به اجرای عدالت در میان همسران بیندیشد ، اگر خویشتن را ناتوان دید نباید اقدام به ازدواج مجدد نماید چون علاوه بر عذاب اخروی در صحرای محشر هم معذب خواهد بود .

« من كان له امرأتان يميل لإحدهما على الاخرى جاء يوم القيامة احد شقيّه مائل ». ^(۱) کسی که دو همسر داشته و یکی را بر دیگری ترجیح داده است ، در روز قیامت در حالی به صحرای محشر وارد می شود که نصف بدنش فلج است .

سیمای قاتل: خداوند متعال قتل مظلومی را با قتل عام جامعه بشری یکسان دانسته است و می فرماید : ... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا... ^(۲) هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل ، یا فساد در زمین بکشد ، چنان است که گویی همه ی انسانها را کشته است.

« يجيء المقتول بقاتله يوم القيامة فيقول يا ربّ سل هذا فيم قتلني ». ^(۳) مقتول در روز قیامت بقیّه قاتل را می گیرد و در مقابل تمام مردم او را بسوی دادگاه الهی می کشد و می گوید : پروردگارا از این بیرس ؛ چرا مرا کشته است .

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ^(۴) و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ

^۱ - رواه نسائي و احمد ۲ - مائده/۳۲ ۳ - رواه احمد ۴ - نساء/۹۳

است و جاودانه در آن می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی بروی تهیه می بیند .

سیمای حسودان : بخل و حسادت از گناهان بزرگی است که سرچشمه ی آن جهل و نادانی آدمی است زیرا شخص حسود فقط به جسم و روان و اعمال حسنه ی خود صدمه می زند و سبب قساوت قلب خود می شود .

« **إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ** »^(۱) از حسد بهره‌یزید که براستی حسد نیکبها را از بین می برد همچنانکه آتش هیزم را از بین می برد .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ...^(۲) آنان که نسبت بدانچه که خداوند از فضل و نعمت خود بدیشان عطا کرده است بخل می ورزند گمان نکنند که این کار برای آنان خوب است و به سود ایشان است ، بلکه این کار برای آنان بد است و به زیان ایشان تمام می شود . در روز قیامت همان چیزی که بدان بخل ورزیده اند طوق ایشان می گردد .

سیمای عالم بی عمل : پیامبر (ص) درباره ی بزرگی مقام علما فرمود: «أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبَوَةِ أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْجِهَادِ ، أَمَّا أَهْلُ الْعِلْمِ فَدَلُّوا النَّاسَ عَلَى مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ ، وَأَمَّا أَهْلُ الْجِهَادِ فَجَاهِدُوا فَأَسْيَافُهُمْ عَلَى مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلِ»^(۳) . نزدیکترین مردمان به مقام نبوت عالمان و جهادگرانند . عالمان ، مردمان را به شریعت و منهج پیامبران راهنمایی می نماید ؟ و جهادگران با شمشیر هایشان در راه رسالت پیامبران تلاش می نمایند .

خداوند متعال در آیه دوم و سوم سوره ی صف ، عالمان بی عمل را مورد مذمت قرار داده و می فرماید : لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ

۳- ابو نعیم - احیاء

۲- آل عمران / ۱۸۰

۱- رواه ابوداود و ابن ماجه

تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٠﴾ چرا سخنی (به دیگران) می گویند که خودتان برابر آن عمل نمی کنید؟ اگر سخنی را بگویند و خودتان برابر آن عمل نکنید موجب کینه و خشم عظیم خدا می گردد .

« در روز محشر روده های عالمان بی عمل روی زمین کشیده می شود و اهل محشر بر روی آنها می گذرند ، چون از آنها پرسیده می شود چرا چنین حالی دارید ؟ گویند : دیگران را امر به نیکی می کردیم و خود انجام نمی دادیم و از بدی باز می داشتیم ولی خود مرتکب می شدیم»^(۱).

دین به دنیا فروشان خرنند یوسف فروشنده تا چه خرنند
زیان می کند مرد تفسیردان که علم و ادب می فروشد به نان

سیمای اعراض کنندگان از ذکر خدا: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى ﴿١٧﴾^(۲) و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند) ، زندگی تنگی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا گرد می نمائیم ...

تأخیر در محاکمه و محاسبه

بعد از دریافت نامه ی اعمال ، مردمان همچنان در صحرای محشر سالهای سال سرگردانند و مجرمین و گناهکاران سخت گرفتار تشنگی ، گرسنگی ، گرمای سوزان ، عذاب و حسرت و ندامت هستند . اَلْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ؕ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ يَعْصُ الْأُطَالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ يَوْمَئِذٍ لَيَتَنِي لَمْ أَخَذْ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٣﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ؕ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا ﴿٢٤﴾^(۳) و در آن روز حکومت واقعی و ملک حقیقی ، از آن خداوند مهربان است و آن روز برای کافران روز سختی خواهد بود و در آن روز ستمکار هر دو دست خویش را به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا (بهشت

۱- متفق علیه ۲- طه/ ۱۲۴ ۳- فرقان/ ۲۹-۲۶

را) بر می گزیدم. ای کاش من فلانی را به دوستی نمی گرفتم. بعد از آنکه قرآن به دستم رسیده بود، مرا همراه کرد (آری این چنین) شیطان انسان را خوارِ خوار می دارد.

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٦﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٧﴾^(۱) این روز روزی است که سخن نمی گویند و بدیشان اجازه داده نمی شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهی بکنند.

مردمان سالها در صحرای محشر در نهایت بدبختی و بیچارگی و شدت گرسنگی و تشنگی سرگردانند و خداوند به آنها توجهی ندارد ...

چون طاقتها بسر آید مردمان شافعی را طلب می کنند و دنبال کسی می گردند که بتواند نزد خداوند متعال برای آنان شفاعت نماید تا خداوند محاکمه و محاسبه را شروع نماید گرچه بسوی دوزخ هم باشد.

ابوهریره (رض) از قول پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آن صحنه را این چنین تصویر می نماید: « خداوند متعال کلیه آدمیان را در روز قیامت در صحرای محشر جمع می نماید و خورشید لحظه به لحظه نزدیکتر می شود و گرما و حرارتش چندین برابر می گردد، پس غم و اندوه و عذاب آنچنان مردمان را احاطه می نماید که توانایی تحمل آن را ندارند، پس عده ای نزد حضرت آدم (ع) می روند و گویند: ای آدم تو ابوالبشر و مخلوقی هستی که مستقیماً با دست قدرت خداوند متعال خلق شده ای و خداوند از روح خود در تو دمیده و فرشتگان بر تو سجده برده اند، بر آنچه که بر ما می گذرد آگاهی، پس نزد خداوند برایمان شفاعت کن.

حضرت آدم (ع) گوید: امروز خداوند چنان در خشم و غضب است که هرگز چنین نبوده و نخواهد بود، همانا به من امر شد از درختی نخورم، اما نافرمانی کردم. پس مرا به حالت خود رها کنید و نزد نوح بروید.

مردمان نزد نوح (ع) می روند و می گویند: ای نوح تو اولین پیغمبر اولوالعزم هستی و خداوند تورا بنده ای شکور یاد کرده است، بر آنچه که بر ما می رود، نزد خداوند برایمان شفاعت کن.

^۱ - مرسلات/ ۳۶-۳۵

نوح(ع) گوید: تا کنون خداوند این چنین در خشم و غضب نبوده است به من امر شد که قومم را هدایت کنم ، اما چون دعوتم موثر واقع نشد بر هلاک آنها دعا کردم ، مرا بخود واگذارید و نزد ابراهیم روید .

ابراهیم(ع) را هم می یابند به او می گویند تو خلیل الله و پدر بسیاری از پیامبران هستی ، پس برایمان شفاعت کن . او هم تاکتیک های دروغ مانند خود (شکسته شدن بتها توسط بت بزرگ ، و خواهر-دینی- یاد کردن همسرش سارا نزد فرمانروای ستمگر مصر) را یاد آور می شود و آنان را به موسی(ع) حواله می دهد .

مردمان نزد موسی (ع) می آیند : او هم می گوید : من قبل از نبوت کسی را کشته ام ! (با وجود اینکه خداوند توبه ی او را پذیرفته است اما او) به آنها می گوید : نزد عیسی(ع) بروید . مردمان حضرت عیسی (ع) را می یابند و گویند: ای عیسی تو رسول الله و کسی هستی که در گهواره با مردم سخن گفتی و کلمه ای بودی که از طرف خداوند متعال به حضرت مریم القا شدی و تو روح الله هستی ، پس برایمان شفاعت کن . حضرت عیسی هم خشم و غضب خداوند را یاد آور می شود و گوید این کار فقط از خاتم انبیاء محمد (ص) ساخته است پس نزد وی بروید .

مردمان نزد حضرت محمد (ص) می آیند : و گویند : ای محمد تو رسول الله و خاتم الانبیاء و کسی هستی که خداوند گناهان گذشته و آینده ات را بخشیده است ، بر عذابی که بر ما می رود نزد پروردگار برایمان شفاعت کن.

پیامبر (ص) در زیر عرش الهی به سجده رفته و هرآنچه از حمد و تسبیح و تقدیس که به او الهام می شود ، بیان می دارد ، پس خداوند خطاب به او فرماید : ای محمد سر از سجده بردار و طلب کن ، عطا می شود . پس برای آغاز محاسبه و محاکمه شفاعت می نماید ^(۱) .

« وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُ لِيَخْفَ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَكُونَ أَهْوَنَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَلَأَةِ الْمَكْتُوبَةِ بِصَلِيهَا فِي الدُّنْيَا » ^(۲) سوگند به آنکه جانم در قبضه ی قدرت او است که آن (انتظار) بر مؤمن سبک گردانیده شود بطوری که بر او آسانتر از نمازهای فریضه ای است که در دنیا می گزارده است .

^۱ - رواه ترمذی

^۲ - رواه احمد و ابن حبان

آغاز محاسبه و محاکمه

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ ^(۱) به پروردگارت سوگند که حتماً از جملمگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد. از کارهایی که می کرده اند. بعد از اجابه ی دعاهاى پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و قبول شفاعت ، فرشتگان از آسمان فرود می آیند و حاملان عرش ، عرش پروردگار را به صحنه محشر می آورند و فرشتگان صف های مرتب و منظمی تشکیل داده و یک صدا می گویند : « سبحان ذی العزه و الجبروت ، سبحان ذی الملك و الملكوت ، سبحان الحی الّذی لا یموت ، سبحان الّذی یمیت الخلاق و لا یموت » سپس خداوند متعال به صحرای محشر شرفیاب می شود :

كَأَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿١٤﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿١٥﴾ ^(۲) هرگز هرگز ! زمانی که زمین سخت در هم کوبیده می شود و صاف و مسطح می گردد. و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند .

خداوند متعال کلامش را با تلاوت آیات قرآن کریم آغاز می نماید و خطاب به اهل محشر فرماید: يٰٓأَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَمِلْتَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿١٦﴾ الَّذِیْ خَلَقَكَ فَسَوَّنَكَ فَعَدَلَكَ ﴿١٧﴾ فِیْ أٰیِّ صُوْرَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿١٨﴾ ^(۳) ای انسان ! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است و در حق او گولت زده است . پروردگاری که تو را آفریده است و سپس سروسامان داده است و بعد معتدل و متناسبت کرده است . و آنگاه به هر شکلی که خواسته است تو را در آورده است و ترکیب بسته است .

* أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیْكُمْ یٰٓبَنَىٰ آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّیْطٰنَ ۖ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ ﴿١٩﴾ ^(۴) ای آدمیزادگان ! مگر من به شما سفارش نمودم و امر نکردم که اهریمن را اطاعت نکنید ، چرا که او دشمن آشکار شما است.

الْیَوْمَ تُجْزٰی كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَا ظُلْمَ الْیَوْمَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠﴾ ^(۵) امروز

۱- حجر/۹۳-۹۲ ۲- فجر/۲۲-۲۱ ۳- انفطار/۸-۶ ۴- یس/۶۰ ۵- غافر/۱۷

هر کسی در برابر کاری که کرده است جزا و سزا داده می شود هیچگونه ستمی امروز وجود نخواهد داشت...

پیامبر (ص) فرماید: «إِنِّي لَارْجُو أَلَّا تَعْجَزَ أَمْتِي عِنْدَ رَبِّهَا أَنْ يُوْخِرَهُمْ نِصْفَ يَوْمٍ. قِيلَ: كَمْ نِصْفَ ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ قَالَ: خَمْسُ مِائَةٍ سَنَةٍ»^(۱) امیدوارم که خداوند متعال محاسبه ی امتم را بیش از نصف روز به تأخیر نیندازد، گفته شد: نصف روز چقدر است؟ فرمود: پانصد سال.

پیامبر (ص) در بارهٔ سؤالی که همگان باید بدان پاسخ دهند فرمود: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ عَمَلِهِ فِيمَ افْتَنَاهُ وَ عَنِ عَمَلِهِ فِيمَ فَعَلَ وَ عَنِ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَ أَنْفَقَهُ وَ عَنِ جَسَمِهِ فِيمَ ابْلَاهُ»^(۲) در روز قیامت به بنی آدم اجازه داده نخواهد شد که از جایش تکان خورد و قدمی به پیش بردارد تا از او پرسیده شود که عمرش را در چه چیزی صرف کرده است و از عملش، که چه کارهایی انجام داده است و از مال و دارائیش که از چه راهی کسب کرده و در چه چیزی هزینه نموده است و از جسم و بدنش که چگونه و برای چه چیزی پوسانده است.

(ای بنی آدم تا فرصت هست، بیندیش و نفس خود را محاسبه کن: وقت و عمرت را چگونه می گذرانی؟! به چه کارهایی مشغول هستی؟! از چه راهی درآمد کسب می کنی و چگونه آن را هزینه می نمایی؟! بیندیش!!)

خداوند متعال محاکمه را شروع می نماید و ابتدا پیامبران جهت محاکمه احضار می شوند و چگونگی دعوت و انجام تکلیف رسالت را از آنها جویا می شود: * يَوْمَ تَجْمَعُ إِلَٰهَ الرُّسُلِ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ^(۳) آن روزی (را خاطر نشان ساز) که خداوند پیغمبران را گرد می آورد و بدیشان می گوید: به (دعوت) شما چه پاسخی داده شده است؟ می گویند: ما را هیچ گونه آگاهی و دانشی نیست، تو خود از تمام خفایا آگاهی...

^۱ - رواه ابوداود ^۲ - رواه ترمذی ^۳ - مائده/۱۰۹

در آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره ی مائده در باره ی محاکمه ی حضرت عیسی آمده است : **وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُوتِي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ قَالَ سُبْحَنَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ ۚ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۚ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ۚ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ ۚ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مِمَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۚ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الْرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۚ** (و خاطر نشان ساز) آنگاه را که خداوند می گوید : ای عیسی پسر مریم ! آیا تو به مردم گفته ای که بجز الله ، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید ؟ عیسی می گوید : ترا منزله از آن می دانم که دارای شریک و انباز باشی ، مرا نسزد که چیزی را بگویم که حق من نیست . اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی . تو از راز درون من هم باخبری ، ولی من از آنچه بر من پنهان می داری بی خبرم ، زیرا تو داننده ی رازها و پنهانیهای . من به آنان چیزی نگفته ام مگر آنچه را که مرا به گفتن آن فرمان داده ای . اینکه جز خدا را نپرستند که پروردگار من و پروردگار شما است . من تا آن زمان که در میان آنان بوده ام از وضع ایشان اطلاع داشته ام ، و هنگامی که مرا میراندی تنها تو مراقب و ناظر ایشان بوده ای و تو بر هر چیزی مطلع هستی .

در آن روز پیامبر(ص) جرم عقب ماندگیها و ذلت و خواری امت اسلام را به گردن خود آنها انداخته و فرماید : **وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْفَرَّاءَ مَهْجُورًا ۚ** ^(۱) و پیغمبر (شکوه کنان از کیفیت برخورد مردمان با قرآن) عرض می کند ، پروردگارا ! قوم من این قرآن را رها و از آن دوری کرده اند .

بعد از پایان محاکمه ی پیامبران ، محاسبه ی دیگر اقشار آغاز می شود . جبرئیل مردمان را با صدای بلند آواز دهد : ای فلان پسر یا دختر فلان در موقف محاکمه حاضر شو . پس اگر از حضور امتناع ورزد ، فرشتگان کشان کشان او را به پشت میز محاکمه می برند .

کیف حالی یا الهی لیس لی خیر العمل سوء اعمالی کثیر زاد طاعاتی قلیل
 ذنبه ذنب عظیم فاغفر الذنب العظیم إنه شخص غریب مذنب عبد ذلیل
 هب لنا ملکا کبیرا نجّنا ممّا نخاف ربّنا إذ انت قاضٍ والمنادی جبرئیل^(۱)
 « پروردگارا ! باید چگونه باشد حال من ، در حالی که عمل نیکویی ندارم ولیکن
 اعمال بد و ناروایم فراوان و طاعاتم اندک و ناچیز است . کسی (من) که گناهش گناه
 بزرگی است ، پس بیمارز گناه بزرگ را ، براستی او (من) فردی غریب و گناهکار و
 بنده ای خوار و ناتوان است . مارا نعمت بزرگی عطا فرما و از آنچه بیمناکیم ، نجاتمان
 ده ، پروردگارا ! در آن دم که تو قاضی و جبرئیل منادی است.»

پیامبر (ص) فرماید: « ما منکم الاّسیکلمه ربّه یوم القیامه لیس بینہ و بینہ
 ترجمان»^(۲) کسی از شما نیست مگر اینکه در روز قیامت با خداوند متعال شخصاً
 سخن خواهد گفت ، در حالی که میان او و پروردگارش کسی مترجم نیست .
 « یدنو احدکم من ربّه حتّٰی یضع کتفه علیہ فیقول: أعملت کذا و کذا ؟ فیقول:
 نعم . و یقول: أعملت کذا و کذا؟ فیقول : نعم ، فیقرره ثمّ یقول: إنّی سترت
 علیک فی الدنیا و أنا اغفرها لک الیوم ، ثمّ یعطی صحیفه حسناته . و اما الکافر
 فینادی علی رؤس الاشهاد ، هولاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی
 الظالمین ».^(۳) یکی از شما (مؤمنان) آنچنان به پروردگارش نزدیک می شود (که
 احساس می کند) خداوند دستهایش را بر روی کتف های او قرار داده ، پس (به
 آرامی) به او می گوید : آیا تو چنین و چنان (گناه و نافرمانی) کردی ؟ پس بنده
 گوید : بلی . باز خداوند فرماید : آیا چنین و چنان کردی؟ گوید : بلی . بعد از گرفتن
 اقرار از او ، پس خداوند متعال فرماید من در دنیا آنها (گناهانت) را پوشاندم ، امروز
 هم بر تو می بخشم (چون خودت هم آنها را افشا نکردی و از عواقب آن بیمناک بوده
 ای) پس نامه ی اعمال حسنه اش به او اعطا می شود . اما کفار (که در دنیا، بی شرم
 و حیا بوده اند) در برابر دیدگان تمام مردمان فراخوانده شده و مورد محاکمه قرار
 می گیرد ، اینان کسانی بوده اند که به پروردگار خود دروغ بسته اند . پس لعنت

^۱ - مناجات ابوبکر صدیق ^۲ - رواه الشیخان و ترمذی ^۳ - رواه الشیخان

خداوند برستمگران باد.

در روز قیامت در برابرهمگان کافری را می آورند و به او گفته می شود : اگر به اندازه کره زمین طلا می داشتی آیا حاضر بودی آن را برای آزادی خود بپردازی؟ گوید: آری . به او گفته می شود در دنیا بسیار آسانتر از این از تو خواسته شد ، اما انجام ندادی!

مده فرصت از دست گر بایدت که گوی سعادت ز میدان بری
فرصت عزیز است چون فوت شود بسی دست حسرت به دندان گزی

﴿ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴾^(۱) روزی ، هرکسی می آید و به دفاع از خود برمی خیزد و به هر فردی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می شود و به هیچ کسی ستمی نمی شود .

عده ای بر اثر جهالت خود ، چنان می پندارند که محکمه ی الهی هم همچون محکمه های دنیوی است که با رشوه و چرب زبانی و سوگند های دروغین و تعریف و تمجید بی جا می توان خویشتن را از عذاب برحذر داشت ، لذا به اعمال ناروای خود اقرار نمی نمایند و سوگند یاد می کنند که ما از مجرمان نبوده بلکه مصلح و متقی و پرهیزگار بوده ایم . قرآن احوال آنان را چنین بیان می نماید:

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿۳﴾ روزی خداوند همه ی آنان را زنده می گرداند . آن روز برای خدا سوگند می خورند همانگونه که (امروز برای شما) سوگند می خورند، و گمان می برند که ایشان دارای چیزی (از هوش و زرنگی) هستند. هان ، ایشان دروغگویانند...

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَنشَهُدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۳﴾ امروز بر دهانهایشان مهر می نهیم ، و دستهایشان با ما سخن می گویند ، و پاهایشان

بر) کارهایی که انجام می داده اند و) چیزهایی که فراچنگ می آورده اند گواهی می دهند .

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١﴾
(^۱) هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند ، گوشها و چشمها و پوستهای ایشان بر کارهایی که (در دنیا) می کرده اند ، گواهی می دهند... وَقَالُوا لِيُجْلِدَهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ... (^۲) آنان به پوستهای خود می گویند : چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ پاسخ می دهند: خداوندی ما را به گفتار در آورده است که همه چیز را گویا نموده است ...

روز محشر هر نهان پیدا شود هم زخود هر مجرمی رسوا شود
دست بر کافر گواهی می دهد لشکر حق می شود سر می نهد

دست گویدمن چنین دزدیده ام لب گوید من چنین بوسیده ام
چشم گویدغمزه کردستم حرام گوش گوید چیده ام سوء الکلام

بس دروغ آمد به سرتاپای خویش چون گواهی می دهد اعضا زپیش
پس چنان کن کآن خود بی زبان باشد اشهد گفتن عین البیان

تا همه تن عضووت ای پسر گفته باشد اشهد اندر نفع و ضرر
گرسبه کردی تونامه ی عمرخویش توبه کن زآنهاکه کردستی به پیش

فضیلت مساکین

مساکین کسانی هستند که به منظور تأمین مخارج و هزینه های زندگی خود و خانواده نهایت سعی و تلاش خود را می نمایند ، اما چون هزینه ها بیش از در آمدشان است ، ایام را در تنگ دستی و فقر سپری می نمایند اما تن به ذلت نداده ،

^۱ - فصلت/ ۲۰ ^۲ - فصلت/ ۲۱

دست نیاز و گدایی بسوی کسی دراز نمی کنند . اینان چون در دنیا صبر پیشه کرده و به اجر و پاداش پروردگار خود امید داشته اند، در روز قیامت بر سایر مؤمنان ترجیح دارند.

پیامبر (ص) فرمود: «اللهم أحييني مسكيناً و أمتني مسكيناً و احشرنی فی زمره المساكين يوم القيامة. فقالت عائشه : لم يا رسول الله (ص) ؟ قال: إنهم يدخلون الجنة قبل أغنيائهم بأربعين خريفاً . يا عائشه لا تردّي المسكين و لو بشق تمره يا عايشه أحيى المساكين وقرّبهم فإن الله يقربك يوم القيامة».^(۱)

پروردگارا ! مرا در زندگی دنیوی مسکین گردان و مسکین بمیران و در زمره ی مساکین محشور فرما . حضرت عایشه (رض) گفت : چرا ، ای پیامبر خدا(ص) ؟ فرمود : اینان به مدت چهل سال قبل از اغنیاء مسلمان داخل بهشت می شوند. ای عائشه ، نسبت به مسکین بی توجهی نکن گرچه با دادن نصف خرما هم باشد و ای عائشه مساکین را دوست بدار و به آنان نزدیک شو . همانا در روز قیامت از نزدیکان و مقربان خداوند خواهی بود .

صفت میزان

میزان به معنی سنجیدن و وزن نمودن می باشد . در روز قیامت بعد از تحویل و رؤیت نامه ی اعمال ، نیکیه‌ها و بدیهای هر مؤمن و مجرمی با ترازوی الهی سنجیده می شود و هر مؤمنی بنا به میزان اعمال صالحش مقامات سعادت را در بهشت دارا می شود ، و هر مجرمی بنا به میزان اعمال ناروایش جایگاهش در طبقات دوزخ معین می شود . و به اندازه ی وزن یک اتم و کمتر از آن هم به کسی ظلم نمی شود .

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَسِيبًا ﴿٤٧﴾ و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد ، و اصلاً به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود ، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می سازیم و

^۱ - بیهقی و شعب الایمان - ۲ - الانبیاء / ۴۷

بسندۀ خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم.
وَالْوَزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩٩﴾ وَمَنْ خَفَّتْ
مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ يَمَا كَانُوا بِعَاقِبَتِنَا يَظْلُمُونَ ﴿١٠٠﴾^(۱) سنجش
درست (ودقیق اعمال) آن روز انجام می گیرد . پس هر که (کفه ی حسنات) ترازوی
او سنگین شود ، این چنین کسانی رستگارند . و کسی که (کفه ی حسنات او از کفه ی
سیئات) ترازوی او سبک شود ، این چنین کسانی به سبب پیوسته انکار کردن آیات ما
(سرمایه ی وجود) خود را از دست داده اند .

پیامبر (ص) در باره اهمیت ایمان به کلمه ی « لا اله الا الله و محمد رسول الله »
فرمود: « خداوند متعال در روز قیامت در مقابل دید همگان کسی را محاکمه می کند
که اعمال سیئه و بد او ۹۹ جلد و عمل نیکش فقط یک برگ کاغذ می باشد . به او
گفته می شود : آیا این همه اعمال ناروا را انکار نمی کنی ؟ و آیا نویسندگان اعمال بر
تو ظلم نکرده اند؟ در جواب گوید : هرگز پروردگارا ! پس به او گفته می شود : آیا
عذر و اعتراضی داری؟ گوید : خیر . خداوند به او فرماید : حسنۀ ای از تو نزد ما است
و ما امروز بر تو ظلم نمی کنیم پس برگ کاغذ بیرون آورده می شود که در آن نوشته
شده است : (اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ) خداوند
جل جلاله گوید:ترازوی عدل را بیاورید. آن شخص هم گوید : پروردگارا ! وزن یک
برگ کاغذ در مقابل این همه کتاب بزرگ چه باید باشد؟ خداوند فرماید : به تو ظلم
نمی شود . پس کلیه ی مجلدات اعمال بد در یک کفه ترازو و یک برگ کاغذ هم در
کفه دیگر قرار داده می شود . ناگاه بر خلاف انتظار همگان همه ی مجلدات در مقابل
یک برگ کاغذ سبک می گردد ، زیرا هیچ چیز سنگین تر از کلمه " الله " نیست»^(۲)

... وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ...^(۳) کسانی که به خدا ایمان بیاورند و کارهای شایسته
بکنند ، خداوند بدیهای ایشان را بزداید ، و آنان را به باغهای بهشتی داخل می گرداند

^۱ - اعراف/۹-۸ - ^۲ - رواه ترمذی ۳- تغابن/۹

که از زیر آن رودبارها جاری است و در آنجا برای همیشه جاودانه می ماند
اعمال نیک کفار و مرتدین چون از روی اخلاص و به منظور کسب رضای الهی نبوده
است فاقد هر گونه ارزش و اعتباری خواهد بود و در آیه ۱۰۵ سوره کهف در این باره

می فرماید: ... وَلَقَائِهِمْ فَحِطَّتْ أَعْمَلُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنًا ﴿۱۰۵﴾ اعمال

ایشان باطل و هدر می رود ، و در روز رستاخیز برای ایشان ارزشی قایل نمی شویم .
توبه کنندگان از کفر و نافرمانی و جویندگان حقیقت سرانجام نیکی در انتظار آنان
خواهد بود : إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ
حَسَنَاتٍ ... ^(۱) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد ،
خداوند (گناهان چنین کسانی را می بخشد) و بدیها و گناهان (گذشته ی) ایشان
را به خوبیها و نیکیها تبدیل می کند.

پس از سنجش اعمال و پایان محاکمه و محاسبه مردمان سه گروه می شوند :

۱- کفار ، مشرکین و منافقین : اینان چون دشمن خدا و دین خدا بوده اند برای
همیشه در دوزخ معذب خواهند بود .

۲- انبیاء ، صدیقین، شهدا و صالحین : اینان کسانی بوده اند که دامن خود را به گناه
نیالوده اند و عمر خود را در تبلیغ و دعوت و عبادت و پرهیزکاری سپری کرده و اهل
قیام اللیل بوده اند، اینان در کمال آسایش و آرامش برای همیشه در بهشت خواهند بود.

۳- مرتکبین اعمال نیک و بد: کسانی اند که اعمال بد آنان از نیکیهایشان سنگین تر
بوده است و باید به میزان جرمشان در دوزخ حساب پس دهند و پس از آن از دوزخ
خارج خواهند شد ^(۲).

^۱ - فرقان/ ۷۰ ^۲ - نظر بعضی از علما بر این است که این عده در عالم برزخ و صحرائی محشر در عذاب بوده و

حساب پس خواهند داد

قصاص

قصاص ؛ عبارت است از دادن حق به ذی حق ، و گرفتن حق مظلوم از ظالم . هرگز کسی از حساب آخرت نرهد ، مگر اینکه در دنیا با نفس خود حساب کند و اعمال و اقوال خود را با میزان شرع بسنجد و از همه ی گناهان پیش از مرگ توبه کند و به تدارک تقصیرات اقدام نماید ، و تک تک مظالم را پس دهد و فرایض فوت شده را بجا آورد ، و کسانی را که با دشنام و غیبت مورد تعرض قرار داده است ، از آنان حلاطیت بطلبد تا آنگاه که بمیرد بر او فرایض و مظالمی نمانده باشد .

« رحم الله عبداً کانت لآخیه عنده مظلومه فی عرضِ او مالٍ فجاءه فاستحله قبل أن یؤخذ و لیس ثمّ دینار و درهم فإن کانت له حسنات اخذ من حسناته و إن لم تکن له حسنات حملوا علیه من سیئاتهم »^(۱) خداوند بیامزد بنده ای را ، که حقّی از برادرش از آبرو و مال نزد او است ، پس از او حلاطیت می طلبد قبل از آنکه گرفتار شود و دینار و درهم در آنجا پذیرفته نمی شود . پس اگر حسنات داشته باشد ، از حسناتش گرفته می شود و اگر حسنات هم نداشته باشد ، سزای گناهان شخص مظلوم را عهده دار خواهد شد. « حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا و زنوها قبل أن توزنوا »^(۲) خود را مورد محاسبه قرار دهید قبل از آنکه مورد محاسبه قرار گیرید بسنجید آنها (اعمالتان) را قبل از آنکه سنجیده شوند.

در روز قیامت بعد از سنجش اعمال نوبت به قصاص می رسد . وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَفِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ^۱ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿۲﴾ مُهْطِعِينَ^۳ مُقْبِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ^۴ وَأَفْعِدُتْهُمْ هَوَاءً^۵ (ای پیغمبر) گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می کنند بی خبر است (نه بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالّت می کند که چشمها در آن (از هول و هراس) باز می مانند . (ستمگران از هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندا دهنده می شتابند) و چشمانشان (از مشاهده ی عذاب) فرو بسته نمی شود و دلپایشان (از عقل و فهم و اندیشه) تهی می گردد. وَقْفُوهُمْ^۶ إِنْهُمْ مُسْئِلُونَ^(۴) آنها را نگاه دارید باید بازپرسی شوند .

۴ - صافات/ ۲۴

۳ - ابراهیم/ ۴۳- ۴۲

۲ - عمراین الخطاب

۱ - رواه ترمذی

پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در ارتباط با قصاص خطاب به اصحاب فرمود : « اتدرون من المفلس ؟ قالوا : المفلس فينا من لا درهم له و لا متاع . فقال: إنّ المفلس من امتی من یأتی يوم القيامة بصلاه و صیام و زکاه و یأتی قد شتم هذا و قذف هذا و أکل مال هذا و سفک دم هذا و ضرب هذا ، فیعطى هذا من حسناته و هذا من حسناته فإن فنیت حسناته قبل أن یقضی ماعلیه اخذ من خطایهم فطرحت علیه ثمّ طرح فی النار ».^(۱) آیا می دانید مفلس کیست؟ گفتند : در میان ما مفلس کسی است که پول و سرمایه ای ندارد . پیامبر (ص) فرمود : همانا مفلس امت من کسی است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات می آید ، اما کسانی را اذیت کرده و کسانی را دشنام داده و مال عده ای را به ناحق پایمال کرده و خون عده ای را به ناحق ریخته و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار داده است . پس از حسنات او به صاحبان حق داده می شود و اگر حسناتش کافی نبود ، سزای گناه صاحبان حق بر او تحمیل می شود و سپس در آتش افکنده می شود ...

ستم بر حیوانات هم مستوجب قصاص است پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در این باره می فرماید: « دخلت المرأة النار من هرّه ربطتها فلا هی أطعمتها ولا هی أرسلتها ترمم من خشاش الارض حتی ماتت هزلاً ».^(۲) زنی به سبب زندانی کردن گربه ای داخل آتش گردید ، زیرا نه به او غذا داد و نه اجازه ی خروج داد تا از حشرات زمین استفاده ی غذایی نماید و از گرسنگی جان داد.

نیکی در حق حیوانات هم مستوجب اجر و پاداش است . پیامبر(ص) در این باره فرماید: « بینما رجل یمشی بطریقٍ إشتد علیه العطش فوجد بئراً فنزل فیها فشرب ثمّ خرج فإذا کلب یلهث یأکل الثری من العطش فقال الرجل: لقد بلغ هذا الکلب من العطش مثل الذی کان بلغ بی ، فنزل البئر فملا خفه ثمّ امسکه بفيه فسقى الکلب فشکر الله له فغفر له . قالوا : یا رسول الله و إنّ لنا فی البهائم اجراً ؟ فقال: نعم فی کلّ ذات کبدٍ رطبٍ اجر ».^(۳) مردی از مسیری عبور می کرد و تشنگی به شدت او را آزار می داد پس چاه آبی یافت و به اندورن چاه رفت

۳- رواه الشيخان

۲- رواه الشيخان

۱- رواه مسلم و ترمذی

و آب نوشید و سپس خارج شد و دید سگی در اثر شدت تشنگی خاکهای مرطوب را می لیسید ، با خود گفت ؛ بی شک اکنون این سگ هم به مانند من به سبب تشنگی در عذاب است . پس به اندرون چاه رفت و و خف (کفشش) را پر از آب کرد و با دهان گرفت و از چاه خارج شد و سگ تشنه را آب داد . خداوند متعال او را مورد تقدیر قرار داده ، همه ی گناهانش را مورد مغفرت قرار داد . اصحاب پرسیدند: ای پیامبر خدا(ص) آیا ما هم نسبت به حیوانات اهلی نیکی می کنیم اجری داریم ؟ پیامبر (ص) فرمود : نیکی کردن درحق هر جاندارى اجر دارد .

پل صراط

« صراط پلی است بر روی دوزخ ، که باید همگان از روی آن پل بگذرند . این پل برای کفار و مشرکین از موباریکتر و از الماس برنده تر است ، اما اهل ایمان با توجه به میزان تقوا و اخلاص خود از روی پل می گذرند ، پس برخی همچون برق و بعضی چو باد و بعضی با سرعت اسب و اشتر و بعضی هم بطریق معمولی و بعضی دیگر به سختی می گذرند . بر روی پل و کناره های آن خارهای آهنی قلاب ماندنی آویزان است که مأمور به گرفتن و زخمی نمودن اهل شقاوت می باشند و هر آنکه گرفتار شود به عمق دوزخ پرت می گردد ... »^(۱) .

دعای پیامبران به هنگام عبور امت خود (ربّ سلم سلم) است . پروردگار ! امتم به سلامت از پل بگذرند و آنها را یاری فرما .

صراط از نظر لغوی به معنی راه و روش و طریق است و در اینجا منظور راه و روشی است که انسان را به سرمنزل سعادت و خوشبختی دائمی می رساند ، همچنانکه در نماز های یومیه می گوئیم : « إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ » پروردگارا ما را به راه راست هدایت فرما . وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۲۲﴾^(۲) این راه (که من برایتان بیان کرده ام) راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راههای)

^۱ - رواه مسلم ^۲ - انعام/ ۱۵۳

باطلی که از آن نهی کرده ام) پیروی نکنید که شما را از راه خدا (منحرف و) پراکنده می سازد. اینها چیزهایی است که خداوند شما را بدان توصیه می کند تا پرهیزگار شوید.

بی شک آنانکه در صراط مستقیم الهی گام برندارند و طریق بدعت و گمراهی را بپیمایند در آخرت زیانکار خواهند بود ، بنابراین لازم است در عقاید و راه و روشی که در پیش گرفته ایم تجدید نظر نمائیم و ببینیم آیا همان راه و روشی است که پیامبر(ص) آورده است یا راه و روشی غیر از آن است ، اگر غیر از آن است ، قطعاً ما را بجای رساندن به سرای سعادت به سرای اهل شقاوت خواهد برد...

... كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٦٦﴾ ^(۱) هر گروهی از روش و آئینی که دارد خرسند و خوشحال است. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... ^(۲) بیگمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام است. وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ ^(۳) و کسی که غیر از اسلام آئینی برگزیند ، از او پذیرفته نمی شود ، و او در آخرت از زمره ی زیانکاران خواهد بود .

ورود به دوزخ

پس از پایان محاکمه و محاسبه ، همگان وارد دوزخ می گردند و مناظر هولناک و عذابهای سخت را مشاهده می نمایند : وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٦٧﴾ ثُمَّ نُتِجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدَرُوا الظِّلْمَ فِيهَا جَنَّاتٍ ^(۴) همه ی شما (انسانها بدون استثنا) وارد دوزخ می شوید (مؤمنان برای عبور و دیدن و کافران برای دخول و ماندن) این امر حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان . سپس پرهیزگاران را نجات می دهیم و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می سازیم. در یکی از جنگها هنگامی که میان سپاه اسلام و کفار جنگ سختی در گرفت و نیروی دشمن صفوف سپاه اسلام را از هم شکافت ، عکرمه صحابی مجاهد بانگ بر

^۱- روم/ ۳۲ ^۲- آل عمران/ ۱۹ ^۳- آل عمران/ ۸۵ ^۴- مريم/ ۷۲-۷۱

آورد و گفت : کیست که با من پیمان مرگ ببندد. بیش از صد نفر با او پیمان مرگ بستند ، در این لحظه یکی از همزمان ، عکرمه را در حال گریه دید ، تعجب کرد و پنداشت از ترس جان می گرید. علت را جويا شد. عکرمه گفت : گریه ی من از بهر جان نیست ، جان مرا کی شایسته ی آن است که در راه خدا و دفع خطر از سپاه اسلام فدا شود . من در اندیشه ی آن لحظه ام که فرماید : **وَإِنْ مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا** کسی نیست از شما مگر اینکه به دوزخ در آید . به یقین می دانم که جزو واردین به دوزخ هستم اما نمی دانم آیا خداوند مرا به فضل و کرم خود از دوزخ خارج می سازد یا نه؟! پروردگارا ! دل‌های ما را از پلیدیها پاک گردان و از اندیشه های باطل دنیوی برحذر دار . و از ایمان و اخلاص سیراب گردان و توفیق عبودیت عنایت فرما تا احساس مسئولیت کرده و عظمت از دست داده را باز یابیم و سرای سعادت را نصیب ما بفرما.

روز فصل و جدایی

چون تاکنون در کلیه مراحل همگان باهم بوده و تا اندازه ای وضع و حال مشابه یکدیگر داشته اند و از احوال یکدیگر با خبر بوده و همچنین به سبب احساس وجود انبیاء درمیان خود امیدوار بوده اند ، پس از ورود به دوزخ فرمان خداوند متعال دال بر جدایی نیکوکاران از بدکاران بر مردمان قرائت می شود . راستی باید گناهکاران در آندم چه حالی داشته باشند هنگامی که امر می شود : **وَأْمَتُّوْا أَلِیَوْمَ أَیُّهَا الْمُجْرِمُونَ** ^(۱) **هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ** ^(۲) ای بزهکاران امروز (از مؤمنان) جدا و بدور شوید. این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد... با چشمان خود می بیند کاروان مؤمنان دسته دسته بسوی بهشت رهسپار می شوند و آنها را در میان شعله های سوزان آتش رها می کنند آیا بر درد فراق و جدایی بگریند یا بر عذاب سخت دوزخ ... **وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا** ^(۳) **يَوَيْلَ لِّيَ لَمَّا أَخَذْتُ فُلَانًا خَلِيلًا** ^(۴) **لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا** ^(۵) در آن روز ستمکار هر دو دست خویش را (

۱- یس/۶۳ و ۵۹ ۲- فرقان/۲۹-۲۷

از شدت حسرت و ندامت (به دندان می گزد و می گوید : ای کاش با رسول خدا راه (بهشت را) برمی گزیدم . ای کاش من فلانی را به دوستی نمی گرفتم . بعد از آنکه قرآن (برای بیداری و آگاهی) به دستم رسیده بود ، مرا گمراه (و از حق منحرف و منصرف) کرد . (این چنین) شیطان انسان را خوار خوار می سازد

شفاعت

بعد از آنکه فرمان خداوند متعال دال بر جدایی نیکوکاران از بدکاران صادر گردید ، نیکوکاران از دوزخ خارج شده و راهی بهشت می شوند . اما بدکاران در میان شعله های دود و آتش با دلی پر آه و حسرت و نگاههای غمگین و اشکهای خونین به آنها خیره شده و نعره زنان دوستان و آشنایان را به کمک می طلبند و در پی آنها روان می شوند ، اما با گرزهای گران برگردانده می شوند ...

از آنجائیکه رحمت خداوند بر خشم و غضبش سبقت دارد و او ارحم الراحمین است ، رحمتش شامل حال مؤمنان گناهکار شده و به انبیاء و صدیقین و علماء و شهداء که در دنیا برای تبلیغ اسلام و اجرای احکام دین خدا متحمل رنج و مشقات بسیاری شده اند، و به منظور علودرجه ی آنها ، اجازه ی شفاعت می دهد . پس دعای خیر آنها شامل عده ای از مؤمنین گناهکار شده و با اجازه خداوند متعال از آتش نجات می یابند .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿١﴾ و آنان هر گز برای کسی شفاعت نمی کنند مگر برای آن کسی که (بدانند)

خدا از او خشنود است و (اجازه ی شفاعت او را داده است . به خاطر همین معرفت و آگاهی) همیشه از خوف (مقام کبریایی) خدا ترسان و هراسانند.

« يَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ ، الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشَّهَدَاءُ » .^(۲) در روز قیامت سه گروه شفاعت کنند : پیامبران سپس علما و پس از آنان شهدا .

« عَنْ اَنَسٍ (رض) قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ قَدْ دَعَاها لِمَتِهِ ، وَ اَنِي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِمَتِي » .^(۳) انس (رض) گوید : پیامبر (ص) فرمود :

^۱ - انبیاء/ ۲۸ ^۲ - رواه ابن ماجه ^۳ - رواه بخاري و مسلم

برای هر پیامبر دعایی است که در حق امتش دعا کرده است و من دعایم را به تاخیر انداخته و آن را شفاعت برای امتم قرار داده ام .

« اسعد الناس بشفاعتی يوم القيامة من قال ” لا اله الا الله ” خالص من قبل نفسه ».^(۱) خوشبخت ترین مردم که روز قیامت شفاعتم شامل حالش می شود کسی است که با یقین قلبی و اخلاص کامل “ لا اله الا الله ” گفته باشد .

کرم خداوند نسبت به موحدین

بعد از آنکه پیامبران ، صدیقین ، علماء و شهداء با اذن پروردگار در حدی که خداوند متعال برایشان مقرر نموده بود برای مؤمنین مجرم شفاعت نمودند خداوند متعال هم بنا به رحمت واسعه ی خود به فرشتگان امر می فرماید:

در دوزخ بنگرید هر که را یافتید که در دنیا ” لا اله الا الله ” گفته و به اندازه ی یک دانه ی جو ایمان در قلبش موجود بود ، او را از آتش دوزخ برهانید « یخرج من النار من قال لا اله الا الله وفي قلبه وزن شعيره من ایمان ... »^(۲) هر آنکه به اندازه ی وزن دانه ی جوی ایمان در قلبش موجود باشد از آتش خارج می شود...

محاکمه ی آخرین فرد

آخرین کسی که در صحرای محشر محاکمه می شود ، فرد مجرمی است که اعمال ناروایش او را اهل دوزخ می گرداند ، پس بسوی آتش دوزخ رانده می شود ، و چون هر چه نزدیکتر می رود گرما و حرارتش بیشتر او را عذاب می دهد ، تا اینکه بجایی می رسد که دیگر تحمل آن بر او بسیار دشوار می شود ، پس می ایستد و می گوید :

پروردگارا ! گرما و حرارت دوزخ مرا گداخت بر من رحم کن و از خطاهایم در گذر ، نه توانایی پیش رفتن دارم نه تحمل این همه عذاب را دارم ، بر من رحم کن و جز من

^۱ - رواه بخاری
۲ - رواه الشیخان و ترمذی

کس دیگری باقی نمانده ، و بر حال خود می گرید ... مدتها در همان جا و در همانحال باقی می ماند و همچنان با گریه و زاری از خداوند می خواهد او را از آتش دوزخ بر حذر دارد ...

خداوند متعال می فرماید : اگر تو را از آتش برهانم ، عهد می کنی که هرگز چیز دیگری طلب نکنی؟ آن فرد در کمال خوشحالی گوید : پروردگارا، اگر مرا از آتش دوزخ نجات دهی دیگر نعمتی بالاتر از این چیست که از تو بخواهم ... خداوند متعال با اخذ تعهد او را از آتش دوزخ معاف می گرداند و سالهای سال او در نزدیک دوزخ و بدور از عذاب باقی می ماند . تا اینکه عهد و پیمان را فراموش می کند و دست سوی آسمان بالا برده و از خداوند می خواهد فقط به او اجازه دهد از دوزخ دور ، و نزدیک بهشت باشد ... خداوند متعال عهد و پیمانش را به او یادآور می شود ، اما او همچنان دعا می کند. خداوند هم باز با اخذ تعهد که دیگر چیزی طلب ننماید به او اجازه می دهد تا باب الجنه پیش رود . پس او به بهشت نزدیک شده و نعمت های جاوید آن را می نگرد ، اما بنا به تعهدی که سپرده است بناچار سالها سکوت اختیار می کند . پس از مدتی مجدداً دست به دعا بر می دارد و از خداوند می خواهد که او را به بهشت شاد گرداند . خداوند عهد و پیمانش را به او یادآور می شود ، اما او همچنان لحظه ای از دعا و نیایش غافل نمی شود تا اینکه خداوند متعال دعایش را می پذیرد و خطاب به او می گوید : هر آنچه می خواهی تمنا کن ، عطا می شود . پس خداوند می فرماید آنچه خواستی دوبرابر آن برای تو و به بهشت داخل شو ...^(۱) آرزوهای آدمی هرگز پایان نمی پذیرند مگر در بهشت ...

رؤیت خداوند متعال

اصحاب از پیامبر (ص) پرسیدند : « هل نری ربنا ؟ قال : نعم . هل تتمارون فی رؤیه الشمس و القمر لیلہ البدر؟ قلنا : لا . قال : كذلك لا تمارون فی رؤیه ربکم». ^(۲) آیا ما (در روز قیامت) پروردگاران را می بینیم ؟ پیامبر (ص) فرمود :

^۱ - رواه بخاری و مسلم

^۲ - رواه احمد

بلی. آیا شما در رؤیت خورشید و ماه شب چهارده شکی دارید ؟ گفتیم: خیر . فرمود : پس همچنان هم در باره ی رؤیت خداوند متعال بخود شک راه ندهید.

در آیات ۲۲-۲۳ سوره قیامت در این باره آمده است: **وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾** در آن روز چهره هایی شاداب و شادانند . به پروردگار خود می نگرند.

پیامبر (ص) فرمود: « **إذا دخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار ، نادى منادى يا أهل الجنة إن لكم عند الله موعداً يريد أن ينجزكموه . قالوا : ما هذا الموعد ؟ ألم يثقل موازيننا و يبيض وجوهنا و أدخلنا الجنة و يجرننا من النار ؟ قال : فيرفع الحجاب و ينظرون الى وجه الله عزوجل ، فما أعطوا شيئاً أحبّ اليهم من النظر اليه** ».^(۱) هنگامی که اهل بهشت به بهشت و اهل دوزخ به دوزخ می روند ، منادی آواز دهد : ای اهل بهشت ، شما را نزد خداوند متعال وعده ای است که حال اراده دارد آن را در حق شما بجای آورد . گویند: آن وعده چیست : مگر نه اینکه ترازوهای حسنات ما را سنگین کرد و رویهای ما را سفید ، و ما را به بهشت داخل گرداند و از آتش دوزخ نجات داد ؟ پیامبر (ص) فرماید : پس پرده ها کنار می روند و مؤمنین ذات باری تعالی را مشاهده می کنند ، در آن حال چنان احساس می نمایند که نعمتی محبوبتر از رؤیت خداوند متعال به آنها عطا نشده است .

ما را بهشت بهر لقای تو درخور است

بی پرتو جمال تو جنت محقر است

^۱ - رواه مسلم و ترمذی

فصل پنجم:

ورود نیکوکاران به بهشت
درجات بهشت
حوضهای بهشت
کاخها و اتاقهای بهشت
نهرهای بهشت
درختان و میوه های بهشت
اوصاف اهل بهشت
عروسهای بهشت
غلامان بهشت
نوشابه های بهشت
جواهرات و لباسهای بهشت
خیمه های بهشت
کشاورزی در بهشت
وسایط نقلیه سوارى
بازار های بهشت
اکثریت اهل بهشت امت محمد می باشند
بهشت سرای امنیت و آسایش
رضایت خداوند

ورود نیکو کاران به بهشت

بعد از دیدار از دوزخ ، نیکوکاران در کمال مسرت و شادی بسوی بهشت رهسپار می شوند ، چون به در بهشت می رسند درها را بسته می یابند ، سپس حضرت محمد (ص) را از میان خود برای شفاعت و گشودن درها انتخاب می نمایند ، پیامبر (ص) درهای بهشت را به صدا در می آورد . پرسیده می شود : کیست؟ گوید: منم ، محمد . پس درها گشوده می شوند .^(۱)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٦﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٧﴾

و کسانی که از (خشم و عذاب) پروردگارشان می پرهیزند ، گروه گروه به سوی بهشت رهنمود می شوند تا بدانگاه که به بهشت می رسند ، بهشتی که درهای آن (به رویشان) باز است . بدین هنگام نگهبانان بهشت بدیشان می گویند: درودتان باد . خوب بوده اید و به نیکی زیسته اید پس خوش باشید و داخل بهشت شوید و جاودانه در آن بمانید ... و می گویند : سپاس و ستایش خداوندی را سزا است که با ما به وعده خویش وفا کرد و سرزمین (بهشت) را از آن ما نموده است تا در هرجایی از بهشت بخواهیم منزل گزینیم و بسر بریم ، پاداش عمل کنندگان (به دستورات پروردگار) چه خوب و جالب است ...

پیامبر (ص) در باره ی درهای بهشت فرمود : « ... لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ دَعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ ، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دَعِيَ مِنْ

^۱ - رواه مسلم ۲- زمر/۷۴-۷۳

باب الصَّيَّام و هو باب الرِّيَّان ، و من كان من اهل الصَّدَقه دعى من باب الصَّدَقه ، و من كان من اهل الجهاد دعى من باب الجهاد»^(۱) بهشت هشت در دارد پس هر کس که از اهل نماز بوده باشد برای دخول به بهشت از باب الصَّلوه فرا خوانده شود. و هر کس از اهل روزه باشد از باب روزه که باب الريان نام دارد فرا خوانده می شود. و هر کس از اهل زکات و صدقه باشد از باب صدقه فرا خوانده شود. و هر کس از اهل جهاد باشد از باب جهاد فرا خوانده شود.

حضرت ابوبکر (رض) پرسید: آیا کسی از همه ی درهای بهشت فرا خوانده می شود؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «نعم و أرجو أن تكون منهم» آری و امیدوارم تو از جمله ی آن کسانی باشی که از همه ی درهای بهشت فرا خوانده می شوند.

عن النَّبِيِّ (ص) قال الله تعالى: « اعددت لعبادي الصَّالِحِينَ مالا عَيْن رَأَتْ و لا اذن سمعت و لا خطر على قلب بشر ذخراً له ما اطلعكم عليه ، ثم قرأ: فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره اعين جزاء بما كانوا يعملون »^(۲) برای بندگان نیکوکارم نعمتهایی مهیا کرده ام که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی وصفش ننشیده و هیچ قلبی تصورش نکرده است ، برای او ذخیره و مهیا شده است و شما بر آن آگاهی ندارید. پس پیامبر این آیه را تلاوت کرد: «هیچکس نمی داند در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می دهند ، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان ذخیره (تدارک دیده) شده است.

پیامبر (ص) در وصف واردین به بهشت فرمود: « عرض علیّ اوّل ثلاثه يدخلون الجنة : شهيد ، و عفيف متعفف ، و عبد احسن عبادہ الله و نصح لمواليه »^(۳) سه گروه از اولین کسانی که به بهشت وارد می شوند به من نمایانده شدند (دیدم آن سه گروه) شهدا ، و پاکدامنان و بندگان هستند که به نیکی خداوند را عبودیت نموده و دیگران را ارشاد و راهنمایی کرده اند .

... وَتَلَقَّوْنَهُمْ أَلْمَلَتِكُمْ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^(۴) فرشتگان

۳-

۲- رواه شيخان و ترمذي - سجده/۱۷

۱- رواه بخاري ، مسلم ، ترمذي و نسائي

۴- انبياء/۱۰۳

رواه ترمذي ، بيهقي، احمد و حاکم

به استقبالشان می شتابند و برای تبریک و شاد باش (پذیرایشان می گردند (و بدیشان می گویند: این همان روز است که به شما وعده داده می شد.

بیشتر اینها کسانی بوده اند که در دنیا هم فرشتگان را ملاقات کرده اند : إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٢٠﴾ حُنَّ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ...^(۱) کسانی که می گویند : پروردگار ما تنها خداست ، و سپس (بر بندگی خالصانه خداوند) پابرجا و ماندگار می مانند ، فرشتگان به پیش ایشان می آیند (و بدانان مژده می دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده می شد.

درجات بهشت

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ^ع فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً^ع ...^(۲) مسلمانانی که (در خانه) می نشینند با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جانشان ، در راه یزدان جهاد می کنند خداوند مرتبه ی والایی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه ی خانه نشینان است .

« إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّ اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ».^(۳) در بهشت صد درجه (از نظر مقام و منزلت) وجود دارد که خداوند (درجات بالاتر را) برای جهادگران آماده کرده است و فاصله میان هر دو درجه همچون فاصله بین آسمان و زمین است .

۳- رواه بخاری

۲- نساء/ ۹۵

۱- فصلت/ ۳۱-۳۰

حوضهای بهشت

مؤمنین که مراحل بسیار سخت و جانکاه صحرای محشر و مراحل بعد از آن را پشت سر نهاده و مسافت بسیار زیادی را طی کرده اند، آنچنان خسته و تشنه اند که به محض ورود به بهشت همگان دراطراف چشمه ی بسیار بزرگ حوض المورود و انشعابهای فراوان آن و هر امت در صف های منظم پشت سر پیامبران خود، گرد هم می آیند.

پیامبر (ص) درباره حوض المورود می فرماید: « إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَ إِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ إِيَّاهُ أَكْثَرَ وَارِدَةٍ وَ إِنِّي أَرَجُو أَنَا أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً ». ^(۱) همانا برای هر پیامبری حوضی است و پیامبران در آن حال به کثرت پیروان خود افتخار می کنند، و امیدوارم که اکثر واردین به حوض المورود از پیروان من باشند...
« أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ مِنْ مَرٍّ عَلَى شَرْبٍ وَ مِنْ شَرْبٍ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا ». ^(۲) من در کنار حوض راهنمای شما هستم، هر آنکه از کنارم بگذرد از آن می نوشد و هر که از آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود.

« حَوْضِي مَسِيرُهُ شَهْرٌ مَاءُهُ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ رِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمَسْكِ وَ كِيزَانُهُ كَنْجُومُ السَّمَاءِ مِنْ شَرْبٍ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا ». ^(۳) حوض من مسافت یک ماه راه است؟ آبش سفیدتر از شیر، شیرین تر از عسل و نسیمش خوشبوتر از مشک و لیوانهایش همچون ستارگان آسمانند، هر آنکه از آب آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود.

پیامبر اسلام (ص) در باره ی اولین وارد شوندگان به حوض فرمود: « أَوَّلُ النَّاسِ وَرُودًا عَلَيْهِ فَقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الشَّعْثُ رُؤُوسُ الدَّنَسِ ثِيَابًا الَّذِينَ لَا يَنْكَحُونَ الْمُتَنَعِمَاتِ وَ لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّدَدِ ». ^(۴) اولین کسانی که بر حوض وارد می شوند فقرا و مساکین مهاجرین هستند، آنانکه بر اثر فقر موهای سرشان ژولیده و لباسهایشان کهنه و از همسران زیبا محروم و درهای امراء بر روی آنها بسته بوده است

^۱ - رواه ترمذی ^۲ - رواه الشيخان ^۳ - رواه بخاری ^۴ - رواه ترمذی

هنگامی که عمر ابن عبد العزیز(رض) این حدیث را شنید ، گریست و در عزا نشست و گفت : لیکن من ، زن زیبا را به همسری برگزیده و در امیری بر رویم گشوده شده و بهترین لباسها را دارم ، اما از امروز با خدای خود پیمان می بندم که از نعمات دنیای فانی دست بردارم و از این پس لباسهای فاخر و گرانبها نپوشم .

از دیگر حوضها ، حوض کوثر است . هنگامی که سوره « إنا اعطيناك الكوثر ... » نازل شد ، آن حضرت(صلی الله علیه وسلم) بر اصحاب تلاوت کرد و فرمود : می دانید کوثر چیست ؟ یاران گفتند : خدا و رسولش داناترند ، فرمود : « **الکوثر نهر فی الجنة حافظه من ذهب و مجراه علی الدّر والیاقوت و تربته اطیب من المسک و ماء احلی من العسل و ابیض من الثلج و آئيته عدد الکواکب** ».^(۱) نهری است در بهشت، که کناره های آن از طلا و مجرایش از در و یاقوت است و خاکش خوشبوتر از مشک و آبش سفیدتر از برف و تگرگ و قدحهایش به تعداد ستارگان آسمانند .

کاخها و اتاقهای بهشت

بعد از آنکه مؤمنین از حوضهای انبیاء (علیهم الصّلاه و السّلام) آب شیرین و گوارا نوشیدند و لحظاتی استراحت کردند ، پس بسوی منزل های خود در بهشت رهسپار می شوند . پیامبر(ص) در این باره می فرماید:

« **فوالذی نفس محمد بیده لاحدهم أهدی بمنزله فی الجنة منه بمنزله فی الدنيا** ».^(۲) قسم به کسی که جان محمد در قبضه ی قدرت اوست هر کس از آنان خانه ی بهشتی خود را بهتر از خانه ی دنیوی خود می شناسد .

خداوند در این باره می فرماید: **لَیْکِنَّ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ هُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِیَّةٌ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا تُخْلَفُ ۚ** **اللَّهُ الْمِيعَادَ** **﴿۳﴾** و اما کسانی که از (عذاب) پروردگارشان بپرهیزند ، آنان (در بهشت) دارای قصرها و کاخهایی هستند که بالای یکدیگر ساخته شده اند و در زیر آنها رودبارها جاری است این وعده را خدا می دهد و خدا خلاف وعده نمی کند.

^۱ - رواه ترمذی ^۲ - رواه بخاری و حاکم ^۳ - زمر/ ۲۰ ^۴ - عنکبوت / ۵۸

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا...^(۴) کسانی که ایمان آورده

و کارهای شایسته انجام داده باشند ایشان را در کاخهای عظیم بهشت جای می دهیم ابوهریره (رض) گوید از پیامبر (ص) پرسیدم : « یا رسول الله (ص) الجنة ما بناءها ؟ قال : لبنه من فضه و لبنه من ذهب و ملاطها المسك الاذفر و حصباها اللؤلؤ والياقوت و تربتها الزعفران من دخلها ينعم و لا يبوس و يخلد و لا يموت و لا يبلى ثيابهم و لا يفنى شبابهم ».^(۱) ای پیامبر خدا (ص) مصالح غرفه های بهشتی از چیست ؟ فرمود: آجری از نقره و آجری از طلا و ملاط آن از مشک زرد و سنگهایش از مروارید و یاقوت و خاکش از زعفران است ، هرکس داخل اتاقها شود از نعمتهای بسیار برخوردار می شود و هرگز بیمار نمی شود و هرگز نمی میرد و لباسهایش کهنه نمی شود و هرگز جوانیش را از دست نمی دهد .

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود : « إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَغُرَفًا يَرَى ظُهُورُهَا مِنْ بَطُونِهَا وَ بَطُونُهَا مِنْ ظُهُورِهَا فَقَامَ إِلَيْهِ أَعْرَابِي فَقَالَ : لِمَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) ؟ قال: هي لمن أفضى السّلام و أطعم الطّعام و أدام الصّيّام و صلى الله بالليل و النّاس نيام ».^(۲) همانا در بهشت غرفه هایی است که از بیرون آنها دیده شود و از درون بیرون آنها دیده شود . مردی از اعراب بادیه برخاست و گفت : ای رسول خدا (ص) این غرفه ها برای چه کسی است؟ فرمود: برای آن کس که همگان را سلام کند و مساکین را طعام دهد و پیوسته روزه بدارد و هنگامی که مردم در خوابند او نماز بگذارد. جابر گوید: گفتیم ، ای رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) چه کسی طاقت آن را دارد ؟ فرمود:

« امتی تطيق ذلك ، و سأخبركم عن ذلك ، من لقي اخاه فسلم عليه او ردّه عليه فقد أفضى السّلام و من أطعم أهله و عياله من الطّعام حتّى يشبعهم فقد أطعم الطّعام و من صام شهر رمضان و من كلّ شهرٍ ثلاثه أيام فقد أدام الصّيّام ، و من صلى العشاء الاخره فى جماعة و صلى الغداة فى الجماعة فقد صلى بالليل و النّاس نيام يعنى اليهود و النّصارى و المجوس ».^(۳) امت من طاقت آن را

^۱-رواه ترمذی

^۲- ترمذی

^۳-رواه ترمذی

دارد ، و از چگونگی آن شما را آگاه خواهیم کرد ، هرکس برادر دینیش را ملاقات کرد و به او سلام کرد یا جواب سلامش داد ، همگان را سلام کرده و هرکس اهل خانواده خود را طعام دهد تا سیر شوند ، اطعام کرد. و هرکس ماه رمضان روزه داشت و از هر ماه، سه روز ، روزه داشت ، پیوسته روزه داشته است . و هر کس نماز عشا و صبح به جماعت بگزارد ، شب نماز گزارده و مردمان خفته بوده اند یعنی ؛ جهود و ترسایان و مجوسیان در خواب بوده اند .

« إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاوُنَ أَهْلَ الْغَرْفِ فَوْقَهُمْ كَمَا تَتَرَاوُنَ الْكُوكَبُ الْغَابِرُ فِي الْأَفَاقِ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ، لِتَفَاضُلِ بَيْنِهِمْ »^(۱) اهل بهشت ، اهل غرفه ها را که در فوق آنها قرار دارند چنان می بینند که شما ستاره ی رونده را در افق شرقی یا غربی می بینید ، فضیلت آنان به نسبت سایرین بدان اندازه است .

هوای بهشت معتدل است : وَجَزَنُهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿۱۳۱﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿۱۳۲﴾ و در برابر صبری که نموده اند ، خداوند بهشت و جامه ی ابریشمین را پاداششان می کند. در بهشت بر تختهای زیبا و مجلل تکیه می کنند و نه (گرمای) آفتابی و نه سوز سرمائی در آنجا می یابند ...
 ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾^(۳)
 (و) با انجام اعمال شایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان ، و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی گیرید که پهنای آن (همچون پهنای) آسمانها و زمین است (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است.

نهرهای بهشت

در بهشت نهرهایی جاری است که آب آن از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است و بهشتیان نه برای رفع تشنگی بلکه برای برخورداری از لذت بیشتر از آن می نوشند.
 مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّيْنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ حَمَرٍ لَّدَّةٍ لِلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ ...^(۵) وصف بهشتی

۱- رواه الشيخان و ترمذی ۲- دهر/۱۳-۱۲ ۳- آل عمران/۱۳۳ ° - محمد/۱۵

که به پرهیزگاران وعده داده شده است (چنین است که) در آن رودبارهایی از آبی (زلال و خالص) است که گندیده و بدبو نگشته است ، و رودبارهایی از شیری است که طعم و مزه ی آن متغیر نشده است ، و رودبارهایی از شرابی است که سراپا لذت برای نوشندگان است ، و رودبارهایی از عسلی است که خالص و پالوده است ، و در آنجا آنان هرگونه میوه ای دارند ...

﴿ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴾^(۱) صفت بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده است (این است که) رودخانه ها و جویبارها در زیر (درختان) آن جاری است . میوه و نعمتش همیشگی و سایه اش دائمی است . این سرانجام کسانی است که پرهیزکارند و سرانجام کافران آتش (دوزخ) است .

پیامبر (ص) در این باره فرمود: « إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَحْرَ الْمَاءِ وَ بَحْرَ الْعَسَلِ وَ بَحْرَ اللَّبَنِ وَ بَحْرَ الْخَمْرِ ثُمَّ تَشَقُّقُ الْإِنْهَارُ بَعْدَ »^(۲) . در بهشت دریای آب و دریای عسل و دریای شیر و دریای شراب جاری است که از آنها نهرها منشعب می شوند .

درختان و میوه های بهشت

نعمت های دیگری که خداوند در کنار کاخهای مجلل بهشت برای نیکو کاران مهیا کرده است ، درختان سرسبز و بلند با تنه های طلایی و میوه های شیرین و متنوع و لذتبخشی است که در کنار آنها سبزه زارها و گلستانهایی است با گلهای رنگا رنگ و ریاحین خوشبو و عطر آگین بهشتی و باغ و بوستانهای زیبایی است که در کنار آنها نهرها و جویبارهایی روان و جاری است که این زیبایی و دلربایی را پرندگان خوش آواز بهشتی کامل می کنند ... پرهیزگاران در کمال مسرت و شادمانی با همسران خود بسوی بوستانها روان می شوند و در حالی که آواز پرندگان و صدای جویبار و آبشارها آنها را به وجد می آورد درسایه ی درختان معطر بهشتی بر روی مبلهای ابریشمی و زرین به اتفاق هم میوه و شراب به همدیگر تعارف می کنند ، میوه

^۱ - رعد/ ۳۵ ^۲ - رواه ترمذی

هایی که نه زحمت چیدن دارند و نه زحمت پوست کندن ، تنها کافی است به آنها اشاره شود از شاخه ی درختان جدا شده و در ظرفهای زرین روی میزها قرار می گیرند که خوردن آنها موجب افزایش سرور و شادمانی آنها می شود .

وَلَمَنْ حَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٦١﴾ ^(۱) هرکس که از مقام پروردگار خود بترسد، باغهایی (در بهشت) دارد .

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٦٢﴾ ^(۲) در آنجا میوه های فراوان و جورا جوری است که از آنها می خورید و استفاده می کنید...

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَخَلٌّ وَزُמَانٌ ﴿٦٣﴾ ^(۳) در آن باغهای بهشت ، انواع میوه ها و از جمله خرما و انار است .

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٦٤﴾ فِي سِدْرٍ خَظُودٍ ﴿٦٥﴾ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٦٦﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ ﴿٦٧﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٦٨﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٦٩﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٧٠﴾ ^(۴) سمت راستیها ، چه سمت راستیهایی ، در (سایه ی درخت) سدر بی خار آرمیده اند . و در سایه ی درختان موزی بسر می برند که میوه هایش روی هم ردیف و چین چین افتاده است . و در میان سایه های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده اند) . و در کنار آبشارها و آبهای روان و در میان میوه های فراوان هستند که نه تمام می شود و نه منع می گردد .

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٧١﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ ﴿٧٢﴾ ^(۵) و اما اگر از زمره ی پیشگامان مقرب باشد . پس بهره ی او راحت و آسایش و گلهای خوشبو و بهشت پر نعمت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّلٍ وَعُيُونٍ ﴿٧٣﴾ وَفَوْكَةٍ مِّمَّا يَنْشَبُونَ ﴿٧٤﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٥﴾ ^(۵) پرهیزگاران در زیر سایه ها و چشمه

^۱ - الرحمن/ ۴۶ - ^۲ - زخرف/ ۷۳ - ۳ - الرحمن/ ۶۸ - ۴ - واقعه/ ۳۳-۲۷ - ۵ - واقعه/ ۸۹-۸۸ - ۶ - مرسلات/ ۴۴-۴۲

ساراند . و در میان میوه هایی که بخواهند و آرزو کنند . در برابر کارهایی که می کرده اید ، خوش بخورید و خوش بنوشید و گورا باد. ما اینگونه به نیکوکاران پاداش می دهیم .

پیامبر اکرم (ص) فرمود : « **إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَهُ يَسِيرُ الرَّكَّابُ فِي ظِلِّهَا مَاءَهُ عَامٌ لَا يَقْطَعُهَا** ».^(۱) همانا در بهشت درختی است که اگر سوارکار تیزرو صد سال در زیر سایه های آن براند سایه اش تمام نمی شود .

اوصاف اهل بهشت

مؤمنان در حالی به بهشت وارد می شوند که همه ی آنان شاد و شاداب و در سنین بین ۳۰ تا ۳۳ سال می باشند و آنانکه در دنیا بعضی اوصاف و ویژگیهای خاص روانی و جسمانی و اخلاقی نامطلوب داشته اند با داخل شدن به بهشت ، همه ی ضعف ها بر طرف شده و در کمال سلامتی جسمی و روحی و کمال اخلاقی به بهشت پروردگار وارد می شوند .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾^(۲)

بیگمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران (بهشت) بسر می برند . و کینه توزی و دشمنانگی را از سینه هایشان بیرون می کشیم ، و برادرانه بر تختها رویاروی هم می نشینند. در آنجا خستگی و رنجی بدیشان نمی رسد ، و از آنجا بیرون نمیگردند
إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَنِكْهُونَ ﴿٤٩﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونُونَ ﴿٥٠﴾

هُم فِيهَا فَنِكْهُهُمْ وَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥١﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٢﴾^(۳) بهشتیان در

چنین روزی ، سخت سرگرم خوشی ، و شاداند آنان و همسرانشان در زیر سایه های پر و فراغ ، بر تختها تکیه زده اند . برای آنان در بهشت ، میوه های لذت بخش و فراوانی است ، و هر چه بخواهند در اختیار ایشان خواهد بود . و از سوی پروردگار مهربان ، بدیشان درود و تهنیت گفته می شود ...

^۱-رواه الشیخان ^۲- حجر/۴۸-۴۵ ^۳- یس/۵۸-۵۵ ^۴- حدید/۱۲

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانُكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٢٤﴾

روزی مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهی دید (در هنگام حرکت بسوی بهشت) نور ایشان ، پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تلالؤ و درخشش است (و فرشتگان بدیشان می گویند :) مژده باد که امروز به بهشتی در می آید که در زیر آن ، رودبارها جاری است و جاودانه در آن بسر می برید و می مانید . و پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است .

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٢٥﴾ هُمْ مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٢٦﴾^(۱)
(فرشتگان بدیشان گویند :) به سلامت وارد بهشت شوید ... امروز ، روز جاودانگی است . هرچه بخواهند در بهشت برای آنان هست ، و افزون بر آن نزد ما نعمتهای دیگری وجود دارد (که هرگز به فکر انسانی نرسیده و به دل کسی نگذشته است) .
پیامبر(ص) در باره ی اوصاف اهل بهشت می فرماید : « اهل الجنّه جرد مرد کحل لا یفنی شبابهم و لا تبلی ثیابهم »^(۲) . بدن اهل بهشت صاف و بدون مو و چشمان آنها درشت و سیاه است ، هرگز جوانیشان از بین نمی رود و لباسهایشان کهنه نمی شود .

« من مات من اهل الجنّه من صغیر و کبیر یردون ابناء ثلاثین فی الجنّه لا یزیدون علیها ابدًا »^(۳) هر آن کس از اهل بهشت خردسال و سالخورده مرده باشد ، در بهشت جوانی سی ساله خواهد شد و هر گز به عمرش افزوده نمی شود .

« إنَّ أوّل زمره یدخلون الجنّه علی صورة القمر لیله البدر ، والذین یلونهم علی اشدّ کوکب درّی فی السّماء اضاءه لا یبولون و لا ینغوّطون و لا یمتخطون ولا

^۱ - ق/۳۵-۳۴ ۲- رواه ترمذی ۳- رواه ترمذی

یتفلون امشاطهم الذّهب و رشحهم المسک و مجامرهم الالوّه و ازواجهم الحورالعین اخلاقهم علی خلق رجل واحد علی صورہ ابیہم آدم ستون ذراعاً فی السماء و لكلّ واحدٍ منهم زوجتان یری مخّ ساقهما من وراء اللّحم و من الحسن لا اختلاف بینهم و لا تباض قلوبهم قلب واحد یسبحون الله بکره و عشیاً»^(۱)

به تاکید اولین گروهی که به بهشت وارد می شوند (چهره هایشان) همچون ماه شب چهارده می درخشد و آنانکه از پس آنها وارد می شوند همچون ستاره دری در آسمان پرتو افشانی می کنند. آنان نه ادرار دارند و نه نیاز به قضای حاجت و نه احتیاج به پاک کردن بینی دارند و نه آب دهانشان را بیرون می اندازند ، شانه های سرشان از طلا ، بوی عرقشان همچون مشک و بوی دهنشان همچون عود خوشبو است و همسرانشان زنان سیاه چشم بهشتی و خوی و خلقشان همسان همسرانشان است ، و قد ها بلند همچون پدرشان آدم (علیه السلام) حدود شصت ذراع می باشد . هریک از آنان دو همسر دارند که به سبب شدت لطافت و جمال از وراء گوشت و ماهیچه هایشان، استخوانهایشان نمایان است . در میان آنان اختلاف و کینه و کدورت وجود ندارد و دلهایشان همچون قلب واحدی است و در سحرگاهان و شامگاهان خداوند را حمد و تسبیح می گویند...

از پیامبر (ص) پرسیده شده است : اهل بهشت که نیاز به قضای حاجت ندارند ، غذایی که می خورند چه می شود ؟ فرمود :

« جشاء و رشح کرشح المسک یلهمون التسبیح و التحمید کما تلهمون النّفس »^(۲) اهل بهشت آروغ می زنند و عرق می کنند و عرق آنها مانند مشک خوشبو است و تحمید و تسبیح همچون نفس کشیدن شما بر زبان آنها جاری است .

پیامبر(ص) درباره ی دیدار اهل بهشت از همدیگر فرمود :

^۱ - رواه الشیخان و ترمذی

^۲ - رواه مسلم

« إِذَا اسْتَقَرَّ اَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ اشْتَقَّ الْاِخْوَانُ اِلَى الْاِخْوَانِ لِيَسِيرَ سَرِيرٌ ذَا اِلَى سَرِيرٍ ذَا فَيَلْتَقِيَانِ فَيَتَحَدَّثَانِ مَا كَانَ بَيْنَهُمَا فِي دَارِ الدُّنْيَا . فَيَقُولُ : يَا اِخِي ، تَذَكَّرُ فِي يَوْمٍ كَذَا فِي مَجْلِسٍ كَذَا ؟ فَدَعَوْنَا اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ فَغَفَرْنَا ».^(۱) بعد از آنکه اهل بهشت در بهشت مستقر شدند آرزومند دیدار یکدیگر شوند پس تخت یکی از آنان سوی تخت دیگری رود (به پرواز در آید و او را به نزد دوستش می برد) و در کنار هم می نشینند و درباره ی آنچه که در دنیا بر آنها گذشته است سخن می گویند . پس یکی از آنان گوید : ای برادر فلان روز را بخاطر داری که خداوند متعال را یاد کردیم و او هم ما را مورد عفو و مغفرت قرار داد...

عروسهای بهشت

وَأَزَلَفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱﴾ .^(۲) در آن هنگام بهشت برای پرهیزگاران نزدیک گردانده می شود .

خداوند بخشنده و مهربان در کنار دیگر نعمت های جاوید بهشتی ، برای پرهیزگاران ، عروسان خوش سیما و نیکو سرشت آفریده است که همچون در و مروارید درخشانند :

فِيهِنَّ قَصِيرَاتُ الْطَّرَفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿۵۱﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۲﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْحِيَامِ ﴿۵۳﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۴﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿۵۵﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۶﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرَ وَعَبَقَرِيَّ حَسَانٍ ﴿۵۷﴾^(۳) در باغهای بهشت زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند و

۱- الرحمن/۵۸-۵۶ و ۷۶-۷۲

۲- شعراء/۹۰

۳- رواء بزاز

پیش از آنان کسی از انسانها و پریها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است . پس کدامیک از نعمتهای پروردگار خود را انکار و تکذیب می کنید. انکار که آن حوریان ، یاقوت و مرجانند. سیاه چشمانی که هرگز از خیمه ها بیرون نمی روند . بهشتیان بر بالشهای نگارین سبز رنگ گرانبها تکیه می زنند ، و بر فرشهای منقش بی نظیر زیبا می لمند .

وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْثِ الْأَمْكُونِ ﴿٢٣﴾ ^(۱) و حوریان چشم درشت بهشتی دارند . همسان مروارید میان صدفند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٢٤﴾ حَدَاقٍ وَاعْتِبَاءَ ﴿٢٥﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٢٦﴾ ^(۲) مسلماً پرهیزگاران، رستگاری (از دوزخ) و دستیابی (به بهشت) بهره ی ایشان می گردد . باغهای سرسبز ، و انواع انگورها (بهره ی ایشان می گردد) . و دختران نوجوان نارپستان همسن و سال ...

إِنَّا أَنْشَأْنَهُمْ إِنْشَاءً ﴿٢٧﴾ فَجَعَلْنَهُمْ أَبْكَارًا ﴿٢٨﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٢٩﴾ ^(۳) ما آنان را پدیدار کرده ایم. ایشان را دوشیزگانی ساخته ایم (که پس از آمیزش بکارت خود را باز می یابند). شیفتگان (همسر خود و) همسن و سال هستند .

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم حُورٍ عِينٍ ﴿٣٠﴾ ^(۴) بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه چشم با چشمان درشت را نیز به همسری آنان در می آوریم.

پیامبر (ص) در وصف عروسان بهشتی می فرماید: « لَوْ أَنَّ إِمْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطَّلَعَتْ إِلَى الْأَرْضِ لِأَضَاءَتِ مَا بَيْنَهُمَا وَلَمَلَاتِ مَا بَيْنَهُمَا رِيحًا » ^(۵) اگر زنی از زنان اهل بهشت بر کره زمین فرود آید میان زمین و آسمان را منور می کند و میان آندو از بوی خوشش ، معطر می شود .

^۱ - واقعه/۲۳-۲۲ ۲- نبأ/۳۳-۳۱ ۳- واقعه/۳۷-۳۵ ۴- دخان/۵۴ ۵- رواه بخاری و ترمذی

« إِنَّ الْمَرَأَةَ مِنْ نَسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَرَى بَيَاضَ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ سَبْعِينَ حَلَّةً حَتَّى مَخْهَا »^(۱) همانا ساق پا و مخ استخوانهای زنان بهشتی از وراء هفتاد جامه دیده می شود .

« إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لِمَجْتَمَعًا لِلْحَوْرِ الْعَيْنِ يَرْفَعْنَ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ مِثْلَهَا ، يَقْلُنَّ : نَحْنُ خَالِدَاتٌ فَلَا نَبِيدُ وَ نَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبُؤُسُ وَ نَحْنُ الرَّاٰضِيَاتُ فَلَا نَسْخَطُ طَوْبَى لِمَنْ كَانَ لَنَا وَ كُنَّا لَهُ »^(۲) در بهشت دسته ای از حوران سیاه چشم با صدایی جذاب و موزون و هماهنگ سرودی می خوانند که هیچ مخلوقی چنان صدایی نشنیده است ، می گویند : ما همیشه زنده و جاودانیم و هرگز نمی میریم . ما قشنگ و زیبایییم و هرگز از حسن و جمال ما کاسته نمی شود ، برای آرامش و استراحت خلق شده ایم ، ما راضی و خشنودیم و هرگز خشمگین نمی شویم . خوشا به حال آنانکه از آن ما و ما هم از برای آنها هستیم ...

بی شک آن کس که در انتظار ترانه های حوران بهشتی است ، یقیناً از شنیدن آواز و ترانه های رقاصه های دنیوی خویشتن را بر حذر می دارد . همچنین زنان مؤمنه ی دنیوی هم به همین اوصاف متخلق می شوند و می توانند شوهران دنیوی خود و یا کسان دیگر و یا از میان پسران جوان و زیبای بهشتی برای خود به عنوان همسر برگزینند .

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿۷۷﴾ شما و همسرانتان به بهشت در آئید، در آنجا شادمان و شادکام و مکرم و محترم خواهید بود .

جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ^(۴) آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می شوند که صالح باشند...

^۱ - رواه ترمذی ۲- رواه ترمذی ۳- زحرف/ ۷۰ ۴- رعد/ ۲۳

غلامان بهشت

خداوند متعال در بهشت پسرانی را در نهایت جمال و پاکیزگی آفریده است که سیمایشان همچون در و مروارید براق و درخشنده است و در هر حال در خدمت اهل بهشت می باشند و همچون غلامان به خدمتگزاری صادقانه و مخلصانه مشغول هستند و در حد امکان تمامی خواسته ها و آرزوهای بهشتیان را بر آورده می سازند و گذشت زمان برحسب و خلق آنها تأثیری نمی گذارد و برای همیشه در همان سن نوجوانی باقی خواهند ماند . خداوند متعال در وصف آنان می فرماید :

﴿ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ هُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ۝۱۹ ﴾^(۱) پیوسته در گرداگرد آنان نوجوانان ایشان (برای خدمتگزاریشان) در چرخش و گردشند . انگار آنان مروارید پنهان (در صدف) هستند.

﴿ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا ۝۲۰ ﴾^(۲) همواره نوجوانان جاودانه ای میانشان می گردند ، که هر گاه ایشان را بنگری چنین می انگاری که مروارید غلتانند ...

۲ - دهر/ ۱۹

۱ - طور/ ۲۴

غذاهای بهشت

خداوند متعال برای مؤمنین و بندگان پرهیزگار و مقرب خود ، بهشت را به نیکوترین شیوه آراسته است ، واهل بهشت هر آنچه آرزو کنند برایشان از قبل آماده شده است. **لَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَوْنَ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ** ^(۱) و در آخرت برای شما هر چه آرزو کنید هست ، و هر چه بخواهید برایتان فراهم است.

وَفَنَكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ^(۲) **وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ** ^(۳). هر نوع میوه ای را برگزینند و گوشت پرنده ای که بخواهند و آرزو کنند .
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ^(۴) در برابر کارهایی که می کرده اید ، خوش بخورید و خوش بنوشید ، گوراباد.

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: « إِنَّكَ لَتَنْظُرُ إِلَى الطَّيْرِ فِي الْجَنَّةِ فَتَشْتَهِيهِ فِجْجِيءٌ مَشْوِيًّا بَيْنَ يَدَيْكَ » ^(۴). گاه تو در بهشت پرنده ای را می نگری و (خوردن) آن را آرزو می کنی ، پس بریان شده پیش تو افتد .
در بهشت هر میوه و غذایی که صرف می شود ، اگر برای بار دوم از آن نوع طعام درخواست کنی ، هم از نظر طعم و مزه و هم از نظر بو ، مطبوعتر از بار اول خواهد بود و هر بار بیش از بار اول لذتبخش تر خواهد بود...

نوشابه های بهشت

آنانکه در دنیا از نوشیدن هر گونه نوشیدنی حرام و مست کننده ای پرهیز کرده اند برای آنان نوشابه ها و نوشیدنی های لذتبخش و نشاط آوری مهیا شده است که نوشیدنش علاوه بر لذت ، آدمی را به وجد و نشاط می آورد .

^۱ - فصلت/ ۳۱ - ۲-واقعه/ ۲۱-۲۰ ۳-مرسلات/ ۴۳ ۴- بحرالانوار

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾ فَوَاكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾ بَيَّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾

(۱) مگر بندگان مخلص خدا ، ایشان را روزی ویژه و معینی است . یعنی میوه رنگارنگ . آنان معزز و مکرمند . در میان باغها و بوستانهای بهشت بسر می برند . بالای تخت های آراسته و مزین ، روبه روی یکدیگر می نشینند . قدحهای می بر گرفته از رودبارهای جاری شراب ، گردا گرد آنان در گردش است . می سفید رنگ و خوش گوار برای نوشندگان . نه در آن تباهیها و گرفتاریهایی (همچون بیهوشی و خمار و زوال عقل و سایر مضرات و مفاسد) است ، و نه میخواران از آن به حالت تهوع در می آیند .

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ كَانَتْ مِرَاجُهَا كَافُورًا ﴿٤٨﴾ نِيكَانَ ، جامهای شرابی را سرمی کشند و می نوشند که آمیخته به کافور است .

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿٤٩﴾ در آنجا جامهای شرابی بدیشان می دهند که آمیزه ی آن زنجبیل است .

يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ ﴿٥٠﴾ خَتْمُهُمْ مِّسْكٌ ﴿٥١﴾ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِّسُونَ ﴿٥٢﴾ وَمِرَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٥٣﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٥٤﴾

(۴) به آنان از شراب زلال و خالصی داده می شود که دست نخورده و سر بسته است . مهر و دربست آن مشک است مسابقه دهندگان باید برای بدست آوردن این (چنین بهشتی) با همدیگر مسابقه دهند و بر یکدیگر پیشی گیرند . آمیزه ی آن تسنیم است تسنیم چشمه ای است که مقربان از آن می نوشند ...

جواهرات و لباسهای بهشتی

مردانی که در دنیا بخاطر رعایت موازین شرعی از استعمال جواهرات و لباسهای حریر و ابریشمی پرهیز کرده اند و همچنین زنانی که بخاطر فقر و تنگدستی و یا انفاق مال خود در راه خدا و رعایت موازین اسلامی از اسراف و استعمال بیش از حد زینت آلات و جواهرات خود داری کرده اند ، خداوند متعال آنان را از نعمت های بهشت کامیاب خواهد ساخت.

أُولَئِكَ هُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُتْلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ...^(۱) با دستبندهای طلا آراسته می شوند ، و جامه های سبز حریر نازک و ضخیم می پوشند...
پیامبر (ص) در این باره می فرماید: « إِنَّ عَلَيْهِمُ التَّيَّجَانَ أَنْ أَدْنَى لَوْلُؤُهُ فِيهَا تَضْيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ».^(۲) بر سر ایشان تاجهایی است که کوچکترین مروارید آن میان مشرق و مغرب را روشن می کند ...

خیمه های بهشت

در بهشت علاوه بر کاخهای مجلل و باشکوه ، در سیاحتگاهها برای مؤمنین ، خیمه هایی بر پا شده است ، که هنگام خروج از قصرها و گردش و تفریح در باغها و بوستانها و سبزه ارها و یا کوهنوردی در کوهها و بازدید از مزارع و کشتزارها و رودبارها و چشمه ها ، به هنگام استراحت به درون چادرهایی که حوریان دلربا به انتظار آنان نشسته اند ، می روند .

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ.^(۳) سیاه چشمانی که هرگز از خیمه ها بیرون نمی روند.
پیامبر (ص) فرمود : « إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ لَخِيْمَةً مِنْ لَوْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ مَجُوفَةٍ طَوْلِهَا سِتُونَ مِثْلًا لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا أَهْلُونَ يَطُوفُ عَلَيْهِمُ الْمُؤْمِنُ فَلَا يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا »^(۴) همانا برای مؤمن و متقی در بهشت خیمه ای است از مروارید توخالی که

۴- رواه الشيخان و ترمذی

۳- الرحمن/۷۲

۲- رواه ترمذی

۱- کهف/۳۱

طول آن شصت میل است و برای مؤمن در آن همسرانی است که او نزد همه ی آنان می رود درحالی که آنها همدیگر را نمی بینند ...

کشاورزی در بهشت

گاه شخص مؤمن در بهشت آرزوی کشاورزی می کند ، از خداوند اجازه می گیرد تا در بهشت کشاورزی کند. خداوند متعال هم به او می گوید : آیا آنچه که به تو داده ام برایت کافی نیست؟ و آرزوهایت را برآورده نمی نماید؟ شخص مؤمن گوید : پروردگارا ، چرا کافی است . اما من کشاورزی و زراعت را دوست دارم . پس بذر می پاشد و به هر شیوه ای که آرزو کند مزرعه اش همان گونه خواهد بود که او می خواهد.

همچنین پیامبر(ص) در باره آرزوی فرزند داشتن در بهشت فرمود :

« المؤمن إذا انتهى الولد في الجنة كان حمله و وضعه و سنه في ساعة كما يشتهي » ^(۱) هنگامی که مؤمن در بهشت آرزوی فرزند نماید حامله شدن و وضع حمل و سن و سالش، در عرض ساعتی آنچنانکه او می خواهد ، می شود ...

وسایط نقلیه و سواری

یکی از بزرگترین آرزوهای بشر در هر دوره ای از ادوار تاریخ ، میل به سواری و پرواز در آسمانها بوده است ، در همین راستا یکی از اصحاب از پیامبر(صلی الله علیه وسلم) می پرسد :

« يا رسول الله هل في الجنة من خيل؟ قال: إن الله أدخلك الجنة فلا تشاء أن تحمل فيها على فرس من ياقوته حمراء له جناحان يطير بك في الجنة حيث شئت . قال: و سأله رجل يا رسول الله هل في الجنة من ابل؟ قال: إن يدخلك

^۱ - رواه ترمذي

الله الجنة يكن لك فيها مااشتتهت نفسك و لذت عينك».^(۱) ای رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) آیا در بهشت اسب هم هست ؟ فرمود : اگر خداوند متعال تو را وارد بهشت نماید به تو اسبی از یاقوت می دهند که دو بال دارد و هر جا خواستی بروی بر آن سوار می شوی . صحابی دیگر پرسید : ای رسول خدا(ص) آیا در بهشت شتر هم هست ؟ فرمود اگر خداوند تو را وارد بهشت کند هر آنچه دلت بخواهد و چشمت از آن لذت ببرد ، برای تو هست.

« اعددت لعبادی ما لا عين رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر ».^(۲) برای بندگانم چیزهایی آماده کرده ام که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل کسی هم نگذشته است (و هیچ بشری آن را در ذهن خود هم تصور نکرده است) .

بازار های بهشت

در بازار های دنیا فقط کالاهای مادی یافت می شود ، اما در بازار های بهشت از کالاهای مادی و معنوی هر آنچه که تمنا کنی ، بدون پرداخت وجهی خواهی یافت

« إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا يَأْتُونَهَا كُلٌّ جَمْعَهُ فَتْهَبُ رِيحُ الشَّمَالِ فَتُحْتَوَى فِي وَجْهِهِمْ وَثِيَابُهُمْ فَيَزِدُّادُونَ حَسَنًا وَجَمَالًا . فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ وَقَدْ أَزْدَادُوا حَسَنًا وَجَمَالًا . فَيَقُولُ لَهُمْ أَهْلُهُمْ : وَاللَّهِ لَقَدْ أَزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حَسَنًا وَجَمَالًا . فَيَقُولُونَ : وَ أَنْتُمْ وَاللَّهِ لَقَدْ أَزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حَسَنًا وَجَمَالًا »^(۳) . در بهشت بازاری است که مؤمنین در روز جمعه بدانجا می روند پس باد شمال به سر و سیما و لباسهایشان می وزد و بر حسن و جمالشان می افزاید . هنگامی که به نزد همسرانشان برمی گردند ، گویند : بخدا سوگند بعد از جدا شدن از ما ، زیباتر و با جلالتر شده اید . آنها هم به همسران خود می گویند : بخدا سوگند بعد از رفتن ما هم شما زیباتر و قشنگ تر شده اید.

۳-رواه مسلم

۲-رواه الشيخان

۱- رواه ترمذي

در حدیثی به روایت امام ترمذی آمده است : « اهل بهشت روز جمعه هر هفته به ملاقات پروردگار می روند ، در آن مجلس هرکس خویشتن را نزدیکتر از سایرین به خداوند احساس می نماید و همگان با خداوند سخن می گویند . خداوند هم ایام دنیا را به آنان یاد آور می شود و سرانجام به امر پروردگار ابری در آسمان پدیدار می شود و بجای باران ، گلاب می بارد . خداوند می فرماید : برخیزید و بسوی آنچه از نعمت ها برایتان آماده شده بروید . مردم بر می خیزند و به بازار می روند ، چیزهایی را که چشم ها هرگز ندیده و دلهایشان تصور نکرده ، در آنجا می یابند و بدون پرداخت وجهی هرآنچه بخواهند بر می دارند . وبه خانه هایشان بر می گردند . همسرانشان به استقبالشان می آیند و آنها را به افزایش حسن و جمالشان مژده می دهند ... » .

« إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا مَا فِيهَا شَرَاءٌ وَ لَا يَبِيعُ إِلَّا الصَّوْرَمَنَ الرَّجَالُ وَ التَّسَاءُ ، فِإِذَا اشْتَهَى الرَّجُلُ صُورَهُ دَخَلَ فِيهَا »^(۱) در بهشت بازاری است بدون خرید و فروش و معامله . و در آن فقط اشکال و قیافه هایی از مردان و زنان وجود دارند و شخص بهشتی هر کدام از آن اشکال را آرزو برد به همان شکل و قیافه در می آید .

اکثریت اهل بهشت

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در باره ی اکثریت اهل بهشت می فرماید : « اهل الجنة عشرون و مائه صف ثمانون منها من هذه الامه و اربعون من سائر الامم »^(۲) . اهل بهشت یکصد و بیست صف می باشند . هشتاد صف از این امت و چهل صف از سایر امتها می باشند .

در حدیثی به روایت امام مسلم ، بخاری و ترمذی آمده است که پیامبر(ص) فرمود : « هفتاد هزار از امت اسلام بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند ، آنهم بدان سبب است که به فال فالگیران و سخنان ساحران و جادگران باور ندارند و آواز پرندگان و سایر امور خرافی را بدشگون نمی دانند و در زندگی فقط بر خداوند توکل می کنند » .

^۱ - رواه ترمذی ^۲ - رواه ترمذی

بهشت سرای امنیت و آسایش

آدمی در حیات دنیوی هرگز از امنیت و آسایش کامل برخوردار نخواهد شد ، زیرا اگر در بهترین ویلا و با مدرنترین ماشین و زیباترین همسر و در کمال رفاه مادی باشد ، از فشارهای روحی و روانی و غم از دادن نعمتها و سیری ناپذیری نفس ، در امان نخواهد بود . و کمترین اضطراب و نگرانی روحی و وقوع حادثه و اتفاقی کافی است که شیرینی زندگی را بر کام او تلخ نماید . و تاریخ ثابت نموده است وقتی که آدمی از ثروت سرشاری برخوردار شده است بجای اینکه ثروت موجبات آرامش خاطرش گردد ، خواب از دیدگانش ربوده و او را به جنگ و طغیان و ویرانگری وادار کرده است .

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيِّفٍ ﴿٦﴾ أَنْ رَّاهُ اسْتَغْنَى ﴿٧﴾ ^(۱) قطعاً انسانها سرکشی و تمرد می آغازند . اگر خود را دارا و بی نیاز ببینند...

یگانه مکانی که آدمی در آنجا احساس امنیت و آسایش مطلق خواهد کرد فقط بهشت است . و چون اهل بهشت این آرامش را احساس نمایند گویند: وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ﴿٥﴾ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٦﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ

الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٧﴾ ^(۲) سپاس خداوندی را سزا است که غم و اندوه را از ما زدود . بیگمان پروردگار ما آمرزنده (گناهان بندگان) و سپاسگزار (کارهای نیک ایشان) است . خداوندی که در پرتو فضل و لطف خویش ، ما را در سرای اقامت و ماندگاری جا داد . در آن هیچگونه رنج و مشقت جسمانی و هیچگونه ناتوانی و واماندگی روحانی به ما دست نمی دهد .

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَبِالْحَبَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ ^(۳) و اما کسانی که (به سبب کارهای نیکو) خوشبخت شده اند در بهشت جاودانه می مانند ، مادام که آسمانها و زمین پابرجا

^۱ - علق ۷-۶ - فاطر ۳۵-۳۴ - ۳ - هود ۸۰/۱۰

است ، مگر اینکه خداوند بخواهد . (و خداوند به افراد خوشبخت) عطیه ی عظیمی می دهد که گسیختنی نیست .

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در این باره فرمود : « إِذَا أَدَخَلَ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ أَتَى بِالْمَوْتِ فَيُوقِفُ عَلَى السَّوْرِ الَّذِي بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ ثُمَّ يَقَالُ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ فَيُطْلَعُونَ خَائِفِينَ . ثُمَّ يَقَالُ : يَا أَهْلَ النَّارِ فَيُطْلَعُونَ مُسْتَبْشِرِينَ يَرْجُونَ الشَّفَاعَةَ . فَيَقَالُ : لَأَهْلَ الْجَنَّةِ وَ أَهْلَ النَّارِ ، هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا . فَيَقُولُونَ : قَدْ عَرَفْنَاهُ وَ هُوَ الْمَوْتُ الَّذِي وَكَّلَ بِنَا فَيُضْجَعُ فَيَذْبَحُ عَلَى السَّوْرِ الَّذِي بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ ثُمَّ يَقَالُ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خَلُودٌ لَا مَوْتَ وَ يَا أَهْلَ النَّارِ خَلُودٌ لَا مَوْتَ ثُمَّ قَرَأَ : وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ - وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الدَّيْتِ^(۱) » بعد از آنکه خداوند متعال اهل بهشت را به بهشت و اهل دوزخ را به دوزخ داخل گرداند . مرگ آورده می شود و در مکانی بنام سور که در بین بهشت و دوزخ قرار گرفته است . متوقف می گردانند و گفته می شود: ای اهل بهشت ، آنان که صدای منادی را می شنوند با حالت ترس و بیم گوش فرا می دارند سپس گفته می شود ای اهل آتش، آنها هم با امید به شفاعت متوجه منادی می شوند . به آنان گفته می شود : آیا این را می شناسید ؟ گویند : این همان مرگی که بر ما مأمور بود . پس (همچون گوسفند) نقش بر زمین کرده و ذبح می نمایند. و گفته می شود : ای اهل بهشت همیشه در بهشت خواهید بود و مرگی نیست و ای اهل آتش برای همیشه در آتش خواهید بود و مرگی نیست . سپس پیامبر این آیه را تلاوت فرمود: (ای رسول ما) امت را از روز غم و حسرت بترسان که دیگر فرصت (تدبیر) از دست رفته است زیرا مردم از آن غافلند و بدان ایمان نمی آورند... یکی از عرفا گوید: « ترک لذات دنیوی سخت است و ازدست دادن بهشت سخت تر، و ترک لذات زود گذر دنیا ، مهریه ی آخرت است. دنیا ، نفس هارا خوار می کند ، و آخرت عزت می بخشد . پس ای عجب از کسی که در دنیا ذلت اختیار کند و عزت بگذارد در عقبی ! ».

^۱ - رواه الشيخان و ترمذی

رضایت خداوند

بعد از آنکه اهل سعادت در بهشت ، سکنی شدند و در سایه ی رحمت الهی ، زندگی جاوید و باعزت را شروع نمودند و در کنار جویبارها و حوران نیکو و خوش خلق و خوی آرمیدند ، خداوند متعال آنان را مورد خطاب قرار داده و فرماید : « یا اهل الجنّه . فبقولون: لبيك ربّنا و سعديك والخير في يدك . فبقول : هل رضيتم . فبقولون : و ما لنا لا نرضى يا رب و قد أعطيتنا مالم تعط أحداً من خلقك . فبقول : ألا أعطيكم أفضل من ذلك . فبقولون : يا ربّ اىّ شىءٍ أفضل من ذلك ؟ فبقول: أحلّ عليكم رضوانى فلا أسخط عليكم بعده ابداً ».^(۱)

ای اهل بهشت ، آنان هم گویند : لبيك پروردگارا خير و نیکی در قبضه قدرت تو است . پس فرماید : آیا (بدانچه داده شده اید) راضی هستید؟ گویند : پروردگارا چرا راضی نباشیم ، آنچه به ما عطا کرده ای به هیچیک از مخلوقات عطا ننموده ای . پس می فرماید : آگاه باشید که بهتر و نیکوتر از آن را ، به شما عطا می کنم . گویند : پروردگارا ، آن چیست ؟ خداوند متعال فرماید : خشنودی و رضای خود را شامل حال شما نمودم و تا ابد از شما ناراحت نخواهم شد و بر شما سخت نخواهم گرفت...

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكَنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾ خداوند به مردان و زنان مؤمن ، بهشت را وعده داده است که در زیر (کاخها و درختهای) آن جویبارها روان است و جاودانه در آن می مانند ، و مسکنهای پاکی را در بهشت جاویدان بدانان وعده داده است (از همه مهمتر) خشنودی خدا بالاتر از هر چیز است . پیروزی بزرگ همین است .

^۱ - رواه الشيخان و ترمذي ۲- توبه / ۷۲

فصل ششم:

آتش جهنّم

طبقات دوزخ

اوصاف دوزخ

اوصاف اهل دوزخ

غذا و نوشیدنیهای اهل دوزخ

گفتگوی دوزخیان با مستکبران

گفتگوی اهل بهشت با دوزخیان

آتش جهنم

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَدْ آتَيْنَاكَ عَذَابَ

النَّارِ ﴿٢١﴾^(۱) پروردگارا در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطا

فرما ، و ما را از آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار.

پیامبر (ص) درباره شدت گرما و درجه حرارت آتش دوزخ فرمود: «نارکم هذه

التي یوقد ابن ادم جزء من سبعین جزء من حرّ جهنّم...»^(۲) آتش شما ،

همین آتشی که بنی آدم بر می افروزد یک هفتادم آتش جهنّم گرما و حرارت دارد .

آتش جهنّم علاوه بر اینکه از لحاظ درجه حرارت با آتش دنیوی تفاوت دارد ، فاقد

نور و روشنایی است . «اوقد علی النار الف سنه حتّی احمرّت ثمّ اوقد علیها الف

سنه حتّی ابیضّت ثمّ اوقد علی النار الف سنه حتّی اسودّت فهی سوداء

مظلمه»^(۳) آتش جهنم هزار سال مشتعل بوده تا قرمز شده است و هزار سال دیگر

مشتعل بوده تا سفید شده است سپس هزار سال دیگر شعله ور بوده تا به رنگ سیاه

در آمده است و اکنون شعله های آن سیاه و تاریک اند (و دوزخ را در تاریکی فرو

برده اند).

۳- رواه ترمذی

۲- رواه الشیخان و ترمذی

۱- بقره/ ۲۰۱

در سال ۱۹۷۳ اخترشناسان به این حقیقت پی بردند : ستارگانی که نور آنها قرمز است حرارت آنها کمتر از ستارگان تیره رنگ است.

خداوند در قرآن درباره ی مواد تامین کننده ی سوخت آتش جهنم می فرماید:
يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُورًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ...^(۱) ای مؤمنان ! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افروزینه ی آن انسانها و سنگها است. وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿٥٠﴾^(۲) و اما آنان که ستمگر و بیدادگرند ، هیزم و هیمة ی دوزخ هستند .

در هر سال دو بار شعله های آتش دوزخ فروکش می کند پیامبر (ص) در این باره فرمود : « اَشْتَكَّتِ النَّارُ اِلَى رَبِّهَا فَقَالَتْ : رَبِّ اَكُلْ بَعْضِي بَعْضًا ، فَأَذِنَ لَهَا بِنَفْسَيْنِ نَفْسٍ فِي الشِّتَاءِ وَ نَفْسٍ فِي الصَّيْفِ فَهُوَ اَشَدُّ مَا تَجَدُّونَ مِنَ الْحَرِّ وَ اَشَدُّ مَا تَجَدُّونَ مِنْ زَمْهَرِيرٍ ».^(۳) آتش دوزخ به پروردگار خود شکایت برد و گفت : پروردگارا ، بعضی از من بعضی دیگر را نابود کرد ، پس خداوند به او در دو وقت اجازه تنفس و توقف داد یکی در زمستان و دیگری در تابستان . اما در آن حال ، شدت گرمای آن بیش از گرمترین روز تابستان در دنیا است و شدت سرمای آن بیش از سردترین روز زمستان دنیا است .

طبقات دوزخ

بعد از پایان محاکمه و صدور حکم قطعی ، دوزخیان گروه گروه بسوی دوزخ رانده می شوند ، ماموران دوزخ با تند خویی ، درها را بر روی آنها می گشایند و خطاب به آنان می گویند :

^۱ - تحریم/ ۶ - ۲ - جن/ ۱۵ - ۳ - رواه الخمسه

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتُحْتِ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ... ^(۱) آیا پیغمبرانی از جنس خودتان به میانتان نیامده اند تا آیه های

پروردگارتان را برای شما بخوانند و شما را از رویارویی چنین روزی بترسانند...؟
دوزخ هفت در دارد و هر در به طبقه ای از طبقات آن راه دارد و هر در و هر طبقه به گروهی خاص اختصاص دارد . وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۱۲﴾ هَٰذَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿۱۳﴾ و حتماً دوزخ میعادگاه جملگی آنان است . دوزخ دارای هفت در است و هر دری به بخش خاص و ویژه ای از آنان (که به دوزخ در می آیند ، اختصاص) دارد.

چون درهای دوزخ گشوده می شود و مجرمین دوزخ را از نزدیک می نگرند ، گویند : وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ ۖ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۴﴾ ستمگران کفر پیشه را خواهی دید که وقتی چشمانشان به عذاب می افتد خواهند گفت : (پروردگارا) آیا راهی برای برگشت (به جهان و برای جبران گذشته ها) وجود دارد؟

چرا باید در این آیه تدبر نکنیم که می فرماید : أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنْ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّن مَّلَجٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّكَيرٍ ﴿۱۵﴾
^(۴) هرچه زودتر مخلصانه فرمان پروردگار خود را پذیرا گردید ، پیش از آن که روزی فرا رسد که خدا هرگز آن را بر نمی گرداند . در آن روز نه پناهدگاهی دارید و نه اصلاً می توانید (اعمال بد خود را) انکار کنید...

شب تار خواهی منور چو روز از این جا چراغ عمل بفرروز

بر، آن خورد سعدی که بیخی نشاند کسی برد خرمن، که بذری فشانند

۱- **درک** : این طبقه پایین ترین و پست ترین و بدترین طبقه دوزخ است و سخت ترین عذاب به اهل این طبقه اختصاص دارد، اهل این طبقه سه ویژگی خاص دارد :

۱- اذا حدث كذب . چون به سخن در آید ، دروغ گوید .

۲- اذا وعد اخلف . چون وعده دهد ، خلاف آن عمل کند .

۳- اذا ائتمن خان . چون امانتی به وی سپرده شود ، خیانت کند .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٠٠﴾^(۱) بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پایین ترین مکان آن هستند و هرگز یآوری برای آنان نخواهی یافت .

۲- **لظی** : این طبقه به کسانی اختصاص دارد که در آزار و اذیت مظلومین زیاده روی

کرده و الگوی بی رحمی و شقاوت بوده اند. فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٠١﴾ لَا يَصْلَاهَا

إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٠٢﴾^(۲) من شمارا از آتش هولناکی بیم می دهم که شعله ورمی شود و زبانه می کشد . بدان داغ نمی شود و نمی سوزد مگر بدبخت ترین انسانها).

۳- **حطمه** : این طبقه به تهمت زندگان به مردان پاک و زنان عفیفه و پاکدامن ، و

عیب جویان و مال اندوزان اختصاص دارد . وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١٠٣﴾ الَّذِي جَمَعَ

مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿١٠٤﴾ تَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿١٠٥﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿١٠٦﴾

وَمَا أَدرُكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿١٠٧﴾ نَارُ اللَّهِ الَّتِي مَوْقَدَةٌ ﴿١٠٨﴾^(۳) . وای به حال هرکه طعنه زن

و عیبجو باشد . همان کسی که دارائی فراوانی را گرد می آورد و آن را بارها و بارها می شمارد . آخر گمان می برد که دارائیش بدو جاودانگی می بخشد! هرگز ، هرگز)

۱- نساء/ ۱۴۵ - ۲- لیل/ ۱۵-۱۴ - ۳- همزه/ ۶-۱

چنین نیست) . او بدون شک به خرد کننده و درهم شکننده پرت می گردد و فرو انداخته می شود . تو چه میدانی خردکننده و درهم شکننده چیست؟ آتش بر افروخته ی خدا است !

۴- سقر : این طبقه به ترک کنندگان نماز و زکات و به کفار و کتمان کنندگان حقایق و منکرین آیات خداوند اختصاص دارد .

ماموران طبقه ی سقر از اهل سقر می پرسند : مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٦﴾ چه چیز باعث شد که به سقرافکنده شوید؟

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٧﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ ﴿٤٨﴾ وَكُنَّا خَوْضًا مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٩﴾ وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٥٠﴾ حَتَّى أَتَيْنَا لَیْقِينَ ﴿٥١﴾^(۱) می گویند : از زمره نمازگزاران نبوده ایم . و به مستمند خوراک نمی داه ایم و ما پیوسته با باطلگرایان (به یاه و عیجویی دیگران) فرو می رفتیم و روزسزا و جزا را دروغ می دانستیم تا مرگ به سراغمان آمد .

۵- جحیم : این طبقه به کسانی اختصاص دارد که زندگی زود گذر و بی ارزش دنیا را به حیات پربرکت و دائمی آخرت برتری داده و آن را برگزیده اند ، اینان پیوسته در فکر آسایش و رفاه و خوردن و خوابیدن و خوشگذرانی و شهوترانی بوده اند و تکالیف خلیفه الهی را فراموش کرده و اوامر خداوند را سبک شمرده اند .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٥٢﴾ وَءَاثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٥٣﴾ فَإِنَّ الْجَحِيْمَ هِيَ الْمَأْوٰی ﴿٥٤﴾^(۲) اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد . و زندگی دنیا را (بر آخرت) ترجیح داده باشد. قطعاً جحیم (دوزخ) جایگاه (او) است .

۱- مدثر/۴۷-۴۳ ۲- نازعات/۳۷-۳۹

۶- سعیر: این طبقه به کسانی اختصاص دارد که با آگاهی از دستورات خداوند بجای پیروی از احکام اسلام ، از مکاتب کفر والحاد تبعیت ، و از مشرکان و اهل فسق و فجور تقلید کرده اند .

... وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٣٢﴾^(۱) و اگر یکی از آنان از فرمان ما سرپیچی می کرد ، از آتش سوزان بدو می چشانیدیم.

هنگامی که ماموران دوزخ علت آمدن آنها را جویا می شوند ، گویند : وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٣٣﴾^(۲) اگر ما گوش شنوا می داشتیم ، و یا عقل خود را بکار می گرفتیم ، هرگز از زمره ی دوزخیان نمی گشتیم...

۷- هاویه : این طبقه به کسانی اختصاص دارد که بخدا و روز آخرت ایمان داشته اند ، اما به سبب سهل انگاری و ضعف ایمان ، کمتر در فکر تدارک توشه سفر آخرت خود بوده اند . به همین سبب از رسیدن به سرمنزل سعادت باز می مانند و راهی دوزخ می شوند تا تاوان سهل انگاریهای خود را بپردازند .

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٣٤﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٣٥﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿٣٦﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿٣٧﴾^(۳) واما کسی که ترازوی (نیکیهای) او سبک شود ، مادر او پرتگاه (ژرف دوزخ) است . تو چه میدانی پرتگاه دوزخ چیست و چگونه است؟ آتش بسیار بزرگ و سوزانی است .

« مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَى كَعْبِيهِ ، وَ مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَى رِكْبَتَيْهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَى حِجْزَتِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ النَّارُ إِلَى عُنُقِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ تَأْخُذُهُ

^۱ - سبأ/ ۱۲ - ۲-ملک/ ۱۰ - ۳-قارعه/ ۱۱-۸

النار الى ترقويه» ^(۱) آتش کسانی از آنها را تا قوزک پا فرا گرفته و کسانی را تا زانوها و کسانی را تا کمر و کسانی را تا گردن و کسانی را تا گلوگاه آتش فرا گرفته است .

اوصاف دوزخ

ابوهریره (رض) گوید : باری در خدمت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بودیم ، ناگاه صدایی (همچون سقوط شیء بزرگ از بلندی) شنیدیم . پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود : می دانید این صدای چه چیزی بود؟ گفتیم: خدا و رسولش دانانند. فرمود : « هذا حجر رمی به فی النار منذ سبعین خریفاً فهو یهوی فی النار حتی انتهی الی قعرها» . ^(۲) این (صدای) سنگی بود که هفتاد سال پیش به دوزخ انداخته شد و آن سنگ همچنان از میان آتش دوزخ می گذشت تا اکنون به قعر دوزخ رسید .

پیامبر (ص) درباره ی ضخامت دیوارهای دوزخ فرمود: « لسرادق النار اربعة جدرٍ کثیفٍ کلّ جدارٍ مثل مسیره اربعین سنه » ^(۳) اطراف دوزخ چهار دیوار محکم و ضخیم کشیده شده است که ضخامت هر لایه ی دیوار آن مسافت چهل سال راه است . در دوزخ صداهای وحشتناک و زندانهای تنگ و تاریکی وجود دارد و آن صداها چنان آزار دهنده اند که چون اهل دوزخ آنها را هر لحظه می شنوند ، آرزوی مرگ خود را برند اما برای آنها مرگی نخواهد بود .

وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾ إِذَا رَأَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْطًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾ وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾ و ما برای کسی که قیامت را دروغ بداند آتش شعله ور و سوزانی را آماده کرده ایم . هنگامی که (این آتش) ایشان را از دور می بیند (و آنان او را می بینند) صدای خشم آلود و جوش و خروش آن را می شنوند .

^۱ - رواه مسلم ۲- رواه مسلم ۳- رواه ترمذی ۴- فرقان/۱۳-۱۱

عَلَيْهَا مَلَكُوتُ غِلَاطٍ شَدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿١﴾^(۱)

فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر و زورمند و توانا هستند . از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند . و همان چیزی را انجام میدهند که بدان مأمور هستند .

« ما رأيت مثل النار نام هاربها و لا مثل الجنة نام طالبيها »^(۲) هرگز چیزی مثل آتش جهنم ندیده ام که گریزاننده از آن ، در خواب باشد . و هرگز چیزی مثل بهشت ندیده ام که خواهنده اش نسبت به آن در خواب باشد (و برای آندو چنان اهمیتی قایل نباشد) .

« اكثرُوا ذِكْرَ النَّارِ فَإِنَّ حَرَّهَا شَدِيدٌ وَإِنَّ قَعْرَهَا بَعِيدٌ وَإِنَّ مَقَامِعَهَا حَدِيدٌ »^(۳) .

بسیار یاد کنید آتش را ، که برآستی گرمایش بسیار سوزان و گودی آن بسیار عمیق و گرزهایش آهنین است .

اوصاف اهل دوزخ

- احساس تشنگی شدید : وَنُسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا ﴿٤١﴾^(۴) و گناهکاران راتشنه کام به سوی جهنم می رانیم.

- عدم مرگ : الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿٤٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٤٣﴾^(۵) آن کسی که داخل عظیم ترین آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت . سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده (شمرده) می شود .

- پوست جدید : هنگامی که پوست بدن اهل دوزخ در اثر حرارت ذوب میشود چون عصب ها هم از بین می روند ، دیگر فرد احساس درد نمی نماید ، اما بلافاصله پوست جدید دیگری رویانده می شود : إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا

^۱ - تخریم/ ۶ - ۲ - رواه ترمذی ۳ - عمر ابن الخطاب ۴ - مریم/ ۸۶ ۵ - اعلی/ ۱۳-۱۲

كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ

اللَّهُ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ ^(۱) بیگمان کسانی که آیات و دلایل ما را انکار کرده و انبیای ما را تکذیب نموده اند ، بالاخره ایشان را به آتش شگفتی وارد می گردانیم و بدان می سوزانیم . هر زمان که پوستهای (بدن) آنان بریان و سوخته شود ، پوستهای دیگری بجای آنها قرار می دهیم تا (مستمر) مزه ی عذاب را بچشند .

- جسم قوی و تنومند : همه ی سلولهای شخص دوزخی که در طول زندگی دنیوی از دست داده است (هر روز هزاران سلول بدن می میرند و سلولهای جدید جای آنها را می گیرند) دوباره زنده می شوند و از تجمع آن همه سلول جثه بزرگی شکل می گیرد تا عذاب بیشتری را احساس نماید .

« إِنَّ غُلظَ جِلْدِ الْكَافِرِ اثْنَانِ وَارْبَعُونَ ذِرَاعًا وَ إِنَّ ضَرْسَهُ مِثْلَ أَحَدٍ وَ إِنَّ مَجْلِسَهُ مِنْ جَهَنَّمَ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ » ^(۲) ضخامت پوست کافر چهل و دو ذراع و چانه اش همچون تپه ی احد و نشیمنگاهش دردوزخ همچون فاصله ی بین مکه و مدینه است .

« إِنَّ الْكَافِرَ لَيَسْحَبُ لِسَانَهُ الْفَرَسِخَ وَ الْفَرَسَخِینَ يَتَوَطَّؤُهُ النَّاسُ » ^(۳) شخص کافر زبانش را فرسخی و گاه دوفرسخ از دهانش بیرون می کشد و مردمان لگدکوبش می کنند .

- شکل و قیافه ی زشت : تَلَفَحَ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُوتِ ^(۴) شعله های آتش دوزخ صورتهای ایشان را فرا می گیرد ، و آنان در میان آن ، چهره در هم کشیده (و پریشان) بسر می برند .

۴- مومنون/ ۱۰۴

۳- رواه ترمذی

۲- رواه ترمذی

۱- نساء/ ۵۶

« تشویه النَّار فتقلص شفته العليا حتّى تبلغ وسط رأسه و تسترخی شفته السفلی حتّى تضرب سرّته »^(۱) بر اثر شدت حرارت آتش ، لب زیرین برگردانده شده و تا وسط سرش می رسد و لب زیرین آویزان شده و تا نافش را فرامی گیرد .

- لباسهای اهل دوزخ : **فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ**

رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٥﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿١٦﴾ ^(۲) کسانی که کافرنند جامه هایی از آتش برای آنها بریده (و دوخته) شده است (علاوه بر آن) از بالای سرهایشان (برآنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می شود .

وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿١٧﴾ سَرَابِلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ ﴿١٨﴾ ^(۳) در آن روز گناهکاران را بهم بسته و در غل و زنجیر خواهی دید . پیراهنهای ایشان از قطران است و آتش سر و صورت (و سرپای وجود) آنان را فرا می گیرد .

- غل و زنجیر دوزخیان : **خُذُوهُ فَعْلُوهُ ﴿١٩﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٢١﴾** ^(۴) (خداوند به فرشتگان امر می کند :) او را بگیرد و به غل و بند و زنجیرش کشید . سپس او را به دوزخ بیندازید ، سپس او را با زنجیری ببندید و بکشید که هفتاد ذراع درازا دارد .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسِلًا وَأَغْلَلْنَا وَسَعِيرًا ﴿٢٢﴾ ^(۵) ما برای کافران زنجیرها و غلها و آتش فروزان دوزخ را آماده کرده ایم .

- تنبیه با گرزهای آهنین : **وَهُمْ مَّقْمِعُونَ مِنْ حَدِيدٍ ﴿٢٣﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٤﴾** ^(۶) و تازیانه هایی از

۱- رواه ترمذی ۲- حج/۱۹-۲۰ ۳- ابراهیم/۵۰-۴۹ ۴- الحاقه/۳۲-۳۰

۵- دهر/۴ ۶- سجده/۲۲-۲۱

آهن برای (سرکوبی) ایشان است . هرزمان که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند ، بدان برگردانده شوند و (بدیشان گفته شود) عذاب سوزان را بچشید...

- کمترین عذاب دوزخ: « إِنَّ أَهْلَ النَّارِ عَذَابٌ أَلِيمٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَرَجُلٌ تَوَضَّعَ فِي أَمْصِ قَدَمِيهِ جَمْرَتَانِ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاقُهُ ».^(۱) کمترین و خفیف ترین عذاب اهل دوزخ در روز قیامت ، عذاب کسی است که در زیر پاهایش دو آتشدان قرار داده اند که در اثر آن مغز سرش در حال غلیان است .

- آرزوهای دوزخیان : يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا اطَّعْنَا اللَّهَ وَاطَّعْنَا أَلْرَّسُولَ ﴿٦٦﴾ روزی (را خاطر نشان ساز که) چهره های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می گردد و می گویند : ای کاش ما از خدا و پیغمبرفرمان می بردیم .

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ^(۳) پروردگارا ! بیرونمان بیاور تا کارهای شایسته ای انجام دهیم که جدای از کارهایی باشد که قبلاً می کردیم .

- پاسخ به آنها چیست : أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ^(۴)

فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٦٧﴾ آیا به شما بدان اندازه عمر ندادیم که در آن هر کس که بخواهد بیدار و هوشیار شود ، کافی و بسنده باشد ؟ و آیا بیم دهنده (پیامبران و تبلیغ کنندگان دین) به پیش شما نیامد؟ پس بچشید ، اصلاً برای ستمگران یار و یآوری نیست .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ حَمِيْعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ^(۵) وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٨﴾ بیگمان اگر همه ی آنچه در زمین است و همانند آن ، مال کافران باشد و آن را برای نجات خود از عذاب روز قیامت پردازند و بخواهند خویشتن را بدان بازخرید کنند از ایشان پذیرفته نمی گردد و دارای عذاب دردناکی می باشند .

^۱ - رواه الشيخان و ترمذی ۲- احزاب/ ۶۶ ۳- فاطر/ ۳۷ ۴- فاطر/ ۳۷ ۵- مائده/ ۳۶

غذا و نوشیدنی های اهل دوزخ

۱- زقوم : إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿١٧﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿١٨﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿١٩﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٢٠﴾ ^(۱) و قطعاً درخت زقوم ، خوراک گناهکاران است . همچون فلز گداخته در شکمها می جوشد . جوششی همچون آب گرم و داغ...

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در مورد زقوم فرمود: « لَوْ أَنَّ قَطْرَهُ مِنَ الزَّقُّومِ قَطَرَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَافْسَدَتْ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا مَعَالِيشُهُمْ فَكَيْفَ بِمَنْ يَكُونُ طَعَامَهُ ». ^(۲) همانا اگر قطره ای از زقوم بر کره زمین فرو افتد ، زندگی را بر اهل زمین ناگوار می نماید . پس باید چگونه باشد حال کسی که غذایش از آن است .

۲- ضریع : لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٢١﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٢٢﴾ ^(۳) آنان خوراکی جز ضریع نخواهند داشت . نه فربه خواهد کرد و نه از گرسنگی خواهد رهاند...

۳- غسلین : فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ ﴿٢٤﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٢٥﴾ ^(۴) لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد . و خوراکی هم ندارد مگر از زردابه و خونابه . چنین خوراکی را جز بزهکاران نمی خورند...

۴- حمیم : فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٢٦﴾ فَشَرِبُونَ شُرْبَ أَلْهِيمِ ﴿٢٧﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٢٨﴾ ^(۵) و روی آن ، آب جوشان و سوزان خواهند نوشید و همچون

۵- واقعه/۵۶-۵۴

۴- الحاقه/۳۷-۳۵

۳- غاشیه/۷-۶

۲- رواه ترمذی

۴۳-۴۶ دخان/۱

نوشیدنی شترانی که مبتلا به بیماری تشنگی شده اند ، از آن خواهید نوشید . این ، وسیله ی پذیرایی ایشان در روز جزا است.

وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ^(۱) و از آب داغ و جوشان نوشانده می شوند که روده های ایشان را پاره پاره می کند و از هم می گسلد ...

پیامبر (ص) درباره ی حمیم فرمود: « إِنَّ الْحَمِيمَ لِيَصَبَّ عَلَى رُؤْسِهِمْ فَيَنْفِذُ حَتَّى يَخْلُصَ إِلَى جَوْفِهِ فَيَسْلُتُ مَا فِي جَوْفِهِ حَتَّى يَمْرُقَ مِنْ قَدَمَيْهِ وَهُوَ الصَّهْرُ ثُمَّ يَعَادُ كَمَا كَانَ » .^(۲) همانا حمیم آبی است جوشان و سوزان که بر فرق سر دوزخیان ریخته می شود و به درون بدنشان نفوذ می کند و هر آنچه در شکم دارند ، پاره پاره و ذوب می کند و از دبرش بیرون می ریزد و دوباره برگردانده می شود . (و باز آب جوشان بر فرقشان ریخته می شود ...) .

۵- صدید : وَيُسْقَى مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ۝ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَمِيٍّ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ^(۳) (به او) از خونابه نوشانده می شود . آن را جرعه جرعه می نوشد ، و به هیچ وجه گوارایش نمی یابد ، و مرگ از هر سو بدو روی می آورد و حال اینکه نمی میرد و بر سر راه او (هر آن و زمان) عذاب سختی است .

پیامبر (ص) درباره ” ماء صدید“ فرمود: « يَقْرَبُ إِلَى فِيهِ (مِنْ مَاءِ صَدِيدٍ) فَيَكْرَهُهُ فَإِذَا ادْنَى مِنْهُ شَوَى وَجْهَهُ وَوَقَعَتْ فَرْوُهُ رَأْسَهُ فَإِذَا شَرِبَهُ قَطَعَ أَمْعَاءَهُ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ دَبْرِهِ » .^(۴) (آب چرکین و خون آلود) را به دهانش نزدیک می نماید درحالی که بشدت از نوشیدن آن اکراه دارد و چون نزدیک گردانده می شود ، چهره ی او را بریان می کند و پوست سرش بیفتد و چون از آن بخورد روده هایش پاره پاره شده و از مقعدش خارج شوند .

« أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ »^{۱، ۵} آنان جز آتش چیزی نمی خورند.

۱- محمد / ۱۵

۲- رواه ترمذی

۳- ابراهیم / ۱۷-۱۶

۴- رواه ترمذی

۵- بقره ۱۷۴

گفتگوی دوزخیان با مستکبران

دوزخیان که دنیا را در لُهو و لعب و هوسرانی و نافرمانی از خداوند و بندگی شیاطین جن و انس سپری کرده اند . چون خویشتن را از هر سو سخت در عذاب می بینند و همه ی راهها را بر خود بسته می یابند ، اشراف و مستکبران و سران و رهبران احزاب گمراه کننده و شیطان را مورد ملامت و خطاب قرار می دهند : إِنَّا

كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ^(۱) ما پیروان

شما بودیم ، آیا می توانید چیزی از عذاب خدا را از سرِما بردارید؟

مستکبران در پاسخ گویند : لَوْ هَدَيْنَا اللَّهُ هَدًى يَنْتَكُمُ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ

صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ^(۲) اگر خداوند ما را (به راه رستگاری) رهنمود

می کرد ما هم شما را رهنمود می کردیم (هم اینک) چه بی تابى کنیم چه شکیبایی نمائیم یکسان است ، راه نجات و گریزی برای ما نیست ...

شیطان در مقام دفاع از خود می گوید : إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ

فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْهُمُونِي

وَلَوْلَمْؤَا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي ^(۳) إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا

أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ^(۴) خداوند به شما وعده راستینی داد و من به شما وعده دادم

و با شما خلاف وعده کردم و من بر شما هیچ تسلطی نداشتم ، جز اینکه شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (فریب و سوسه هایم را خوردید و) دعوتم را پذیرفتید پس مرا سرزنش نکنید و بلکه خویشتن را سرزنش کنید (امروز) نه من به فریاد شما می رسم و نه شما به فریاد من می رسید . من امروز از اینکه قبلاً مرا (در دنیا برای خدا) انباز کرده اید ، تبری می جویم .

۱- ابراهیم/ ۲۱ ۲- ابراهیم/ ۲۱ ۳- ابراهیم/ ۲۲

گفتگوی اهل بهشت و جهنم

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى

الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ ^(۱) بهشتیان دوزخیان را ندا می دهند که ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود همه را حق یافته ایم ، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافته اید؟ می گویند: بلی ! ندا دهنده ای در میانشان ندا در می دهد که نفرین خدا بر ستمگران باد.

اهل دوزخ فرصت را غنیمت شمرده و امیدوارانه ادامه می دهند : وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿١٢﴾ ^(۲) دوزخیان ، بهشتیان را صدا می زنند که مقداری از آب یا چیزهایی که خداوند قسمت شما فرموده است به ما عطا کنید ، بهشتیان می گویند : خداوند آب و چیزهای بهشت را بر کافران قدغن کرده است .

کافران چون از بهشتیان نا امید می شوند و به یقین می دانند که صبر و بیقراری هر دو برای آنان یکسان است و راه خلاصی برای آنها نیست ، دست حسرت به دندان گزیده و گویند : يٰلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ^(۳) . ای کاش خدا و پیامبرش را اطاعت می کردیم (تا این چنین گرفتار نمی شدیم) .

^۱ - اعراف/ ۴۴ ۲ - اعراف/ ۵۰ ۳ - احزاب/ ۶۶

استغاثه و استمداد اهل دوزخ

اهل دوزخ هنگامی که بشدت احساس گرسنگی می نمایند ، درخواست طعام می کنند . مأموران هم از زقوم و ضریع به آنها می خوراند که به سختی آنها را عذاب می دهد . به یاد می آورند که در دنیا هنگام غلبه ی غم و اندوه به می و شراب پناه می بردند ، پس درخواست شراب می کنند . به آنها حمیم و غسلین نوشانده می شود که تمام روده هایشان را می گدازد ... و چون از بخشش بهشتیان نا امید می شوند و از عذاب دوزخ به تنگ می آیند ، سوی مأموران دوزخ رفته و ذلیلانه گویند : اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾^(۱) شما از پروردگارتان درخواست کنید که یک روز عذاب را از ما بردارد .

مأموران هم گویند : اَوَلَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُم رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ^ص آیا پیغمبران شما آیه های روشن و دلایل آشکاری را برای شما نمی آوردند ؟
گویند : بَلَىٰ^ج قَالُوا فَادْعُوا^ط وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ^(۲) بلی ، (فرشتگان) می گویند : پس خودتان درخواست کنید ، ولی درخواست کافران (بی فایده است و) جز سردرگمی نتیجه ای ندارد .
بعد از نا امیدی از مأموران ، مالک ، رئیس و مدیر دوزخ ، را طلب می کنند و ذلیلانه به او می گویند : يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ^ص ای مالک پروردگارت مارا بمیراند و نابود کند .

مالک در جواب گوید : إِنَّكُمْ مِّنْكَثُورٍ ﴿٧٧﴾^(۳) شما (اینجا) می مانید (و مرگ و نابودی در کار نیست) .

^۱ - غافر/ ۴۹ ۲- غافر/ ۵۰ ۳- زحرف/ ۷۷

دوزخیان بعد از ناامیدی از همگان با خود گویند : چرا پروردگارمان را که خالق و قادر و ارحم الراحمین است یاد نکنیم؟ براستی که ما بسیار ستمکار بوده ایم که در دنیا هر گز خداوند را یاد نکرده ایم ، حال وقت آن رسیده است که او را یاد کرده و به او پناه ببریم . پس با شرم و خجلت گویند : رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا

ضَالِّينَ ﴿٦٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿٦٧﴾ ^(۱) پروردگارا

! بدبختی ها (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود ، و ما مردمان گمراهی بودیم . پروردگارا ! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور و اگر (بعد از این به کفر و عصیان) برگشتیم ما ستمگر خواهیم بود (و مستحق هر گونه عذابی) ...

خداوند خطاب به آنها گوید : أَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاكُنْتُمْ بِهَا

تَكْذِبُونَ ﴿٦٨﴾ ^(۲) مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما آنها را دروغ

می نامیدید؟

أَحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُوا ﴿٦٩﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿٧٠﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم

ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحَّكُونَ ﴿٧١﴾ ^(۳) بتمرکید در آن ! و با من سخن مگوئید.

(مگر فراموش کرده اید در دنیا) گروهی از بندگان من می گفتند : پروردگارا ! ایمان آورده ایم پس ما را ببخش و به ما رحم بفرما ، و تو بهترین رحم کنندگان هستی . شما ایشان را به باد تمسخر می گرفتید ، تا آنجا که سرگرم شدن به تمسخر ایشان ، ذکر و عبادت مرا از یادتان برده بود ، و کارتان همیشه خندیدن بدانان بود و بس .

« نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ غَضَبِ اللَّهِ » . از آتش دوزخ و خشم و غضب الهی پناه می بریم به پروردگار عالمیان .

^۱ - مومنون/ ۱۰۷-۱۰۶ ۲- مومنون/ ۱۰۵ ۳- مومنون/ ۱۱۰-۱۰۸

خاتمه

حمد و سپاس بی پایان خداوند متعال را بجا می آورم و بر فرستاده اش درود و سلام می فرستم که به بنده ی حقیرش ، توفیق جمع آوری این مطالب ارزشمند را عطا کرد . امید است از ما بپذیرند و به الطاف خود قصورم را بر من ببخشایند و آن را زاد و توشه ی آخرتم گرداند و به کلماتش اثر ببخشند ، تا دلها را به سوی آخرت متمایل گرداند .

در خاتمه خواننده ی گرامی را به باور راستین به آخرت ، تدارک زاد و توشه ی بهتر و بیشتر ، تفکر درباره ی مرگ و تدبیر در آیات زیر توصیه می نمائیم :

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ ۖ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ^(۱) بیگمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی آمرزد و بلکه (گناهان) پایین تر از آن را از هرکس که بخواهد (صلاح بداند) می بخشد .

﴿ قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾^(۲) (از قول خدا به مردمان) بگو : ای بندگانم ، ای آنانکه در معاصی زیاده روی هم کرده اید از لطف و مرحمت خدا مأیوس و نا امید نگردید . قطعاً خداوند همه ی گناهان را می آمرزد . چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است .

﴿ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنْشِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾^(۳) بگو قطعاً مرگی که از آن می گریزید ، سرانجام با شما رویاری می گردد و شما را در می یابد ، بعد از آن به سوی کسی برگرانده می شوید که از پنهان و آشکار آگاه است ، و شما را از آنچه کرده اید با خبر می گرداند ...

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غُفُورًا رَحِيمًا ﴿١﴾

هر کس که کار بدی بکند یا (با ارتکاب معاصی) بر خود ستم کند ، سپس از خدا آمرزش بطلبد ، (از آنجا که درگاه توبه همیشه باز است) خدا را آمرزنده ی (گناهان خویش و) مهربان (در حق خود) خواهد یافت .

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۚ وَاللَّهُ غُفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢﴾ . آیا به سوی

خدا بر نمی گردند و از او آمرزش نمی خواهند ؟ خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است (و اگر توبه نمایند و طلب آمرزش کنند ، خداوند ایشان را می بخشد و بدیشان رحم می کند) ...

قال الله تعالى :

« لا اجمع على عبدی خوفین ، و لا اجمع له امنین ، فإن امنی فی الدنیا اخفته یوم القیامه و إن خافی فی الدنیا امنته یوم القیامه »^(۳)
خداوند متعال فرماید :

بر بنده ام دو ترس (هم در دنیا و هم در آخرت) و دو امنیت (هم در دنیا و هم در آخرت) مقرر نداشته ام . پس اگر در دنیا (نسبت به دستورات من) بی پروا بوده باشد ، در آخرت در ترس (و عذابش) خواهم افکند . و اگر در دنیا (از محاکمه و محاسبه ی اخروی) در بیم و هراس بوده باشد، در آخرت او را در آرامش و امنیت قرار می دهم .

ما نصیحت بجای خود کرده ایم روزگاری در این سر بردیم
گر نیاید بگوش رغبت کس بر رسولان پیام باشد و بس^(۴)

« رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ » .

منابع و مأخذ

تفسیر نور	دکتر خرم دل
تاج الاصول و سایر کتب حدیث	احادیث نبوی
احیاء علوم الدین	امام محمد غزالی
دورنمای رستاخیز جهان	سید قطب
عقیده الاسلامیه	حبنکه میدانی
روح الدین الاسلامی	طباره
مباید اسلام و فلسفه احکام	امام مودودی
اليوم الاخر فی ظلال القرآن	احمد فائز
ماذا بعد الموت	شاكر عبد الجبار
يوم القيامة	عبدالرزاق نوفل
القيامة رأى العين	محمد محمود الصّواف
تعاليم اسلام	علامه طنطاوى

این کتاب

زندگی از دیدگاه اسلام دارای افقی پهناور است و در این سرای فانی خلاصه نمی شود ، بلکه ریشه در جهان ها دارد و از تنوع بسیاری برخوردار است .

شخصیت انسان از دیدگاه اسلام به وسعت ابدیت زمان و گستردگی عالم هستی و امتداد آنها ، از اهمیت و ارزش ویژه برخوردار است .

این کتاب آدمی را از تنگنای دنیا به فراخنا و امتداد آن و عظمت آخرت راهنمایی می کند . و زندگی و جان و روح را از دایره ی تنگ و کالبد دنیوی و لذا یز زودگذر بسوی فراخنای پهناور هستی و پرواز در جهان برزخ ، محشر و ابدیت فرا خوانده و لذا یز و نعمت های همیشگی را به او می شناساند .

که دنیا سر به سر اندوه و درده	به دنیا دل نبنده هرکه مَرده
که دنیا با رفیقانز چه کرده	به قبرستان گذر کن تا ببینی